



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



۲

رشد

معلم

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای معلمان، دانشجو معلمان و
کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره ۴۲ | شماره پیاپی ۳۵۶
آبان ماه ۱۴۰۲ | ۴۸ صفحه

ISSN: 1606-9129

www.roshdmag.ir

تربیت شایسته محور چراغ راه عصر دیجیتال



ولادت امام حسن عسکری (ع)

ولادت حضرت زینب (س)

۲۸ باب ولادت امام حسن عسکری (ع)
۲۸ باب ولادت حضرت زینب (س)
گرامی باد.



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

رشد مجله

www.roshdmag.ir

۲

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان،
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش | دوره ۴۲
شماره پی در پی ۳۵۶ | آبان ماه ۱۴۰۲ | قیمت ۱۱۰۰۰ ریال

شایستگی، اسم رمز تحول / دکتر عظیم محبی * ۲

نسل نو، نكاده نو، نیاز نو / دکتر لیلا میرزائی * ۴

پرونده: هویت یابی
بومیان دنیای مجازی و نحوه تعامل با آن ها / زهرا پروازی مقدم * ۷

کدام شغل؟ کدام استعداد؟ / محمدرضا حشمتی * ۱۰

بی تاب شدن عادت گم حوصله ها است / سهیلا نعیمی * ۱۲

هوش مصنوعی و آینده آموزش / دکتر حامد عباسی، حمیده عباسی * ۱۴

از شعبه بانگ به کلاس درس / الهام فراستی * ۱۷

کلیدهای موفقیت در ارتباط با دانش آموزان / دکتر محمد نیرو * ۱۸

رشد مغز کافی نیست! / دکتر سارا ابراهیمی * ۲۰

برگ هایی از آبان / دکتر لیلا میرزائی * ۲۲

از سطح به عمق / دکتر محمدرضا سنگری * ۲۴

ارزشیابی ۳۶۰ درجه / محمدصادق شیرازی * ۲۶

فرصت زندگی ورزشی / لیلا صمدی * ۲۹

آتش بازی با گرگ ها / انوریگی * ۳۲

خطر سالمندی / دکتر اعظم گودرزی * ۳۴

درس و مدرسه در سبک هندی / فاطمه حسینی فرد * ۳۶

توب عدالت اقتصادی در زمین آموزش و پرورش / فائزه سادات ابراهیمی * ۳۸

مهارت تفکیک دوغ و دوشاب / سید غلامرضا فلسفی * ۴۰

منشور هدف گذاری / دکتر مرتضی فاضل * ۴۲

تدریس زیر ذره بین / دکتر محمدرضا سرکارآرانی * ۴۴

هفته گذشته درباره ارتقای حرفه ای معلمان / * ۴۸

مدیر مسئول: محمد صالح مذنبی

سر دبیر: دکتر عظیم محبی

شورای برنامه ریزی:

دکتر محمد نیرو

دکتر حامد عباسی

دکتر لیلا میرزائی

حجت الاسلام سجاده کرمی

مونس یازکی

مدیر داخلی: الهام فراستی

ویراستار: کبری محمودی

مدیر هنری: کوروش پارسائزاد

طراح گرافیک: مجتبی زند

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهرشمالی، پلاک ۲۷۰

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶

تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲

نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

پایمک: ۰۳۰۰۸۹۹۵۲۰

وبگاه: www.roshdmag.ir

رایانامه: roshdmag.ir@moallem

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

امور مشترکین:

۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

پایم نگار: ۰۲۳۳-۸۸۴۹۰۲۱

چاپ و توزیع: شرکت افست



آدرس کانال مجله رشد
معلم در پیام رسان ها:
@roshd_moallem

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. حجم مطالب ارسالی حداکثر ۱۰۰۰ کلمه باشد. اثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. آرای مندرج در مقاله حاضر و تأمین نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.



برای اشتراک مجلات رشد
پوش کنید



شایستگی

دکتر عظیم محبی
دکترای علوم تربیتی

کلمه شایستگی یکی از واژه‌های کلیدی در مبانی نظری تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران است. اما هنوز این مفهوم به درستی تبیین نشده و در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی و تربیتی در حد مطلوب به آن توجه نشده است. لذا نظر به اهمیت موضوع به عنوان چراغ راه تحول آموزش و پرورش، نکاتی تقدیم می‌شوند:

منظور از شایستگی‌ها، مجموعه‌ای ترکیبی از صفات‌ها، توانمندی‌ها و مهارت‌های فردی و جمعی ناظر به همه

جنبه‌های هویت است که متر بیان در جهت درک موقعیت خود و دیگران و عمل فردی و جمعی، برای بهبود مستمر آن، باید این ویژگی‌ها را کسب کنند. شایستگی‌ها ناظر به عمل آگاهانه و اختیاری متر بیان طی فرایند مستمر تربیت است. شایستگی‌ها را می‌توان به دو گروه پایه (مشترک) و ویژه تقسیم کرد. شایستگی‌های پایه آن دسته از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌ها هستند که متر بیان باید آن‌ها را برای وصول به مرتبه‌ای لازم از آمادگی عموم افراد جامعه برای تحقق حیات طیبه کسب کنند. شایستگی‌های ویژه هم آن گروه از صفات، توانمندی‌ها و مهارت‌ها هستند که افراد بر حسب علاقه و استعداد و نیازهای خاص جامعه باید آن‌ها را کسب کنند (مبانی نظری سند تحول، ص ۱۳۸)

کسب شایستگی‌ها پیش شرط تکوین و تعالی هویت متر بیان است. بنابراین، شایستگی‌ها بیان تفصیل یافته‌ای از این هدف تلقی می‌شود. در عین حال، به عنوان رسالت (مأموریت) آموزش و پرورش تلقی شده است (همان، ص ۳۷۷). «فراهم آوردن زمینه نظام‌مند و عادلانه کسب شایستگی‌های فردی، خانوادگی و جمعی، به منظور دستیابی به مرتبه قابل قبولی از آمادگی جهت تحقق حیات طیبه در همه ابعاد.»

بر اساس این مأموریت، شایستگی‌های مشترک عبارت‌اند از:

- دین‌دار (مؤمن به باورهای اسلام ناب، علاقه‌مند به ارزش‌های اصیل و عامل به دستورات و احکام اسلامی)؛
- مؤدب و متخلق به آداب و اخلاق انسانی و اسلامی؛
- حقیقت‌جو، خردورز و پرسشگر؛
- انتخاب‌گر و آزادمنش؛
- حق‌محور و مسئولیت‌پذیر نسبت به خدا، خود، جامعه و طبیعت؛

- عدالت‌ورز، ظلم‌ستیز، مهربان و صلح‌جو؛
- سالم و بانشاط؛
- امیدوار نسبت به آینده و منتظر برپایی جامعه عدل جهانی (جامعه مهدوی)؛
- قانون‌گرا، منضبط و نظم‌پذیر؛
- خودباور، دارای عزت نفس، مصمم و بااراده؛
- پاک‌دامن، باحیا، امین، بصیر و حق‌شناس؛
- وطن‌دوست و استقلال‌طلب؛
- جهادگر، شجاع و ایثارگر؛
- مقتصد، خلاق و کارآفرین؛
- جمع‌گرا و جهانی‌اندیش؛
- دارای ذائقه هنری و زیبایی‌شناختی (همان، ص ۳۳۸ و ۳۳۹).

بر اساس این مأموریت، مدرسه به عنوان کانون عمل و جلوه عینی نظام تربیت رسمی و عمومی، زمینه کسب شایستگی‌های لازم را در متر بیان، برای درک و اصلاح موقعیت، فراهم می‌کند (همان، ص ۳۵۷) و برنامه‌های درسی به عنوان بستر این مأموریت تلقی می‌شود (ص ۳۷۲).

رویکرد اصلی در برنامه‌های درسی برای تحقق این مأموریت، موقعیت‌محوری و یکپارچه‌نگری است. بر اساس این رویکرد، در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی (تدریس، سنجش و ...) چند اصل باید مدنظر قرار گیرند:

- اتکا به رویکرد تلفیقی و مسئله‌محور
- اتکا به بازآفرینی فرهنگ مدرسه
- توجه به تمام‌ساحتی بودن تدریس
- توجه به کسب شایستگی‌ها به عنوان فرایند دستیابی به معنا (متربی عامل)
- توجه به پرسشگری متر بیان در کسب شایستگی‌ها
- توجه به ارزشیابی گروهی

شایستگی	خرده شایستگی‌ها	ابعاد خرده شایستگی (توصیف تفصیلی خرده شایستگی)
هویت اسلامی - ایرانی	هویت دینی معنوی	/ کشف هدف و معنای زندگی خود بر پایه نظام معنایی دین / برخورداری از احساسات دینی / التزام به معنای دینی زندگی در رفتار و تصمیم‌گیری‌های خود / ابراز علاقه به اولیای دین و الگوگیری از آن‌ها و اظهار بیزارى از دشمنان آنان
	هویت ملی انقلابی	/ حفظ و پاسداشت زبان فارسی / احترام، قدرشناسی آگاهانه و سازنده نسبت به مؤلفه‌های هویت قومی خود و دیگر اقوام ایرانی / احساس تعلق به امت اسلامی به مثابه جامعه فراگیر ایمانی / افتخار آگاهانه به ایرانی بودن خود و دستاوردهای تاریخ و تمدن ایرانی - اسلامی و انقلاب اسلامی و دفاع از آن‌ها
	هویت خانوادگی جنسیتی	/ پذیرش نقش‌های خود در خانواده و تعهد نسبت به حریم آن / پذیرش تفاوت‌های جنسی و جنسیتی زن و مرد بر اساس نظام معیار اسلامی و اقدام بر اساس آن‌ها
فکر	حقیقت‌جویی، جست‌وجوگری و اکتشاف	/ شوق به کند و کاو و اکتشاف / پرسشگری متناسب / تجربه‌ورزی در موقعیت‌های غیر آسیب‌زا
	تمرکز و بینش (بصیرت)	/ توجه مستمر و همه‌جانبه به موضوع / ژرف‌نگری در امور به منظور کشف و درک لایه‌های معنایی و باطنی
	تحلیل، استدلال و سنجشگری	/ توضیح اطلاعات و ایده‌ها / شناسایی، سازمان‌دهی و پردازش (اطلاعات، ایده‌ها و امور) / بازبینی فرایند اندیشه‌ورزی خود به منظور اصلاح و تکمیل آن / ارزیابی (پردازش اطلاعات) و ارزش‌گذاری (قضاوت) معیارمدار
	خلاقیت و ابداع	/ برقراری پیوند معنادار میان امور و ایده‌های مختلف، بسط ایده‌ها و خلق معانی و ایده‌های جدید / توجه به جایگزین‌ها و منظرهای متفاوت، پیشنهاد پاسخ‌ها و راه‌حل‌های ابتکاری و عملی کردن آن‌ها
ارتباط مسئولانه و مؤثر	برقراری و حفظ ارتباط	/ سازمان‌دهی و بیان خواسته‌ها، احساسات و ایده‌های خود به صورت واضح، قانع‌کننده، محترمانه و متناسب با موقعیت / تحلیل انواع پیام (کلامی و غیرکلامی) به منظور کشف معنا و ارائه بازخورد متناسب / گوش دادن فعال و مؤثر
	اخلاق و آداب ارتباطی	/ مهرورزی، خیرخواهی و از خودگذشتگی / صداقت در ارتباط با دیگران / رعایت حیا و عفاف در تمام ساحت‌ها و اقسام ارتباط با دیگران / قاطعیت و جرئت‌ورزی در پاسخ به خواسته‌های نایجای دیگران
	تعاون و کارگرومی	/ ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی / برنامه‌ریزی و راهبری کارگرومی / مشارکت مؤثر در پیشبرد تحقق اهداف گروه / آموختن از دیگران و یادگیری از همکاران و مشارکت در انجام فعالیت‌های عام‌المنفعه
	تعهد و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی	/ حساسیت و تعهد نسبت به مسائل و مصالح جامعه و آینده آن و تحولات پیرامون خود / عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی / تکلیف‌محوری و قانون‌مداری / دعوت به انجام خوبی‌ها و دوری از بدی‌ها (امر به معروف و نهی از منکر) به مثابه یک وظیفه و حق اجتماعی
مدیریت خود	حل تعارض و اختلاف	/ همدلی، مدارا و هم‌زیستی مؤثر با دیگران در عین تعهد به نظام ارزشی خود / تحلیل ابعاد و ریشه‌های تعارض و تلاش برای (پیشگیری از آن یا) حل آن
	سواد رسانه‌ای	/ مواجهه‌سازنده با شیوه‌های تأثیرگذاری انواع رسانه / حفظ و ارتقای حقوق و امنیت خود و دیگران در زیست مجازی / استفاده صحیح از فناوری‌های ارتباطی و محصولات رسانه‌ای / تولید و به اشتراک‌گذاری صحیح و مسئولانه محتوا
	خودآگاهی و خودباوری	/ آگاهی از افکار، احساسات، انگیزه‌ها و رفتارهای خود / آگاهی از قوت‌ها و ضعف‌ها و ظرفیت‌های خود و اطمینان به توانایی‌های ذاتی و اکتسابی خود
	برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری	/ تعیین اولویت‌بندی اهداف با در نظر داشتن منابع و محدودیت‌ها بر اساس معنای زندگی خود / طراحی برنامه و اجرا و پایش مستمر آن / مشورت‌گیری و ارزشیابی گزینه‌های پیش رو و پیامدهای انتخاب خود
مدیریت خود	خودباوری	/ شناسایی سبک یادگیری خود / برنامه‌ریزی برای یادگیری‌های خودآغازگر / اهل مطالعه بودن
	خویش‌بینی و خویش‌داری	/ احساس احترام و ارزشمندی نسبت به خود (عزت نفس / کرامت نفس) / تأمین متعادل نیروهای زیستی - بدنی خود (تحرک / تغذیه / خواب / بهداشت) / تعدیل امیال و غرایز طبیعی خود / به‌کارگیری راهبردهای تقویت و حفظ اراده، استقامت و تاب‌آوری / تدبیر مطلوب اوقات فراغت با انجام تفریحات سالم و سرگرمی‌های سازنده / پرهیز از رفتارها و عادت‌های پرخطر و آسیب‌زا / پایبندی به نظم و انضباط و مدیریت زمان
	تدبیر معیشت	/ التزام به ارزش‌ها، آداب و اخلاق معیشتی (رزاقیت الهی، قناعت‌ورزی و طمع‌گریزی، تلاشگری و شکرتکاری) / ارتقای قدرت خرید و مدیریت پس‌انداز، بدهی و اعتبار / رعایت حقوق الهی و حقوق مردم در اموال و کسب و کار / کسب درآمد حلال از مسیر تولید یک محصول یا ارائه یک خدمت (باز نظر گرفتن کمک به توسعه اقتصادی کشور)

/ تأکید بر ارزیابی شایستگی‌های پایه
/ تأکید بر سنجش در خدمت یادگیری
/ توجه به طیف ظرفیت‌های وجودی (علاقه‌ها و استعدادها)
/ اصالت قائل شدن برای هویت ویژه (نیازها، علاقه‌ها و رغبت‌ها)
/ توجه به راهنمایی و مشاوره (همان، ص ۳۷۴).
/ ...

بر اساس این اصول، چرخش‌های تحول‌آفرین زیر باید در صدر تحول برنامه‌های درسی قرار گیرند:

/ از انباشت اطلاعات و حافظه‌محوری به کسب شایستگی‌ها در تمامی ساحت‌ها
/ از نگاه تجزیه‌ای به نگاه یکپارچه‌نگر و تلفیقی
/ از برنامه درسی موضوع‌محور به کسب شایستگی‌ها
/ از یادگیری موضوع‌محور به فرایند‌دستیابی به اندیشه‌ورزی و درک معنا (همان، ص ۴۱۴).

نظر به اهمیت این موضوع، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت تحول برنامه‌های درسی و تربیتی، تبیین شایستگی‌های مشترک رادر دستور کار خود قرار داده است.

این شایستگی‌ها در چهار محور اصلی به همراه خرده‌شایستگی‌ها به صورت زیر تولید شده است که نیازمند تأمل و اندیشه‌ورزی است. (غیر مصوب) ❁

نسل‌نو، نگاه‌نو، نیاز‌نو

شناخت ویژگی‌های نسل جدید و برنامه‌ریزی مناسب برای تربیت آن‌هایی که از رسالت‌های مهم مدرسه است. بر اساس اهمیت این موضوع، با معلمان و مدیریت دبیرستان یاس نیی (س) از آموزش و پرورش منطقه ۶ تهران گفت‌وگویی انجام شده است که با هم‌پی می‌گیریم:

دکتر لیلا میرزائی
مدیریت دبیرستان یاس نیی (س)

ویژگی‌های نسل جدید را از نظر فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی بفرمایید.

سیماولی زاده مقدم، معاون آموزشی: از نظر اعتقادی و فرهنگی در رفتار بچه‌ها تغییراتی حاصل شده است. طی سه سال کرونا، تربیت

بچه‌ها تقریباً از دست اولیا و مدرسه خارج شد. بچه‌ها خیلی بی‌انگیزه شده‌اند. نمی‌دانند اصلاً برای چه باید درس بخوانند؟ بالطبع، در ماه‌های اول سال، این کشمکش بین بچه‌ها و دبیر هم بود. بچه‌ها در واقع بی‌اعتماد شده‌اند و البته جامعه هم در شکل‌گیری این بی‌اعتمادی و بی‌انگیزگی نقش داشته است.

مریم احمدی، دبیر ادبیات: من معتقدم، خانواده همیشه در تربیت نقش بیشتری دارد. بچه‌ها اول در خانواده هستند و شکل‌گیری اولیه در خانواده

است. اما ویژگی نسل جدید به گونه‌ای است که نقش خانواده‌ها نیز در تربیت کم‌رنگ شده است. در عین حال، از نظر تحصیلی بسیار کم‌انگیزه‌اند. مثلاً در ارتباط با بخش شفاهی ادبیات، گاهی بیش از یک ماه و نیم دنبال برخی بچه‌ها هستیم که چرا امتحان شفاهی

صحبت می‌کنیم، بیشتر دنبال سمت‌های ریاستی هستند. دوست ندارند یک کار را از پایه شروع کنند. بهترین رادر اولین پله‌های زندگی طالب هستند و دوست ندارند با تلاش بعداً به آنجا برسند.

لیلا میرزائی، مدیر دبیرستان: این‌ها نسل جدید نیستند، نسلی هستند که در زمان خودشان ظهور و بروز پیدا کرده‌اند و ما نسبت به این نسل

قدیمی‌تریم. نکته دیگر اینکه این تغییرات و تحولات جزء لاینفک زندگی تاریخی بشر هستند. یعنی اگر نباشند، اصلاً زندگی در جریان نخواهد بود. مادر فلسفه هم می‌خوانیم که گذشته همیشه راهی برای معرفت آینده‌باز می‌کند. اگر نگرش من نسبت به آینده روشن‌تر می‌شود، جامع‌تر می‌شود و تولید علم می‌کنم، باید نگاهمان به گذشته هم باشد که چه بسا گذشتگان ما هم به ما کمک کردند. خود ما هم قطعاً کمکی بودیم برای نسل حاضر که به اینجا رسیده‌اند. نسل حاضر هم می‌تواند بر نسل بعدی تأثیرگذار باشد.

مهم‌ترین خصوصیات این نسل دیجیتال بودن آن‌هاست؛ نسلی که اطلاعات زیادی دارند، با سرعت اطلاعات را ردوبدل می‌کنند، پست می‌گذارند و برایشان مهم است چند نفر دنبال‌کننده و مخاطب دارند. چیزهایی که شاید بعضی از افراد نسل ما آن‌ها را وقت تلف‌کنی

را نمی‌دهند؟ اصلاً برایشان مهم نیست. می‌گویند، خب خانم نمره نمی‌آورم و مهم نیست. در عین حال، این نسل، برعکس نسل ما، از حق خودش دفاع می‌کند. نمی‌خواهم بگویم از تمام حق‌هایی که دفاع می‌کند درست و مثبت هستند، ولی برعکس نسل ما هستند و من این را خیلی می‌پسندم که از حق خودشان به خوبی دفاع می‌کنند.

آرزو میرزائی، دبیر ریاضیات: دانش‌آموزان ما خیلی به‌روزتر از ما هستند، اطلاعات فناوری و تبحر در زبان خارجه دارند و در فناوری در کلاس‌های درس

هر جا مشکلی داریم بچه‌ها برطرف می‌کنند. این از جنبه‌های مثبت ویژگی‌های ایشان است. ما که کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری داریم، در بعضی بخش‌ها در مقابل بچه‌های امروزی کم می‌آوریم. اطلاعات عمومی قوی‌تری دارند. هر چقدر هم که به درس بی‌علاقه باشند، کتاب‌هایی را می‌خوانند که اطلاعات آن‌ها را بالا می‌برد؛ هر چند بی‌ارتباط به کتاب درسی. آن‌ها خودمحور هستند و خود را تحت هر شرایطی به حق می‌دانند. حتی اگر تکالیف خود را هم به موقع انجام ندهند می‌گویند حق با من است. وقتی در مورد مشاغل با آن‌ها





کتاب‌ها باید امکان بحث و گفت‌وگو را به بچه‌ها بدهند. آن‌ها اعتقادات ما را با زبان زور نخواهند پذیرفت. باید منطقی با آن‌ها حرف زد. ما نگرشی داریم به نام تهاجم فرهنگی، اما تمام مسئله ما تهاجم فرهنگی نیست. ما آن‌طور که باید آن‌ها را ندیده و نشنیده ایم. آن‌ها نسبت به نسل ما خیلی باهوش هستند و با اطلاعات زیادی از سراسر دنیا در تماس هستند. به راحتی اطلاعات را می‌گیرند و تجزیه و تحلیل می‌کنند. ما باید با آن‌ها برخورد مناسب و درست داشته باشیم.

ناهید شاه میرزایی، دبیر عربی:
با توجه به کرونا، مشکلات زیادی از نظر انگیزشی برای دانش‌آموزان مطرح شده‌اند. آن‌ها می‌گویند خانم برای چه باید درس بخوانیم؟ من برای علاقه‌مند کردن بچه‌ها از فیلم و تصویرهای جذاب و پویانمایی استفاده کردم. یعنی با فناوریهای جدید برای درس عربی جذابیت درست کردم. برای مقاومت نکردن بچه‌ها خیلی کارها کردم؛ اعم از تشویق با راه‌های متفاوت؛ تا جایی که نفر به نفر شامل حالشان شد. یعنی با بچه‌ها هم‌ذات‌پنداری می‌کردم. این اشتیاق به آنجا رسید که گاهی که دبیر نداشتند، به کلاس من می‌آمدند.



یعنی اگر آن‌ها بخواهند بین نوع شغلی که در آن توانایی دارند یا به آن علاقه‌مندند و شغلی که درآمد بیشتری برای آن‌ها دارد، یکی را انتخاب کنند، شغل پدر درآمد را انتخاب خواهند کرد. آن‌ها بچه‌هایی هستند که به شدت تحت حمایت خانواده‌هایشان بوده‌اند؛ برخلاف نسل ما که تعداد فرزندان خانواده بیشتر بود و مانند این نسل و با این شدت مورد حمایت خانواده نبودیم. آن‌ها تاب‌آوری بیشتری هم دارند، ما شاید با کوچک‌ترین مسئله‌ای به هم می‌ریختیم، ولی این‌ها تاب‌آور هستند. یکی از ویژگی‌های آن‌ها بخشندگی خطاهاست. می‌گذرند و شاید گاهی اصلاً خطاها را نبینند، در حالی که نسل ما غالباً روی خطاها دقیق می‌شد.

این نسل پس از سه سال کرونا چه چالش‌هایی را داشتند و این تغییرات و چالش‌ها شما را وارد چه مناسباتی کرد؟

مریم ضیایی، دبیر زبان انگلیسی: در کل بچه‌ها پویاترند. در بخش عمومی، نسبت به نسل ما اطلاعاتشان خیلی بیشتر است و دلیل اصلی آن هم میزان ارتباطات آن‌ها و فناوری اطلاعات است. وقتی با زبان منطق با آن‌ها صحبت می‌کنیم، می‌پذیرند.



بدانند، این نسل از آن لذت می‌برد. نوع نگاهشان به اجتماع و جامعه‌نگری‌شان با ما خیلی متفاوت است. نسل حاضر این رایک‌نوع ارتباط می‌داند و به اندازه همان ارتباط حضوری و فیزیکی برایش اهمیت دارد. ممکن است این رفتار از منظر ما ایراد باشد، در صورتی که ایراد نیست بلکه ویژگی این نسل است. یکی دیگر از ویژگی‌های این نسل که من واقعاً آن را دوست دارم (به جز موارد زننده و دور از ادب که نکوهش می‌شود) بی‌پروایی در بیان احساسات و افکارشان است که برخی از آن‌ها در کمال ادب آن‌را دارند و از بعضی‌شان واقعاً درس می‌گیرم که در کمال ادب خواسته‌های خود را بیان می‌کنند. ویژگی‌ای که نسل ما از نداشتن آن خیلی صدمه دیده و بعضی جاها بهداشت روان ما را زیر و رو کرده است، راضی نگه داشتن همه از خودمان بود. چون ما با این ویژگی شکل گرفتیم. می‌گفتند دختر باحیا یا پسر باحیا باید این‌گونه باشد و حرف نزنند. ولی این نسل اصلاً چنین نیست. برایشان چندان مهم نیست که همه از آن‌ها راضی باشند. این نسل خود را در تقابل با خانواده قرار می‌دهد. شاید به خاطر همین ویژگی بی‌پروایی و حق‌طلبی باشد. این نسل غالباً دوست دارد سرباز نشده فرمانده شود. یعنی نمی‌خواهد مسیر پیشرفت را گام به گام و آهسته و پیوسته طی کند؛ به خصوص در بخش کسب درآمد.



لیلا میرزائی، مدیر دبیرستان:

در یک جمع‌بندی باید چنین گفت: «ما به عنوان نسل قبل تر از نسل حاضر، باید از روش‌های کهنه‌مان دست

برداریم. برای ارتباط مؤثر با بچه‌ها باید بعضی جاها کفش این بچه‌ها را بپوشیم، با آن‌ها راه برویم و حرکت کنیم. ما نمی‌تونیم با معلومات گذشته وارد فردا شویم. من فکر می‌کنم به جای اینکه مدام بگوییم برای این نسل چه باید بکنیم، باید ابتدا اندیشه کنیم برای خودمان چه کار باید انجام دهیم؟ نیازهای این بچه‌ها را باید خوب بشناسیم. نیازشناسی کلید ارتباط مؤثر با این بچه‌هاست.

پیچیدگی‌های شخصیت این نسل را باید بشناسیم. این بچه‌ها به هیچ عنوان سلطه‌پذیر نیستند. یعنی اگر احساس کنند مطلبی که من به آن‌ها می‌گویم نوعی زورگویی و سلطه‌گری است، اصلاً نخواهند پذیرفت و حتی ما را نادیده خواهند گرفت. کنترل کردن خوب نیست و بچه‌ها هم نباید احساس کنند ما مدام آن‌ها را کنترل می‌کنیم. ما باید به دنیای این بچه‌ها راه پیدا کنیم. باید دست از تفکرات مطلق سیاه و مطلق سفید خودمان برداریم. این‌ها بچه‌های عصر فناوری هستند. ما نمی‌توانیم این‌ها را از این نسل بگیریم، چون جهان به این سمت حرکت کرده است. ما باید برای بچه‌ها برنامه‌های ورزشی منظم طراحی و اجرا کنیم تا از رخوت بدنی که حاصل ارتباطات مجازی است بیرون بیاوریم؛ به ویژه برای دخترانمان. به بچه‌ها می‌گفتم، محتوای کتاب‌های درسی تنها یکی از مواردی است که شما در مدرسه یاد می‌گیرید. یکی دیگر از مهم‌ترین‌ها، یادگیری نظم و مقررات است. ❁



بچه‌ها می‌گویند مطالب خیلی زیادند و همین‌طور مطالب از موضوعات متعدد، اما با قطعات کوچک و کوتاه در کتاب آمده‌اند. ما مجبوریم برخی مطالب را بازتر کنیم تا مطلب روشن‌تر شود. باید مدیریت کرد. ذهن بچه‌ها پر از سؤال است. خیلی از مطالب را در کتاب آورده‌اند، اما خیلی جزئی آمده و بچه‌ها سؤال می‌کنند: «خانم قبل از این چه بوده و چه شده؟» و کتاب نگفته است. در بخش تاریخ این مشکل بیشتر است. ما دچار تضاد و مشکل خاصی نبودیم، اما بچه‌ها می‌پرسند و انتظار پاسخ دارند و این باید مدیریت شود.

مریم ملاآقایی، معاون پرورشی

مدرسه: امسال یکی از سال‌هایی بود که ما دچار مشکل شده بودیم. ما به عنوان مربی باید صبوری کنیم و در عین حال به بچه‌ها یاد بدهیم که در مقابل مشکلات چگونه رفتار کنند؟ من هم مشکل داشتم، اما نه خیلی زیاد. در کنار بچه‌ها بودیم و توانستیم یکدیگر را درک کنیم. اوایل وقتی من را می‌دیدند، مقاومت می‌کردند؛ به خصوص پایه هفتمی‌ها. اما با گذشت زمان این موضوع کم‌رنگ‌تر شد. حتی گاهی آن‌ها سؤال می‌کردند اصلاً خدا وجود دارد؟ و من از زیبایی‌های خودشان در تأیید وجود خدا مثال می‌زدم. مشکلاتی بودند، اما با همکاری هم و درایت مدیریت، مسئله حادی نداشتیم.



پروین قربانی، دبیر علوم: من

دختری دارم از نسل حاضر. امروز وقتی با او صحبت می‌کردم، به من گفت: «مامان، ما دوست داریم کشورمان در همه امور پیشرفت کند. کشورمان منابع غنی و فراوانی دارد، لذا می‌توانیم با مدیریت بهتر مشکلات را حل کنیم.»



مریم رضوانیان، دبیر ادبیات:

یکی از چالش‌های موجود، نبود تناسب بین محتوای کتاب‌های درسی با ویژگی‌های نسل جدید است. بهتر است مطالب کتاب‌ها جذاب و متناسب با نیاز دانش‌آموزان باشند.



فرح دهفولی، دبیر دینی و قرآن:

من فکر می‌کنم گوش دادن به حرف بچه‌ها و اینکه فضایی ایجاد شود که بچه‌ها بتوانند صحبت کنند، و برخورد منطقی با بچه‌ها، تأثیرات مثبتی دارند. ما در کلاس، علاوه بر مسائل درسی، موضوعات اخلاقی را هم کار می‌کنیم.



ملکه حیدری، معاون اجرایی:

من فکر می‌کنم خانواده، مدرسه و جامعه باید هم‌سو و هم‌جهت در زمینه تربیت دانش‌آموزان برنامه‌ریزی کنند. در عین حال باید بپذیریم که تربیت اخلاقی تا حد زیادی در اختیار خانواده و جامعه است.



زینب ستاری، دبیر تربیت بدنی:

بچه‌ها مثل سال‌های قبل دنبال تحرک و ورزش نیستند. از همان ابتدای کلاس دنبال این هستند که شادی داشته باشند و خود را تخلیه کنند. من هم سعی می‌کنم با بچه‌ها همراه باشم؛ جزو تیم‌های دانش‌آموزان باشم و آن‌طور که بچه‌ها دوست دارند کلاس ورزش را برگزار کنیم.



الهه جعفری، دبیر مطالعات اجتماعی: در کلاس

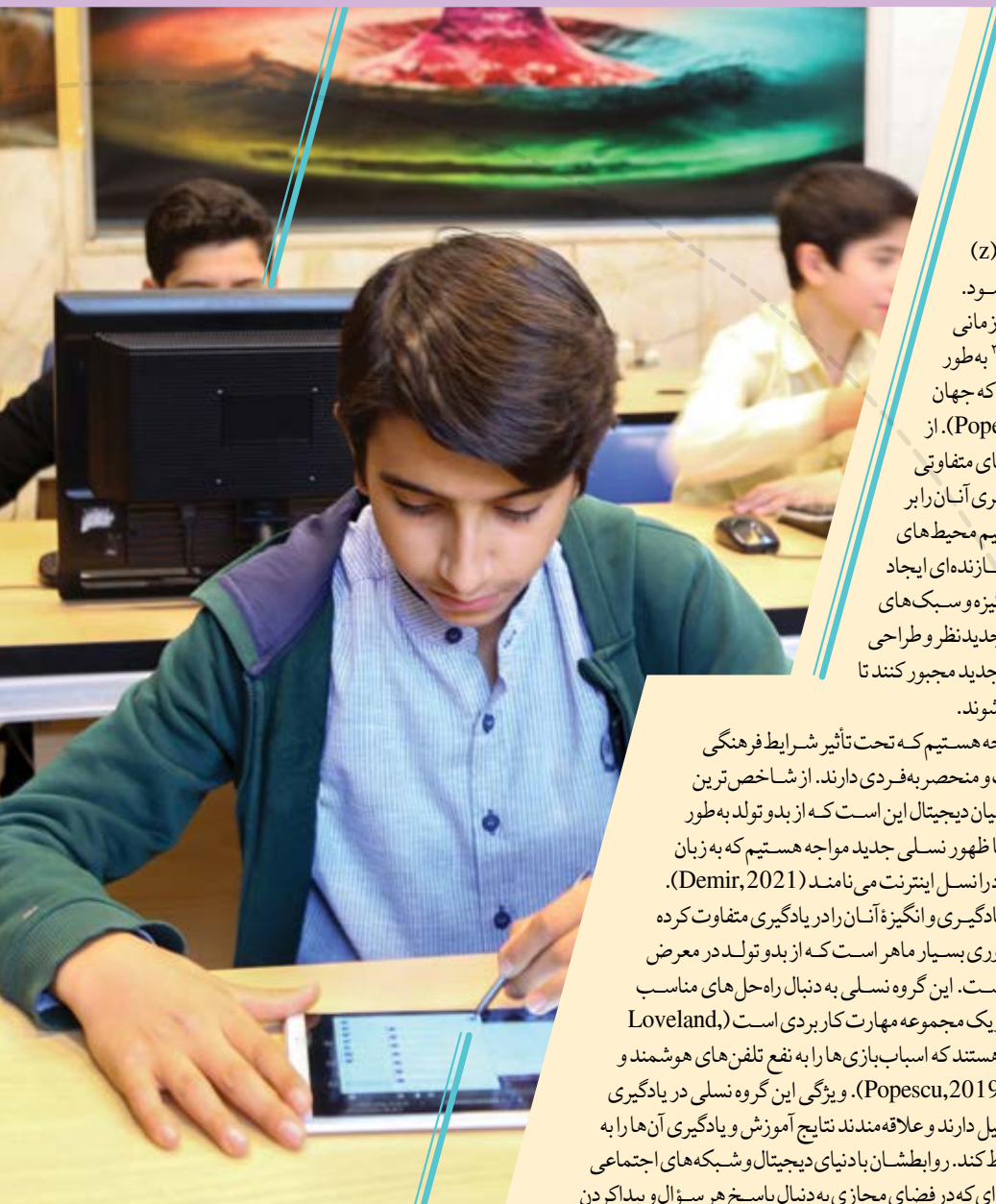
مطالعات اجتماعی سعی می‌کنم حرف بچه‌ها را بشنوم تا محترمانه نظرات خودشان را بگویند. اجازه می‌دهم چالش باشد، اما با رعایت احترام. گاهی



بومیان دنیای مجازی

و نحوه تعامل با آن‌ها

زهرای پروازی مقدم
دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی



متولدان سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ به بعد نسل زد^۱ (Z) هستند که از آن‌ها به عنوان بومیان دیجیتال یاد می‌شود. نسل زد در ادراک یک طبقه‌بندی جهانی و در چرخه‌ای زمانی پنجمین گروه نسلی می‌شناسند که مرکز تحقیقات پیو^۲ به طور رسمی آن‌ها را چنین نام‌گذاری کرده است؛ نسلی که جهان «قبل از فناوری» برایشان وجود نداشت (Popescu, 2019). از آنجا که دانش آموزان در مقایسه با پیشینیان خود نیازهای متفاوتی دارند، باید تفاوت‌های نسلی و ترجیح‌های یادگیری آنان را بر مبنای علاقه‌مندی‌ها و سرگرمی‌ها درک کنیم تا بتوانیم محیط‌های یادگیری را در دنیای فناوری محور مدیریت و شرایط سازنده‌ای ایجاد کنیم (Zahid, 2019). ترجیح‌ها، سرگرمی‌ها، انگیزه و سبک‌های یادگیری یادگیرندگان نسل Z ممکن است معلمان را به تجدیدنظر و طراحی مجدد در آموزش‌های مبتنی بر کسب مهارت‌های جدید مجبور کنند تا

مربیان بتوانند در کلاس با این گروه‌های نسلی همسو شوند.

امروزه در کلاس‌های درس و مدرسه بانسلی مواجه هستیم که تحت تأثیر شرایط فرهنگی اجتماعی و دنیای دیجیتال، ویژگی‌های متفاوت و منحصر به فردی دارند. از شاخص‌ترین ویژگی‌های شخصیتی یادگیرندگان نسل زد و بومیان دیجیتال این است که از بدو تولد به طور گسترده با فناوری دیجیتال درگیر بوده‌اند. امروزه با ظهور نسلی جدید مواجه هستیم که به زبان فناوری صحبت می‌کند. به همین دلیل نسل زد را نسل اینترنت می‌نامند (Demir, 2021). این ویژگی علاقه‌مندی، سرگرمی‌ها، سبک یادگیری و انگیزه آنان را در یادگیری متفاوت کرده است؛ به گونه‌ای که نسل زد یک کاربر فناوری بسیار ماهر است که از بدو تولد در معرض رسانه‌های اجتماعی و اینترنت قرار گرفته است. این گروه نسلی به دنبال راه‌حل‌های مناسب دیجیتال برای دستیابی به آموزش خوب و یک مجموعه مهارت کاربردی است (Loveland, 2017). فرزندان این نسل اولین کسانی هستند که اسباب‌بازی‌ها را به نفع تلفن‌های هوشمند و رایانکاها (تبلت‌ها) بیرون می‌اندازند (Popescu, 2019). ویژگی این گروه نسلی در یادگیری تعاملی است. به یادگیری مشارکتی میل دارند و علاقه‌مندند نتایج آموزش و یادگیری آن‌ها را به یادگیری عملی و آینده‌شغلی مرتبط کند. روابطشان با دنیای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی بیشتر از دنیای واقعی است، به گونه‌ای که در فضای مجازی به دنبال پاسخ هر سؤال و پیدا کردن



هر راه حل و راهکارند. آنان از یادگیری جالب، الهام بخش، مرتبط و جذاب لذت می‌برند. یادگیرندگان نسل زد علاقه زیادی به شبکه‌های اجتماعی دارند و آموزش‌های بصری، سرعت دانش و کمترین تلاش در یادگیری را ترجیح می‌دهند. این وضعیت گواه این واقعیت است هر کدام از این ویژگی‌های می‌تواند بر کارکرد و نقش عناصر برنامه درسی در کلاس درس تأثیرگذار باشد. دانش‌آموزان نسل زد از کودکی در معرض ابزارهای فناورانه قرار گرفته‌اند. آن‌ها زندگی خود را در محاصره بسیاری از ابزارهای دیجیتال می‌بینند و از ابزارها و مواد فناورانه به جای روش‌های سنتی برای شناخت و یادگیری استفاده می‌کنند. یادگیرندگان نسل زد با فناوری با یادگیری‌های بصری رشد می‌کنند و کمتر به یادگیری شنیداری علاقه دارند (Healy, 2019). چنانکه ترجیح می‌دهند در یادگیری مشارکت فعال‌تری داشته باشند. همچنین به جای اینکه به آن‌ها گفته شود چه کاری انجام دهند یا با خواندن یاد بگیرند، ترجیح می‌دهند با گرافیک‌های پیچیده به یادگیری بپردازند (Yu, 2020).

آن‌ها به روش‌های جنبشی و حرکتی، تجربی و دست‌سازه‌یاد می‌گیرند. یادگیرنده تماشاگر نیستند و به نظام یادگیری مستقل خوب و شرایط خودآموزی که آسان‌تر و قابل توسعه باشد، علاقه بیشتری نشان می‌دهند.

✱ تحلیل

گروه نسلی که در عصر اینترنت متولد شده‌اند و بومی دنیای دیجیتال هستند، مشخصه‌های توافق‌پذیری، جست‌وجوگری، تعامل‌گرایی، ساختار شکنی، نگرش جهانی، ارزیابی با مهارت، اجتماعی، مصمم، تنوع‌طلبی، کثرت‌گرا و تعدد‌گرایی دارند. (Sriprom, Atichat & Chirawan, 2019)

✱ توافق‌پذیری

اصل توافق‌پذیری از مشخصه‌ها و ویژگی‌های مهم این گروه نسلی است (Yu, 2020). یادگیرندگان نسل زد در پذیرش هر واقعیت و موضوعی بر منطق و چرایی آن تأکید دارند و توافق‌پذیرند. چنانکه امروزه معلمان باید در بستر یادگیری کلاس به دنبال همراه کردن بیشتر دانش‌آموزان با خود باشند و مدیران و برنامه‌ریزان هم در تصمیم‌های مدرسه با روش‌های تعاملی و انعطافی عمل کنند. به نظر می‌رسد، امروزه معلمان باید در کلاس درس با یادگیرندگان و دانش‌آموزان خود در راهبردهای تدریس توافق کنند و آنان را به عنوان مشارکت‌کنندگان فعال در فرایند آموزش و یادگیری شریک کنند (Healy, 2019).

شیوه‌های مشارکتی برای حمایت از زمینه‌سازی اهداف یادگیرنده در برنامه‌ریزی کلاس و تمرین باید مورد توجه قرار گیرند. این گروه در توافق‌پذیری در کلاس همکاری بیشتری خواهند داشت. گفت‌وگو در منطق و چرایی در یادگیری بین معلمان با دانش‌آموزان پاسخ به این نیاز را به خوبی می‌دهند و معلم، ضمن تقویت احساس ارزشمند بودن و عزت نفس دانش‌آموزان خود، می‌تواند در تحقق اهداف برنامه درسی موفق‌تر عمل کند. بیاییم یادگیرندگان نسل زد را در تصمیم‌ها و راهبردهای آموزشی به گونه‌ای فعال‌تر مشارکت دهیم.

✱ جست‌وجوگری

دانش‌آموزان جست‌وجوگر زمانی با معلمان خود

**یادگیرندگان
نسل زد علاقه
زیادی به
شبکه‌های
اجتماعی دارند
و آموزش‌های
بصری، سرعت
دانش و کمترین
تلاش در یادگیری
را ترجیح می‌دهند.
این وضعیت گواه
آن است هر کدام
از این ویژگی‌ها
می‌تواند بر
کارکرد و نقش
عناصر برنامه
درسی در کلاس
درس تأثیرگذار
باشد**

در کلاس همراه می‌شوند که یادگیری خود را با منطق جست‌وجوگری و پژوهشگری بر مبنای مسئله‌های روز واقعی پیش ببرند؛ مسئله‌های خیلی ساده و شفافی که با زندگی واقعی آن‌ها پیوند نزدیک دارند، با علاقه‌مندی و ترجیح‌های آنان همسو هستند و از شغل آینده آن‌ها پشتیبانی می‌کنند.

✱ ارزیابی

ارزیابی ماهرانه یکی از ویژگی‌های این گروه نسلی است. امروزه دانش‌آموزان به الگوهای بسیار متفاوتی از آموزش در مدرسه‌های خود نیاز دارند و برای حل مشکلات دنیای واقعی انگیزه دارند (Boholanol, 2017). از دانش‌آموزان خود در کلاس درس به عنوان ارزیابان ماهر کمک بگیریم. این امر همراهی بیشتر یادگیرندگان را با شیوه‌های تعاملی تقویت می‌کند.

✱ ساختار شکنی

یادگیرندگان نسل زد در مواجهه با شکل‌های گسترده فناوری که هر روزه با ظهور پدیده‌های جدید به

پی‌نوشت‌ها

1. Z Generation or Z Gen
2. Pew Research Center

منابع

1. Popescu, D. (2019) "Getting ready for Generation Z students - considerations on 3D printing curriculum", Received on 01-29-19 Reviewed on 02-05-19
2. Zahid, I. (2019) "Constructivist Digital Design Studio with Extended Reality for Effective Design Pedagogy, University of North Texas United States
3. Demir, B. (2021). Generation Z students' expectations from English language instruction. JOURNAL OF LANGUAGE AND LINGUISTIC STUDIES ISSN: 1305-578X. Journal of Language and Linguistic Studies, 683-701
4. Loveland, E. (2017). Instant generation. Journal of college admission, 235, 34-38.
5. Healy, K. (2019) Using an escape-room-themed curriculum to engage and educate generation Z students about entomology. American Entomologist 65, no. 1 (2019): 24-28.
6. Yu, E. (2020). Student-Inspired Optimal Design of Online Learning for Generation Z. Journal of educators online, 17(1), n1.
7. Healy, K. (2019). Using an escape-room-themed curriculum to engage and educate generation Z students about entomology. American Entomologist, 65(1), 24-28.
8. Boholanol, H. (2017). Smart social networking: 21 st century teaching and learning skill. Pedagogy, 7(1), pp. 21-29
9. Loveland, E. (2017). Instant generation. Journal of college admission, 235, 34-38.
10. Satria, F. et al. (2019), Teknologi Sepuluh Nopember, Surabaya, Indonesia satriaafadil@mb.its.ac.id Reny Nadlifatin University of 17 Agustus 1945



عکاس: ثریا ابراهیمی

کنیم (Satria, et al, 2019). امروز دانش‌آموزان نسل زد به حمایت‌های روانی اجتماعی بیشتری نیاز دارند.

* تنوع و تکثرگرایی در یادگیری

دانش‌آموزان نسل زد به دلیل استفاده گسترده از منابع یادگیری، با کانال‌های چندرسانه‌ای اجتماعی، اشتراک‌گذاری تصویر، داستان و ویدئو، و بازی‌های اینترنتی، با چندین رسانه در ارتباط هستند. این گروه نسلی از طریق بازی‌های تعاملی با یادگیری‌های بصری رشد می‌کنند. به نظر می‌رسد، استفاده از منابع متعدد یادگیری، سبک‌های یادگیری ترکیبی (بصری، شنوایی، حسی حرکتی و مهارتی و عملی) و روش‌های تدریس ترکیبی (برخط و نابرخط و بسته آموزشی، جلوه‌های گرافیکی و کلاس‌های حضوری و روش معکوس) رغبت همکاری در کلاس را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند، زیرا این گروه نسلی به تعدد و تکثر در یادگیری گرایش دارند. بر این اساس ضرورت دارد با روش‌های ترکیبی و متنوع، بر قابلیت‌های یادگیری دانش‌آموزان خود بیفزاییم.

دنبال نوآوری هستند، از تغییرات پیش رو استقبال می‌کنند (Loveland, 2017). آنان از محدودسازی و محدودیت استقبال نمی‌کنند. معلمان می‌توانند با تکیه بر این ویژگی آن‌ها، با ارائه روش‌های متنوع نوآورانه، آنان را در معرض انتخاب قرار دهند تا بتوانند تمایل به یادگیری در کلاس را در دانش‌آموزان تقویت کنند. در نتیجه، یادگیرندگان با تصمیم‌های آگاهانه و استقبال از تغییرات، در مسیر سودمندی و اثربخشی بیشتری قرار گیرند و یادگیری در کلاس درس و فراتر از کلاس، برای آنان هویت‌مدار، یعنی لذت‌بخش و پایدار، باشد.

* ارتباط گرایی و جامعه‌پذیری

دانش‌آموزان این نسل به فعالیت‌های اجتماعی علاقه‌مندند و ترجیح می‌دهند در و بگاه‌های اجتماعی با دوستانشان در ارتباط باشند و در تعاملات و الگوهای ارتباطی و اجتماعی و گروه‌های هم‌تا بالاترین سطح از یادگیری را برای خود فراهم کنند. امروزه باید بسترهای فعالیت‌های اجتماعی را در محیط‌های مرتبط با کلاس درس و مدرسه برای آنان فعال کنیم و برای کسب شایستگی‌های بیشتر آنان، با تشکلات و فعالیت‌های اجتماعی و موضوعات مرتبط با مباحث درسی، ویژگی‌های مصلحت‌گرایی (پراگماتیسمی) و سودمندی و اثربخشی را در انگیزه‌های یادگیری آنان تقویت

اشاره

در سند تحول آموزش و پرورش، یکی از اهداف کلان، «ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای» تعریف شده و در آن از نظام تعلیم و تربیت خواسته شده است نسل آینده‌ساز کشور را به گونه‌ای تربیت کند که: «با درک مفاهیم اقتصادی در چارچوب نظام معیار اسلامی از طریق کار و تلاش و روحیه انقلابی و جهادی، کارآفرینی، قناعت و انضباط مالی، مصرف بهینه و دوری از اسراف و تبذیر و بارعایت وجدان، عدالت و انصاف در روابط با دیگران، در فعالیت‌های اقتصادی در مقیاس خانوادگی، ملی و جهانی مشارکت کند.

همچنین، دارای حداقل یک مهارت مفید برای تأمین معاش حلال باشد، به گونه‌ای که در صورت جدایی از نظام رسمی تعلیم و تربیت، در هر مرحله، توانایی تأمین زندگی خود و اداره خانواده را داشته باشد. پیاده‌سازی این هدف می‌تواند که تغییری بنیادین در محتوای آموزشی نظام تربیت رسمی و نیز محتوای برنامه‌های رسانه‌ای در نظام تربیت غیررسمی ایجاد شود تا نسلی تربیت شود که در چارچوب نظام معیار اسلامی به عنصر کار و تلاش بنگرد و با لحاظ عقاید، اخلاقیات و احکام اقتصادی دینی، مشارکتی سازنده در فعالیت‌های اقتصادی داشته باشد؛ ضمن اینکه در مجموع حرفه‌ای بیاموزد یا به عنوان یک عنصر کارآفرین، در نظام اقتصادی کشور خلق ارزش کند.

وظیفه ما معلمان در یک کلام «آگاهی‌بخشی» است؛ آگاهی‌بخشی یکپارچه در تمام ساحت‌های تربیتی. ما معلمان برای انجام این رسالت ارزشمند باید به مسائل از زوایای مختلف نگاه کنیم. یکی از این موارد، نگاه کردن به شغل است.

محمد رضا حشمتی

معلم منطقه ۱ آموزش و پرورش شهر تهران

نگاه کردن به شغل تنها از زاویه کسب درآمد، مثل این است که از دریچه‌های کوچک به یک دریای بیکران نگاه کنیم؛ در این حالت، فقط بخش کوچکی از دریا را خواهیم دید و از درک عظمت آن باز خواهیم ماند. در واقع مهم‌ترین ضرورت داشتن شغل، رسیدن به رشد فردی و مفید بودن برای جامعه‌ای است که در قبال آن مسئولیم. فردی که شغل دارد، زندگی‌اش هدفمند است و انرژی و توانش صرف امور مفید و ضروری می‌شود و این دقیقاً رشد او را به دنبال دارد. از طرف دیگر، کار به انسان هویت می‌دهد و این بخشی از هویت اجتماعی است که همه ما به آن نیاز داریم. و اینجاست که ما شاهدیم در یک اقدام ما، ساحت‌های دیگر تربیتی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. ما آدیان زمانی از هویت اجتماعی و شغل خود احساس رضایت می‌کنیم که از آن شناخت داشته باشیم؛ شناخت خود و شغل‌های موجود در جامعه، می‌تواند تأثیر بسزایی در رشد و سرنوشت افراد داشته باشد.

به دوران دانش‌آموزی خود برگردیم. شاید برای بعضی از شما این سؤال مطرح شده باشد که: «من برای چه شغلی ساخته شده‌ام؟» این دغدغه و سؤال برای هر

کس که به سن نوجوانی برسد مطرح می‌شود. خودشناسی از نظر شناخت علاقه‌ها، استعدادها و خصوصیت‌های شخصیتی، یکی از نیازهای دوره نوجوانی و دانش‌آموزی است. با شناخت این ویژگی‌ها، علاوه بر احساس رضایت از خود و شغل خویش، می‌توانیم در رشد و توسعه کشورمان نیز نقش مؤثری داشته باشیم. یکی از شاخص‌های خودشناسی، تشخیص استعدادهاست؛ برای کمک به تشخیص استعدادهای نوجوانان باید به آنان یادآوری کنیم که در رفتارهای خود دقیق شوند و به علاقه‌های خودشان توجه خاص داشته باشند. علاقه می‌تواند یکی از نشانه‌های استعداد باشد. برای مثال، پیشنهاد دهید برای تجزیه و تحلیل رفتار خود موارد زیر را با دقت بررسی کنند: من از انجام دادن چه نوع کارهایی لذت می‌برم؟ کارهای فکری یا کارهای دستی؟ دوست دارم فردی کار کنم یا کارگروهی را هم دوست دارم؟ به کار در محیط‌های آرام علاقه‌مندم یا کار در محیط‌های پرسر و صدا را می‌پسندم؟ آیا تحمل کار کردن در نوبت شب را دارم؟ آیا تحمل دوری از خانواده را دارم؟ ارتباط داشتن با مردم را تا چه حد می‌پسندم؟ تا چه میزان به کارهای محاسباتی یا مدیریتی علاقه‌مندم؟ آیا تحمل و صبر لازم برای شنیدن صحبت‌های دیگران را دارم؟ علاوه بر این موارد،

کدام شغل؟

آشنا می شوند و در نتیجه شغلی را انتخاب خواهند کرد که با وضعیت جسمانی و روانی آنان هماهنگ تر باشد. برای نمونه، در انتخاب شغل به موارد زیر توجه دقیق داشته باشند:

- / ویژگی های شخصیتی مناسب هر شغل؛
- / تحصیلات لازم و شرایط دستیابی به شغل؛
- / شرایط ارتقا و رشد در شغل؛
- / وظایف و مسئولیت های شغلی؛
- / مزایا و محدودیت های شغلی؛
- / محیط شغلی؛
- / اهمیت شغل در زندگی امروز جامعه؛
- / منابع در دسترس برای کسب اطلاعات بیشتر درباره شغل.

هر یک از ما معلمان می توانیم با توجه به موضوعی که تدریس می کنیم، در معرفی آینده تحصیلی و شغلی دانش آموزان خود نقش مؤثری داشته باشیم. در ابتدای سال تحصیلی، با هماهنگی شورای معلمان، پس از تقسیم کار برای جلوگیری از انجام کار تکراری، دانش آموزان را به گروه های دو یا سه نفره تقسیم کنیم و از آنان بخواهیم از طریق مطالعه و مصاحبه با افرادی که در شغل مورد نظر آنان مؤثرند، بر اساس مواردی که در بالا مطرح شد، گزارشی را به شکل پوستر یا هر طریقی که خودشان مایل هستند، تهیه کنند و در محل نمازخانه یا سالن مدرسه، نمایشگاه و همایش ارائه مشاغل را در معرض دید هم مدرسه ای های خود، والدین و دیگران قرار دهند. *



عکاس: انعام الپرچانی

بی تاب شدن

عادات

کم حوصله ها است

شما هستم، ولی نیامده ام که فقط تاریخ به شما درس بدهم. همچنین، به آن ها گفتم که معنی این جمله مرا آخر سال درک می کنند. از آنان هم خواستم به نوبت خود را معرفی کنند. این کار دو حسن داشت: اول اینکه تلفظ درست فامیلی آنان را یاد می گرفتم و دیگر اینکه مجال کوتاهی برای آشنایی بیشتر من با آنان بود، چرا که نحوه معرفی کردن هر کسی معرف شخصیت اوست. بعد از معارفه، نوبت کتاب درسی بود که باید به صورت اجمالی معرفی می شد. از طرف دیگر، آشنایی با قوانین کلاس و شیوه پرسش و انتظارات هم بسیار ضروری بود. جلسه آغازین با معارفه به اتمام رسید.

در همان ابتدای سال، من و تمام همکارانم در مورد این کلاس متوجه یک نکته مهم شده بودیم. این مطلب محور اصلی حرف های معلمان این کلاس شده بود. در واقع کلاس پر بود از زبانه هایی که دانش آموزان تولید می کردند. یکی از همکاران می گفت، الان که در کلاس بودم، همه را دعوا کردم و گفتم خجالت نمی کشید کلاس به این کثیفی دارید؟ یکی دیگر پیشنهاد می داد باید نمره انضباط آن ها را کم کرد. ظاهراً حتی با بیان نکات اخلاقی هم نمی شد آن ها را به حفظ پاکیزگی کلاس مقید کرد.

به ابتدای سالن طبقه دوم که وارد شدم، راهرو پر بود از دانش آموزانی که بدون توجه به زنگ کلاس، هنوز با دوستان خود گرم صحبت بودند. با دیدن من برخی از آنان به سرعت از دوستانشان جدا شدند و به سمت یکی از کلاس ها دویدند. شک نداشتم اینجا همان کلاس من است. تا مدت ها همکارانم فکر می کردند خیلی باهوشم که در همان روزهای ابتدایی سال، دقیقاً محل کلاس هایم را بلدم. غافل از اینکه این دانش آموزان بودند که با دویدن خود به سمت کلاس، راهنمای من می شدند و من به دنبال آن ها وارد کلاس می شدم.

همه بر پا شدند. چند ثانیه بدون اینکه اجازه نشستن به آن ها بدهم، از پس غباری که سراسر کلاس را فرا گرفته بود، چهره های تک تکشان را از نظر گذراندم. کمی بعد، بادست اجازه نشستن به آن ها دادم. از آنجا که تنها دبیر تاریخ مدرسه بودم، مرا به چهره می شناختند. بعد از نوشتن نام خداوند روی تابلو، نام خودم را نیز نوشتم و خودم را معرفی کردم. به آن ها گفتم: من دبیر تاریخ

سهیلا نعیمی
دکتری تاریخ ایران



فرا گرفته بود. می فهمیدم آن ها به هم نگاه می کنند و با چشم های خود با یکدیگر صحبت می کنند. اما همچنان جدی درس را ادامه می دادم. گاهی با همان پلاستیک زباله می ایستادم و اهمیت مطلب را گوشزد می کردم و می گفتم فلان صفحه سؤال مهمی در این باره دارد. زیر مطلب را خط بکشید.

آن ها در چند جلسه اول مرا شناخته بودند. مطمئن بودند قصد اهانت به آن ها را ندارم. بدون ذره ای توهین به آن ها، فقط به دو کار معطوف شده بودم؛ درس کتاب دادن و درس زندگی دادن. مطلب را جمع بندی و تکلیف جلسه آینده را مشخص کردم و آرام پلاستیک را کنار سطل زباله کلاس گذاشتم. یکی گفت، خانم، این کار شما مرا بسیار شرمند کرد. بالبخند نرمی گفتم: خدا نکند. دیدم گل های زیبایی در این کلاس وجود دارند، حیف آمد زباله را در کنار این همه زیبایی ببینم. زباله باعث شده بود این زیبایی دیده نشود.

زنگ پایانی به صدا درآمد و این آخرین مرتبه ای بود که کلاس را آن طور کثیف و نامرتب دیدم. ❀

پی نوشت

۱. بخشی از سروده فاضل نظری

آن زمان شاید معلم می توانست با نصیحت و ذکر حدیث بسیاری از مشکلات کلاس خود را حل کند، اما دانش آموز امروز برای هر کار منطقی و غیر منطقی خود هزاران دلیل دارد. هزاران ادله می خواهد. باید با او مستدل صحبت کرد و یاد داد. شاید من باید از نقش اصلی خودم به عنوان معلم، که الگودهی است، نهایت بهره را برای حل این مشکل می بردم. در همان هفته های اول همه دانش آموزانم شیوه کار مرا فهمیده بودند. کلاس کاملاً مشارکتی اداره می شد و گاه در حین قدم زدن توضیحاتی درباره درس می دادم تا اشراف بیشتری بر کلاس داشته باشم. یادم هست، آن روز هم حول موضوعی صحبت می کردیم و همه به نوبت نظر می دادند. حین جمع بندی مطالب دانش آموزان، به آرامی زیپ کیفم را باز کردم. یک دستکش یک بار مصرف را که هنوز به یمن وجود کرونا در کیف هر یک از ما وجود داشت، به همراه یک پلاستیک در آوردم. در همان حال قدم زدن و صحبت کردن، گاهی خم می شدم و زباله ای را از روی زمین بر می داشتم و درون کیسه می انداختم. سکوت قابل درکی کلاس را

در این جور مواقع من فقط شنونده هستم؛ شنونده ای که با خود قرار گذاشته است بیشتر بشنود و بیشتر یاد بگیرد. البته اگر بعضی از دوستان من مثل خودم در کلاس راه می رفتند و از پشت سر دانش آموزان هم نیم نگاهی به کلاس می کردند، شاید همانند من به عمق ماجرا پی می بردند. زیر نیمکت ها پر بود از خوراکی های نصفه و نیمه، بچه ها و پوست خوراکی هایی که بدون آشنایی با فتون پیشگویی هم می توانستی بگویی هر دانش آموزی چه خورده است؟ نمی دانم چرا اکثر ما آدم ها می خواهیم مشکل را خودمان و سریع هم حل کنیم. شاید اگر من هم تاریخ نخوانده بودم، چنان دیدگاهی داشتم. در حالی که حل برخی مشکلات را باید به زمان واگذار کرد. البته صبر زیادی می خواهد، ولی نتیجه می دهد. بی جهت نیست که خداوند به زمان سوگند خورده است.

ساعت کلاسی من زنگ آخر بود. زمان مناسبی برای پند و نصیحت کردن بچه ها نبود. وانگهی، من فراموش نمی کردم حرفه من معلمی است و فرسنگ ها با اندرز و نصیحت دیگران فاصله دارد. یک نکته مهم دیگر هم این بود که من معلم سی سال قبل نبودم؛ همان طور که دانش آموزان من هم دانش آموزان سی سال قبل نبودند.

هوش مصنوعی

و آینده آموزش

دکتر حامد عباسی

مدرس کاربرد فناوری در آموزش و تولید
محتوای الکترونیکی

حمیده عباسی

دبیر و کارشناس ارشد فیزیک

و تصمیم‌گیری تقسیم کرد. علاوه بر این، سایر توانایی‌های کاربردی شامل پردازش زبان‌های طبیعی (مانند ترجمه ماشینی)، تحرک (مانند روبات‌ها) و خلاقیت محاسباتی هستند (کوسکی و هوسو، ۲۰۱۸). از آنجا که در آموزش و پرورش با ابعاد گوناگون انسانی در کلاس روبه‌رو هستیم که هر کدام در هر فرد پیچیدگی‌های خاص خود را دارد، برای پوشش دیدگاه‌های متعدد، در ادامه، هوش مصنوعی را از چند بُعد تعریف می‌کنیم.

اصطلاح هوش مصنوعی به هر هوشی شبیه انسان اطلاق می‌شود که رایانه، ربات یا ماشین دیگر به نمایش می‌گذارد.

این هوش مطالعه عواملی است که ادراکاتی را از محیط دریافت می‌کنند و اعمالی را انجام می‌دهند. این اصطلاح همچنین ممکن است برای هر ماشینی به کار رود که ویژگی‌های مرتبط با ذهن انسان، مانند یادگیری و حل مسئله را نشان می‌دهد. هوش مصنوعی موجودی است که می‌تواند ورودی‌هایی را از محیط دریافت کند، آن‌ها را تفسیر کند و از آن‌ها پیام‌رود و رفتارها و اقدامات مرتبط و انعطاف‌پذیری از خود نشان دهد که در دستیابی به اهداف خاصی کمک کنند. همچنین، توانایی ماشین برای نمایش قابلیت‌های انسان مانند استدلال، یادگیری، برنامه‌ریزی و خلاقیت است. در توصیفی دیگر، هوش مصنوعی از تجزیه و تحلیل پیشرفته و فن‌های مبتنی بر منطق، از جمله یادگیری ماشینی، برای تفسیر رویدادها، پشتیبانی و خودکارسازی تصمیم‌ها و انجام اقدامات استفاده می‌کند. تعریف مدرن هوش مصنوعی، «مطالعه و طراحی عوامل هوشمند» است که در آن یک عامل هوشمند نظام‌مند (سیستمی)، محیط خود را درک می‌کند و اقداماتی انجام می‌دهد که شانس موفقیت خود را به حداکثر می‌رساند.

این فناوری نوین بر اساس ایده نحوه عملکرد مغز مدل‌سازی شده است. عملکرد مغز به این صورت است: هر فرد یک شبکه بزرگ از سلول‌های مغزی دارد. هر ورودی، ابتدا دریافت و بعد پردازش می‌شود. سپس

هوش مصنوعی^۱ در سال‌های اخیر تمام حوزه‌های زندگی بشری را تحت تأثیر خود قرار داده است. آموزش و پرورش و ابعاد آن نیز از این قاعده مستثنا نیستند و کم‌وبیش از این فناوری برای بهبود و توسعه وضع موجود در جهت رسیدن به وضع مطلوب بهره لازم‌ر می‌برد. هر چند این وضعیت در کلاس‌های درس برای دانش‌آموزان و معلمان به‌طور کامل ملموس و محسوس نیست، اما در پس تحولات مبتنی بر فناوری، این اتفاقات روی می‌دهند. در دهه ۱۹۵۰ تورینگ با طرح این سؤال که «آیا ماشین‌ها می‌توانند فکر کنند؟» تعریفی از ماشین هوشمند ارائه داد و آن عبارت بود از اینکه ماشین‌ها به گونه‌ای عمل کنند که با انسان تفاوتی نداشته باشند. به عبارت دیگر، وقتی نتوان به‌طور دقیق تعیین کرد یک عمل توسط انسان صورت می‌گیرد یا ماشین، در واقع از هوش مصنوعی به جای هوش انسانی استفاده شده است.

رونق اخیر هوش مصنوعی بیشتر به دلیل رشد ظرفیت محاسباتی و حجم داده‌ها در قالب دیجیتال است و این ویژگی‌ها بر احتمال استفاده از هوش مصنوعی در حوزه‌های کاربردی گوناگون تأثیر گذاشته که آموزش و یادگیری نیز یکی از آن‌هاست. هوش در ماشین‌ها، مانند انسان، یک ویژگی پیچیده است. اکثر توانایی‌های ارائه‌شده توسط هوش مصنوعی را می‌توان به تشخیص (به عنوان مثال تشخیص الگو یا گفتار مثل تشخیص وضعیت چهره دانش‌آموز در زمان یادگیری یا درک نکردن یک مطلب)، ساخت مدل‌های داخلی (مشاهده وابستگی‌های متقابل مانند تعاملات معلم و دانش‌آموز)

در توصیفی دیگر، هوش مصنوعی از تجزیه و تحلیل پیشرفته و فن‌های مبتنی بر منطق، از جمله یادگیری ماشینی، برای تفسیر رویدادها، پشتیبانی و خودکارسازی تصمیم‌ها و انجام اقدامات استفاده می‌کند



فرد یک خروجی ارائه می‌دهد. این خروجی به نقاط قوت اتصال بین سلول‌های مغز بستگی دارد. آنچه از اکثر تعریف‌ها استنباط می‌شود، این است که هوش مصنوعی تلاش می‌کند هوش و رفتار ماشین را شبیه هوش و رفتار انسان کند. به لحاظ تغییر نیازها و ویژگی‌های افراد، نظام‌های آموزشی، هم در آموزش حرفه‌ای، هم در آموزش و پرورش و هم در آموزش عالی، باید اصلاح و بنایا هوش‌های نوین سازگار شوند و در فرایند اصلاح بر مهارت‌های عصر هوش مصنوعی، از جمله مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی و همچنین مهارت‌های شناختی که به خلاقیت نیاز دارند، تأکید شود. آموزش و پرورش باید با ارائه برنامه‌هایی که از آزادی انتخاب و تحرک دانش‌آموزان برای استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی در حمایت از یادگیری استفاده می‌شود، تأکید کنند. همچنین، باید امکان کاهش هزینه‌ها از طریق استفاده از فناوری هوش مصنوعی وجود داشته باشد (کوسکی و هوسو، ۲۰۱۸). چهار موضوع اصلی در زمینه هوش مصنوعی در آموزش وجود دارند: موضوع اول در مورد محصولات است که شامل رسانه‌های هوش مصنوعی، برنامه‌های نتایج در آینده نزدیک است و این رسانه‌ها در کلاس به کار گرفته خواهند شد. موضوع دوم در مورد معایب و خطرات هوش مصنوعی است. یکی از ترس‌هایی که در جامعه با آن مواجه هستیم، ترس و نگرانی حذف مشاغل است که به‌جای هوش مصنوعی، موضوع سوم در مورد مزایای حاصل از هوش مصنوعی است و هر نظام آموزشی که بتواند بیشترین بهره را ببرد، یک گام به موفقیت نزدیک‌تر خواهد شد. موضوع چهارم شامل پیشنهادهایی است که برای ادغام هوش مصنوعی در زمینه‌های آموزشی ارائه می‌شوند و پژوهش‌های صورت گرفته از وجود دیدگاه کلی مثبتی در مورد هوش مصنوعی حکایت می‌کنند. هوش مصنوعی در جریان مشکلات یادگیری و حمایت از معلمان توان بالایی دارد. به همین دلیل، این فناوری می‌تواند بزرگ‌ترین کمک را به معلمان در کلاس درس بکند. تغییر مهارت‌های مبتنی بر فناوری معلمان، یعنی مهارتی‌هایی که به‌عنوان یک جزء شناخته می‌شوند و از شایستگی‌های معلمی محسوب می‌شوند، به‌طور معمول با ابزارها و فن‌های خاصی همراه است. بنابراین، مهارت از نظر مفهومی تصویری از فناوری فعلی است

و وقتی فناوری تغییر می‌کند، مهارت‌های مربوط به آن نیز تغییر می‌کنند با منسوخ می‌شوند و نیاز است مهارت‌های جدیدی کسب شوند. امروزه این مهارت جدید بهره‌گیری از هوش مصنوعی در کلاس درس است. هر چند این عوامل تنش‌های مهمی در نظام‌های آموزشی فعلی ایجاد می‌کنند، اما هوش مصنوعی غالباً راهی برای کاهش تنش بین مسائل گذشته و نیازهای کنونی در نظر گرفته می‌شود. به‌عنوان مثال، هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان ابزاری که آموزش شخصی‌سازی شده درس‌ها را ارائه می‌دهد یا راهکاری برای خودکارسازی وظایف تکراری معلمان، به کار رود. ظرفیت دیگر در آموزش این است که آن را ابزاری ببینیم که می‌تواند آموزش را به سمت نیازهای آینده تغییر دهد و دانش‌آموزان را برای زیستن در آینده تربیت کند. در مورد مزایای نظام‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در آموزش، شواهد به نسبت کمی وجود دارند. در برخی از زمینه‌های خاص، مانند ریاضیات و فیزیک، نظام‌های کمک آموزشی هوشمند نشان داده‌اند که یادگیری را بهبود می‌بخشند. همچنین، هوش مصنوعی به ارتقای کیفیت آموزش از راه دور و برخط نیز کمک می‌کند. هوش مصنوعی در نظام‌های فناوری پیچیده که شامل واقعیت مجازی، واقعیت افزوده، متاورس و سایر فناوری‌های نسل بعد می‌شوند، استفاده خواهد شد. اگر فرایند آموزش و یادگیری را دارای ابعاد یا مراحل و گام‌هایی در نظر بگیریم که در کلاس درس صورت می‌گیرند، در هر بخش، هوش مصنوعی می‌تواند تأثیر خاص خود را داشته باشد. در حالت کلی نیز هوش مصنوعی به کار گرفته شده در روبات‌ها می‌تواند نقش معلم را بازی کند که در بخش پایانی به بحث درباره آن خواهیم پرداخت. در ادامه، برخی از اقدامات



مطالعه موردی: آب (۱۵ دقیقه)

- توضیح خواص فیزیکی آب و نیروهای بین مولکولی موجود در آن؛
- بررسی تأثیر این نیروها بر خواص آب مانند نقطه ذوب، نقطه جوش و چگالی.

بحث گروهی (۲۰ دقیقه)

- تقسیم کلاس به گروه‌های کوچک
- انجام تحقیق درباره نیروهای بین مولکولی در یکی از مواد رایج مثل الکل، روغن یا بنزین
- ارائه گزارش تحقیق به هم‌کلاسی‌ها

جمع‌بندی و تعیین وظایف بعدی (۵ دقیقه)

- خلاصه‌بندی مطالب آموخته‌شده؛
- توصیه به مطالعه بیشتر درباره ویژگی‌های فیزیکی مواد؛
- تعیین وظایف بعدی مانند تحقیق در مورد استفاده‌های مختلف حالت‌های ماده در صنایع.

توصیه: برای افزایش جذابیت درس می‌توانید از نمودارها، تصاویرها و تجربیات عملی استفاده کنید. همچنین، انگیزه‌بخشی به دانش‌آموزان برای شرکت در بحث‌ها و مشارکت فعال در حل مسائل و تمرین‌ها نیز بسیار مفید است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هوش مصنوعی قادر است برای معلم طرح درس بنویسد (البته اطلاعات چت‌جی‌پی‌تی مورد استفاده در اینجا تا سال ۲۰۲۱ بود). با پیشرفتی که این فناوری دارد، در آینده، طراحی آموزشی با رویکردهای گوناگون برای رشته‌های درسی به صورت دقیق و کاربردی میسر خواهد شد. در شماره بعد ادامه مطلب را پی خواهیم گرفت. ❁

پی‌نوشت‌ها

1. Artificial Intelligence (AI)
2. ChatGPT



اساسی از فرایند آموزش را که هوش مصنوعی می‌تواند به کار ببرد، شرح خواهیم داد:

الف) طراحی آموزشی و طرح درس: هوش مصنوعی در صورتی که به طور کامل پیشرفت کند و عملکردی مثل هوش انسانی داشته باشد، قادر خواهد بود طراحی آموزشی یا طراحی یادگیری و همچنین طرح درس را برای کلاس‌های درس طراحی کند. در این مثال، از چت‌جی‌پی‌تی که بر هوش مصنوعی مبتنی است، خواستیم یک طرح درس با مشخصات خواست ما بنویسد:

سؤال ما: یک طرح درس با این مشخصات برای من بنویس:

نام درس: فیزیک دهم دبیرستان

موضوع: ویژگی‌های فیزیکی مواد

۱. حالت‌های ماده

۲. نیروهای بین مولکولی

پاسخ (البته بدون هیچ‌گونه ویرایش)

طرح درس - فیزیک دهم دبیرستان: ویژگی‌های فیزیکی مواد

موضوع: حالت‌های ماده و نیروهای بین مولکولی

❁ هدف درس

- آشنایی با حالت‌های ماده، یعنی جامد، مایع و گاز؛
- درک نیروهای بین مولکولی و تأثیر آن‌ها بر رفتار ماده؛

❁ مراحل طرح درس

مقدمه (۵ دقیقه)

- معرفی درس و موضوع «ویژگی‌های فیزیکی مواد»؛
- بیان اهمیت فیزیک ماده در زندگی روزمره و علوم مرتبط.

توضیح حالت‌های ماده (۱۰ دقیقه)

- معرفی حالت‌های جامد، مایع و گاز و تفاوت‌های بین آن‌ها؛
- بحث درباره ساختار مولکولی و نظم داخلی در هر حالت.

نیروهای بین مولکولی (۱۵ دقیقه)

- توضیح نیروهای کوچک بین مولکول‌ها و نقش آن‌ها در خواص ماده؛

- معرفی نیروهای جذب، پساکشش، نیروی سطحی و نیروی هیدروژنی.



معتمد دانش



آقای سید نصراله میران، متولد ۱۳۲۰، آموزگار و مدیر پیشکسوت و بازنشسته در شهرستان طالقان از استان البرز است. ایشان از سال ۱۳۳۷ استخدام آموزش و پرورش شد و در تمام دوره‌های ابتدایی تدریس داشته است. ۱۳ سال پایانی خدمتش را علاوه بر آموزگاری، در سمت مدیر مدرسه گذرانده است. به پیشنهاد یکی از شاگردان ایشان، که آقای میران را پس از سال‌ها پیدا کرده و از ارتباط صمیمی و عشق بی حد و مرز او به بچه‌های روستای آرموت تکیه گفته است، گفت‌وگویی تلفنی با این آموزگار پیشکسوت داشتیم که خلاصه آن را با هم می‌خوانیم:

الهام فراستی

خاطره

تمام روزهای معلمی خاطره است. اینکه شاگردان من الان حدود ۶۰ سال سن دارند و هنوز مرا به یاد می‌آورند، در سمت‌های عالی مشغول خدمت به جامعه هستند، یا اینکه از خارج از ایران تماس می‌گیرند و حالم را می‌پرسند، خیلی برایم ارزشمند است.

البته مدیریت در مدرسه‌ای که همه دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها برای مدیر شناخته شده‌اند، هم سخت است و هم آسان. از این جهت آسان است که خصوصیات همه دانش‌آموزان و انتظارات پدر و مادرهایشان روشن است، اما اعمال مقررات اداری و انضباطی کمی سخت است. چون پدر و مادرها و حتی دانش‌آموزان انتظار دارند همان روابط دوستی و فامیلی در مدرسه هم حاکم باشد. بر اساس همین شرایط، بنده در کار مدیریت خود بسیار احساس مسئولیت داشتم و با سخت‌گیری تلاش می‌کردم دانش‌آموزان تمام تلاش خود را برای تحصیل موفق به خرج دهند. حتی خارج از مدرسه نیز اعمال مدیریت بنده وجود داشت.

در زمان معلمی شما مدرسه‌ها در دو نوبت برگزار می‌شدند. در این باره توضیح دهید. آیا به نظر شما این دو نوبت بودن خوب بود؟

در آن زمان بچه‌ها سه ساعت قبل از ظهر به مدرسه می‌آمدند. برای ناهار و استراحت به خانه می‌رفتند و بعد از ظهر دوباره به مدت دو ساعت به مدرسه می‌آمدند. به نظرم روحیه بچه‌ها شادتر بود و احساس خستگی نمی‌کردند. همچنین، فرصت یادگیری و تربیت‌پذیری در اختیار مدرسه بود. در این حال، دانش‌آموزان ضمن یادگیری درس‌ها فرصت داشتند تکلیف‌های درسی را در منزل انجام دهند. در عین حال، به فعالیت‌های ورزشی نیز بپردازند. یکی دیگر از فایده‌های دو نوبت بودن، توجه به ابعاد تربیتی و تلاش برای هدایت همه جانبه دانش‌آموزان بود.

چه شد که معلمی را انتخاب کردید؟

من در آزمون بانک سپه شرکت کردم و قبول شدم. روزی که باید به تهران می‌رفتم تا مشخص شود در کدام شعبه مشغول خدمت شوم، در میانه راه پشیمان شدم. راستش دل‌کندن از روستای مادری‌ام، آرموت تکیه، و منطقه خوش آب و هوای طالقان برایم سخت بود. تصمیم گرفتم در آزمون استخدامی آموزش و پرورش منطقه طالقان شرکت کنم که این اتفاق خوشایند افتاد و من در سال ۱۳۳۷ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. ناگفته نماند، معلمی را دوست داشتم و دلم می‌خواست به بچه‌های روستایی که در آن متولد شده بودم خدمت کنم.

در کنار معلمی سال‌ها مدیر دبستان هم بودید. کمی در این باره بگویید.

در دبستانی که تدریس می‌کردم، در ۱۳ سال پایانی خدمتم، علاوه بر آموزگاری، از من خواستند مدیریت مدرسه را هم قبول کنم. زیرا سابقه بیشتری از بقیه معلم‌ها داشتم، تعداد قبولی دانش‌آموزان کلاس از بقیه کلاس‌ها بیشتر بود و هم معلم‌ها و هم دانش‌آموزان از من راضی بودند.



کلیدهای موفقیت در ارتباط با دانش‌آموزان

دکتر محمد نیرو
استادیار گروه مدرسه و نوآوری‌های تربیتی

اشاره

برای اینکه بتوانیم به ذهن دانش‌آموز راه پیدا کنیم، نخست باید به دل او نفوذ کنیم. دانش‌آموزان تنها زمانی می‌توانند به درستی فکر کنند که به درستی احساس کنند. این ارتباط بالغ-کودک^۱، پیوندی اساسی با نوع اظهارنظرها و کلمه‌های بزرگ‌ترها دارد. کلمه‌های ناسالم والدین و معلمان می‌توانند به کودکان پیام‌های مخربی برسانند و باعث شک و تردید آنان درباره خودشان شوند. پیام‌های مناسب و سالم می‌توانند به سلامت روان کودکان کمک و آن‌ها را به اعتماد به واقعیت‌های درونی خودشان هدایت کنند.

❁ معلمی که با موقعیت سخن می‌گوید، نه با شخصیت!

اصل «درباره موقعیت صحبت کنید، نه درباره شخصیت آ و منش دانش‌آموز»، اصل اساسی ارتباط است. این اصل در تمام برخوردهای معلم و دانش‌آموز معنا پیدا می‌کند. جوهر ارتباط مؤثر در این است که معلم بتواند در شرایط گوناگون از این اصل به درستی استفاده کند. اگر این اصل در رویه‌های کلاسی به کار گرفته شود، نحوه برخورد معلم با دانش‌آموز را به طور اساسی

تغییر خواهد داد، نحوه ابراز خشم و تفهیم دستوراتش را، نحوه انتقاد یا تمجیدش را، نحوه ارزیابی و گروه‌بندی نمراتش را، نحوه تسلی دادن و اطمینان بخشیدنش را، نحوه معمول امتحان گرفتن و نحوه صحبت کردنش را. در ادامه، برخورد دوسنخ (تیپ) معلم با دانش‌آموزان بررسی می‌شود: معلمی که به موقعیت دانش‌آموز توجه می‌کند، و معلمی که منش و شخصیت دانش‌آموز را قضاوت می‌کند. تفاوت میان ارتباط مؤثر و نامؤثر^۲ در این موارد مشهود است:

• دانش‌آموز به طور ناخودآگاه فراموش کرده بود باید کتاب امانتی را به کتابخانه برگرداند. معلم سنخ اول، با تأکید بر موقعیت، توجهی به این موضوع نشان می‌دهد و می‌گوید: «کتابت باید به کتابخانه برگردانده شود، موعدهش تمام شده.» اما معلم سنخ دوم، بر منش دانش‌آموز تأکید می‌کند و می‌گوید: «تو خیلی بی مسئولیتی! همیشه تأخیر داری و فراموش می‌کنی! چرا کتاب را به کتابخانه برنگردانی؟»

★ دانش آموزان پیچیده و راهکار کاهش خصومت

معلم آگاه، دانش آموز را دوستان ساده و معمولی خود به حساب نمی آورد. او دانش آموزان را انسان هایی پیچیده می داند که می توانند از چیزی نفرت داشته باشند، چیزی را دوست داشته باشند و دمد می مزاج^۵ باشند. وابستگی دانش آموزان به معلمانشان به خصوصیت یافتن نفرت منجر می شود. برای کاهش خصومت یا نفرت معلمان باید فرصت ها و موقعیت هایی را فراهم کنند که دانش آموزان بتوانند استقلال و انتخاب را تجربه کنند. هر چه دانش آموز خود مختاری و اعتماد به نفس^۱ بیشتری داشته باشد، دشمنی و از جار کمتری خواهد داشت. دانش آموزان خوششان نمی آید کسی به خود مختاری آنان تجاوز کند. بر این اساس، در مواردی که به زندگی دانش آموز در مدرسه مربوط می شود، معلم می تواند به او حق انتخاب و حق اظهار نظر بدهد. معلمی در تأیید این نکته می گفت: «وقتی اصل محترم شمردن خود مختاری دانش آموز را پذیرفتم، راه های زیادی برای به کارگیری آن در کلاس پیدا کردم.» برای مثال:

● برف شروع به باریدن کرد. بچه ها جیغ و ویغ کنان خودشان را به پنجره کلاس رساندند و با شور و شعفی کودکانه محو تماشا شدند. قشقرقی به پا کرده بودند که من پیشنهادی به آن ها کردم و خواستم خودشان انتخاب کنند. به آن ها گفتم: «می توانید ساکت بمانید و برف را تماشا کنید، یا می توانید برگردید سر درستان. خودتان انتخاب کنید.» بلافاصله سر و صداها خوابید. بچه ها با آرامشی سرشار از شور و شادی، بارش برف را تماشا می کردند. ● برای تکلیف خانه، دو مجموعه مسئله ریاضی به بچه ها دادم تا خودشان انتخاب کنند. مجموعه اول شامل ده مسئله بود و مجموعه دوم پانزده مسئله داشت. علی، دانش آموز ده ساله، حاج و واج ماند و گفت: «من اصلاً نمی توانم کار اضافی انجام بدهم.» در پاسخ به او گفتم: «هر کدام از این دو تا را که فکر می کنی برایت بهتر است انجام بده.» علی در جوابم گفت: «به گمانم حل مجموعه پانزده تایی برای من ضرر و زیانی نخواهد داشت.»

در پایان، مشاهده فیلم کوتاه نویسنده را که به مطالب ذکر شده مربوط است، پیشنهاد می کنم. *

پی نوشت ها

1. adult-child communication
2. situation
3. personality
4. ineffective communication
5. ambivalent
6. self-dependence

او به شاگرد نمی گوید به چه کسی شبیه است و چه خواهد شد. معلم آگاه، وقتی عصبانی می شود، واقع بین باقی می ماند. او آنچه را احساس می کند، آنچه را می بیند و آنچه را انتظار دارد، شرح می دهد. او به مشکل حمله می کند، نه به شخص. اگر بگوید: «من ناراحت هستم»، «من دیگر میل به انجام کاری ندارم» و «من سخت عصبانی هستم»، خطر کمتری دارد تا اینکه بگوید: «تو مودی هستی»، «بین تو چه دسته گلی به آب داده ای» و «تو خیلی نفهمی» یا «تو فکر می کنی کی هستی؟»

● محمد، کودک پنج ساله، سنگی برداشت و به طرف یکی از دوستانش پرت کرد. خانم فرزانه، مربی پیش دبستانی، او را دید و با صدای بلند گفت: «من این کار تو را دیدم. این کار تو اوقات خانم فرزانه را تلخ می کند. سنگ ها برای این نیستند که تو آن ها را به طرف کسی پرت کنی. آدم ها برای صدمه زدن نیستند.» خانم فرزانه جمله های توهین آمیز و شرم آوری نظیر این جمله ها را به عمد به کار نبرد: «تو مگر دیوانه ای؟»

«ممکن بود دوست راز خمی کنی.» «ممکن بود ناقصش کنی. این چیزی است که می خواهی؟»

«تو بچه وحشی و بی رحمی هستی.» ● در حین تمیز کردن مهد کودک، خانم مربی بچه ها را کمک می کرد تا بلوک های آموزشی را جمع کنند. دُرسا دست به بلوک هایش نزد او کمک به دیگران سر باز زد. خانم مربی گفت: «دُرسا، هنوز چند تا بلوک دیگر باقی مانده که باید جمع شوند.»

دُرسا جواب داد: «دلم نمی خواهد این کار را بکنم. این کار را هم نخواهم کرد.»

خانم مربی بالحن راسخی گفت: «قانون این است که آخر کار همه چیز را جمع کنیم و بگذاریم سر جای اولشان.»

دُرسا جواب داد: «شما جمعشان کنید. من جمعشان نمی کنم.»

معلم بالحن تندى گفت: «پاک عصبانی ام. بهتر است این گفت و گو را تمام کنیم.»

دُرسا گریه کنان گفت: «خواهش می کنم خانم مربی! تماشا نکنید. من بلوک ها را بر می دارم.»

دُرسا رفت و کار را انجام داد. خانم مربی جواب داد: «بابت این کارت ممنونم.»

این مربی رفتاری قاطع و مؤثر داشت، بدون آنکه دچار تردید بشود. خواسته اش را بیان کرد و بدون توهین اصرار ورزید تا خواسته اش به انجام برسد. او خود را درگیر توضیح و تفصیل طولانی نکرد، در عوض احساساتش را بیان کرد و توقعاتش را آشکار بر زبان آورد.

● دانش آموز، به طور ناخود آگاه، رنگ را بر زمین ریخته است. معلم سنخ اول، با توجه به موقعیت، می گوید: «وای! می بینم که رنگ ریخته شده است. کمی آب و یک کهنه لازم داریم.» اما معلم سنخ دوم، با تأکید بر منش دانش آموز می گوید: «تو خیلی دست و پا چلفتی هستی! آخر چرا این قدر بی دقتی؟»

● نوجوان با سر و وضعی نامنظم، موهای ژولیده و لباس های چین و چروک دار به مدرسه می آید. معلم سنخ اول می گوید: «قطعاً لازم است وضع لباس هایت اصلاح شود.» اما معلم سنخ دوم می گوید: «تو همه چیزت بی نظم و کثیف است. لباس هایت نامرتب هستند و موهای سرت به هم ریخته اند. ذهنت هم عیب کرده است. برای تو چه اتفاقی افتاده؟ اگر سر و وضعت را درست نکنی، از کلاس اخراج می شوی!»

● دانش آموز در امتحان انگلیسی نمره قبولی نمی گیرد. معلم سنخ اول درباره خود این وضعیت صحبت می کند و می گوید: «من نگران درس انگلیسی تو هستم. باید انگلیسی ات بهتر شود. می توانم کمکی بکنم؟» معلم سنخ دوم درباره شخصیت دانش آموز صحبت می کند و می گوید: «تو پسری زرنگ و باهوش هستی، چطور شد که نمره نیاوردی؟ بهتر است که به جای کارهای دیگر به درست بچسبی.»

در تمام موقعیت های گفته شده، معلم سنخ اول توجه و مراقبت خود را نشان می دهد و معلم سنخ دوم اضطراب و از جارش را، یکی تلاش می کند مشکل را حل کند و دیگری مشکلی ایجاد می کند.

★ مدیریت خشم در کلاس: راهنمای عملی معلمان

هنگام سخنرانی در جمع دانشجو معلمان، متوجه شدم هیچ یک از آنان آموخته ای نداشتند که در حال عصبانیت، با دانش آموزی که سبب خشم و آزار معلم شده است، چگونه رفتار کنند. یکی از آن ها اظهار کرد: نبود احساس خشم در معلمان ارزشمند است. آن ها فکر می کردند معلم خوب هیچ گاه عصبانی نمی شود. واقعیت هایی وجود دارد که جلوگیری از خشم را غیر ممکن می سازند، مانند کلاس های پرهیاهو، سؤال های بی پایان و بحران های ناگهانی. معلم کار آمد نه به خود آسیب می رساند و نه نقش قدیس یا فرشته را بازی می کند. او از احساسات بشری اش آگاه است. ممکن است همیشه صبور و بردبار نباشد، اما همیشه درست و قابل اعتماد است. او از خشم خود هراسی ندارد، زیرا آموخته است که خشمش را چگونه بیان کند و در عین حال به کسی آسیب نرساند. حتی زمانی که عصبانی است، بدون اهانت با دانش آموزان برخورد می کند و به شخصیتش آسیب نمی زند. شعار معلم این است: «جدیت، آری! بی احترامی هرگز!».

رشد مغز (قسمت دوم)

دکتر سارا ابراهیمی

عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

* رشد اجتماعی و هیجانی نوجوانان ۱۵ و ۱۶ ساله

داشتن دوست و محبوب بودن برایشان مهم است.
چالش‌های خود هویتی ادامه می‌یابند؛ به‌ویژه اگر تفاوت‌هایی واقعی یا ادراک‌شده از هم‌سالان وجود داشته باشند. به نظر هم‌سالان حساس هستند. بسیار مایل‌اند از خانواده مستقل شوند. از اختیارات والدین و محدودیت‌هایی که اعمال می‌کنند، بیزارند.
اگرچه مستقل‌تر می‌شوند، باز برایشان مهم است که اطمینان یابند بزرگ‌سالان به آن‌ها اهمیت می‌دهند و در صورت نیاز در دسترس هستند. زمان‌های حضور در کنار بزرگ‌سالان برایشان فرصتی است تا در مورد موضوعاتی که به نظرشان مهم هستند، گفت‌وگو کنند.
بیشتر اوقات به فکر همکاری و مسئولیت‌پذیری هستند.
تند مزاج، بداخلاق و سرکش هستند و زمانی که خواسته‌هایشان برآورده نمی‌شوند، به دنبال تخلیه هیجانی هستند.
از سبک لباس پوشیدن و رفتار گروه هم‌سالان پیروی می‌کنند.
میلشان به خطر کردن افزایش می‌یابد و ممکن است برای به‌دست آوردن پذیرش گروه به رفتارهای مخاطره‌آمیز دست بزنند.
نسبت به تفاوت‌های ظاهری، باورها و احساسات تحمل بیشتری دارند.
این احساس که رفتار آن‌ها کانون توجه دیگران است، به اوج می‌رسد و بعد از این سن کاهش می‌یابد.
درست را از نادرست تشخیص می‌دهند، اما گاهی تصمیم‌های غیر مسئولانه‌ای می‌گیرند که با این تشخیص در تضاد است.
ترجیح می‌دهند در خانه وقت خود را به تنهایی بگذرانند. غالباً به اتاقشان می‌روند و در را می‌بندند.
دوستی‌های جدید برقرار می‌کنند. ممکن است زمان بیشتری را با دوستان بگذرانند تا با خانواده. دوستانشان منبع مهمی از همراهی، بازخورد و حمایت عاطفی، به خصوص در میان دخترها، هستند.
افسردگی و اضطرابشان، به‌ویژه در دخترها، به اوج می‌رسد و بعد از این سن کاهش می‌یابد.
از چالش و رقابت و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و فوق برنامه لذت می‌برند. برخی در مشاغل پاره‌وقت شروع به کار می‌کنند.

* برنامه‌های کاربردی خانواده‌ها و معلمان برای نوجوانان

فرصت‌هایی برای حفظ حریم خصوصی فراهم کنید. به نیاز و ترجیح نوجوانان به تنهایی احترام بگذارید. قبل از ورود به اتاقشان در بزنید.
علاقه آن‌ها را به مهارت‌های رهبری و به‌عهده گرفتن نقش‌های رهبری در مدرسه، خانه یا محله تشویق و از آن حمایت کنید.
از آن‌ها برای برپایی گردهمایی‌های اجتماعی کوچک که دانش‌آموزان بتوانند در محیطی امن با هم شرکت کنند، کمک بخواهید.

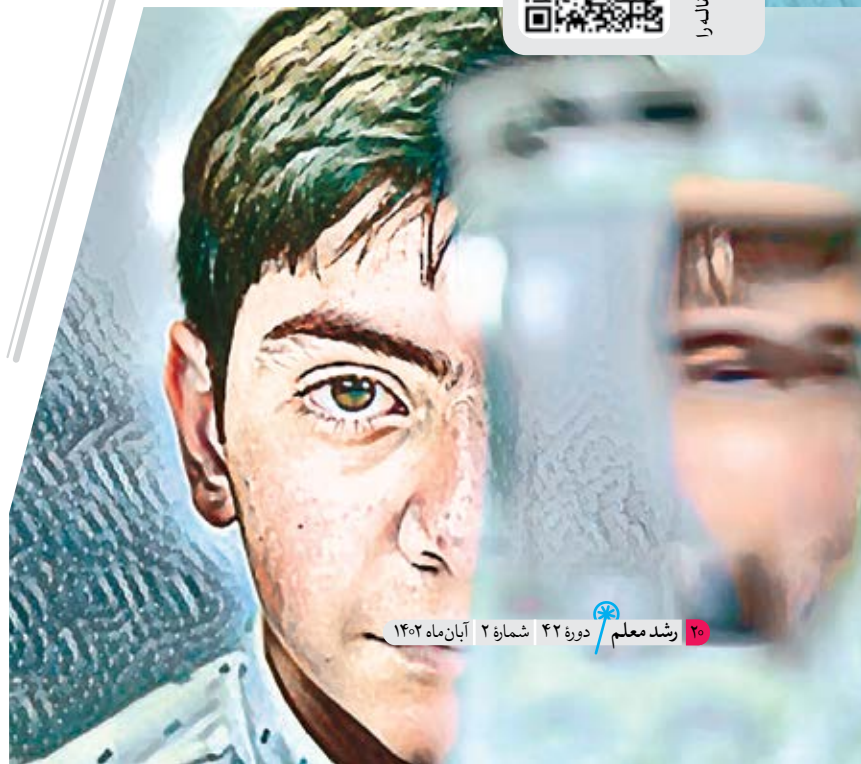
اهمیت پرورش رشد اجتماعی و هیجانی نوجوانان در خانه و مدرسه

کافی نیست!

سال‌های نوجوانی زمان جست‌وجوی شایستگی‌های اجتماعی و هیجانی است. رشد شناختی ظرفیت فزاینده‌ای برای مدیریت هیجانات و ارتباط خوب با دیگران ایجاد می‌کند. با این حال، رشد اجتماعی و هیجانی نوجوان صرفاً متأثر از رشد مغز نمی‌دهد، بلکه باید آن را پرورش داد. جامعه انتظار دارد نوجوانان یاد بگیرند از تداخل هیجان در عملکردشان جلوگیری و به‌خوبی با افراد دیگر ارتباط برقرار کنند. در این فرایند یادگیری، خانواده، مدرسه، هم‌سالان، جامعه و فناوری‌های دیجیتال نقش دارند. در شماره ۱ ویژگی‌های اجتماعی و هیجانی نوجوانان ۱۳ و ۱۴ ساله بررسی شد. در ادامه، چگونگی رشد ویژگی‌های اجتماعی و هیجانی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله و نحوه مواجهه بزرگ‌سالان، به‌ویژه معلمان، با آن‌ها بررسی می‌شود.



اینجا ببینید.
قسمت اول این مقاله را



* رشد اجتماعی و هیجانی جوانان ۱۷ و ۱۸ ساله

نسبت به توصیه‌های بزرگسالان بازتر و پذیرا تر می‌شوند و ممکن است در مواردی این توصیه‌ها را درخواست هم بکنند.

هویت شخصی‌شان را بر اساس اهداف واقعی و آرمان‌های فرهنگی و کمتر بر اساس مفاهیم آرمانی اصلاح می‌کنند.

اعتماد به نفس بیشتری دارند؛ کمتر تحت تأثیر همسالان قرار می‌گیرند یا برای تأیید به آن‌ها تکیه می‌کنند.

خود را بخشی از دنیای بزرگ‌تر می‌بینند. ارزش‌ها و باورهای شخصی را در مورد نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی بازتعریف می‌کنند. به دنبال فرصت‌هایی برای مشارکت در برنامه‌های اجتماعی هستند.

کنترل عاطفی بیشتری دارند، اما همچنان گاه به گاه طیفی از حالات و رفتارهای تکانشی از خود نشان می‌دهند.

به دنبال روابط صمیمی بر اساس علاقه‌های مشترک هستند.

شبکه همسالان را فراتر از یک گروه در نظر می‌گیرند و می‌توانند با اعضای گروه‌های دیگر نیز روابط صمیمانه داشته باشند.

پيامدهای رفتارهای خود را درک می‌کنند و احتمال بیشتری دارد که مسئولیت رفتار خود را بپذیرند.

رانندگی را یاد می‌گیرند.

گاهی کارکنان مدرسه را فریب می‌دهند تا فرصتی برای شرکت در رویدادهای ورزشی، مهمانی یا بودن در کنار دوستان بیابند.

روابط خانوادگی را حفظ می‌کنند.

هدف‌گذاری می‌کنند و برای رسیدن به آن‌ها تلاش می‌کنند. مسئولیت‌های جدید را به عهده می‌گیرند.

دوستی‌هایشان بر اساس شخصیت‌ها و علاقه‌های مشترک شکل می‌گیرند و نگرانی‌های کمتری در مورد محبوبیت دارند.

زمان زیادی را صرف ارتباط با دوستان از طریق شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها یا تماس‌های تلفنی می‌کنند.

به یادگیری و بررسی علاقه‌ها و فعالیت‌های جدید، مانند تعمیرات، فعالیت‌های ورزشی، یادگیری زبانی دیگر، نواختن موسیقی و تحقیق درباره دین می‌پردازند. میلشان به خطر کردن کاهش می‌یابد.

* برنامه‌های کاربردی خانواده‌ها و معلمان برای جوانان

در باره رفتارهای مخاطره‌آمیز و ملاحظات ایمنی گفت‌وگو کنید. راهبردهای ایفای نقش را برای مقاومت در برابر فشار منفی همسالان ارائه کنید.

آن‌ها را در تجربه‌هایی که ممکن است برایشان جدید باشد، راهنمایی کنید؛ مانند بازکردن حساب بانکی، انتخاب رشته و شغل یا خرید.

کمک کنید فنون سالم مدیریت فشار روانی (استرس) و خشم را بیاموزند.

حضور داوطلبانه یا مشارکت در فعالیت‌های خدمات اجتماعی را تشویق و حمایت کنید.

انجام فعالیت بدنی و پیروی از عادت‌های غذایی و خواب سالم را تشویق کنید.

دوره امداد و کمک‌های اولیه را به آن‌ها پیشنهاد دهید و بخوانید آموزش‌شان را در این دوره‌ها کامل کنند.

انتظارات واقع‌بینانه داشته باشید و از علاقه‌های آن‌ها در برنامه‌ریزی برای آینده حمایت کنید.

در مورد مهارت‌های مدیریت زمان گفت‌وگو و تمرین کنید، چرا که برای ادامه تحصیل و جست‌وجوی شغل مفید خواهند بود.

محیطی امن، منظم و ساختار یافته برایشان فراهم کنید. محدودیت‌هایی منطقی اعمال و اجرا کنید.

حس اعتماد و احترام را منتقل کنید؛ حتی اگر گاهی در قضاوت اشتباه کنند. برای کمک به آن‌ها وقت بگذارید و تشویق‌شان کنید در باره اشتباهات گفت‌وگو کنند و از آن‌ها درس بگیرند.

به آن‌ها مسئولیت بیشتری برای رسیدگی به امور خود بدهید (مانند برنامه‌ریزی، بازکردن حساب بانکی، رفتن به خشک‌شویی، پرداخت صورت حساب یا خرید لباس) و از تلاش آن‌ها قدردانی کنید.

طوری رفتار کنید که بدانند برای گفت‌وگو همواره در دسترس هستید. آن‌ها همچنان به حمایت و اطمینان نیاز دارند، زیرا پیوسته با تجربه‌های جدید و چالش‌برانگیز روبه‌رو می‌شوند.*

منابع

1. Bergin, C. C., & Bergin, D. A. (2018). Child and Adolescent Development in Your Classroom, Chronological Approach. Cengage Learning.
2. Bergin, C. C., Bergin, D. A., Walker, S., Daniel, G., Fenton, A., & Subban, P. (2022). Child and Adolescent Development for Educators 2e. Cengage AU.
3. McNeely, C., & Blanchard, J. (2010). The teen years explained: A guide to healthy adolescent development. Jayne Blanchard.

از علاقه‌های آن‌ها به فعالیت‌های جدید حمایت کنید و در یافتن فرصت انجام فعالیت‌های داوطلبانه یا کار پاره‌وقت به آن‌ها کمک کنید.

سفرهایی را با محوریت موضوعی آموزشی برنامه‌ریزی کنید (مانند بازدید از موزه، پارک ملی و باغ گیاه‌شناسی). کتابخانه‌ای راه‌اندازی کنید و از نوجوانان بخواهید به نوبت کتابی را برای گروه مطالعه و درباره آن گفت‌وگو کنند.

آن‌ها را به یادگیری در مورد نسب‌شناسی، پژوهش در زمینه پیشینه خانوادگی و تدوین شجره‌نامه علاقه‌مند کنید.

در باره رفتارهای پرخطر و اقدامات پیشگیرانه گفت‌وگو کنید. مطالب خواندنی آموزشی تهیه کنید و نوجوانان را به پرسیدن سؤال تشویق کنید.

مدیریت زمان و مهارت‌های سازمانی را آموزش دهید. نوجوانان را تشویق کنید تقویمی دیجیتال تهیه کنند که در آن تاریخ‌های مقرر برای انجام تکالیف، آزمون‌ها و فعالیت‌ها مشخص باشند. مکان آرامی را برای مطالعه و نگهداری منابع مدرسه در نظر بگیرید.

نوجوانان را برای رویارویی با موقعیت‌های دشوار مانند پیشنهاد رفتارهای انحرافی، با ارائه راهبردهای اجتنابی، آماده کنید.

برای شناخت دوستان و ارزش‌های مشترکشان وقت بگذارید. دوست می‌تواند منبع حمایت اجتماعی و هیجانی مثبت یا عامل فشار منفی باشد.

هرگز نوجوان را ضرب و شتم نکنید. تحقیر نکنید و آن‌ها را با القاب کنایه‌آمیز صدا نکنید. واکنش بیش از حد، اعمال انضباط در موقع عصیانیت یا استفاده از تنبیه بدنی، شیوه‌های منفی مدیریت موقعیت را به آن‌ها آموزش می‌دهد.

برای کاهش اختلافات مکرر و کمک به نوجوانان در درک منطقی وضع قوانین گفت‌وگو کنید. نوجوانان را در تعریف رفتار مورد نظر، شناسایی راه‌حل‌های منطقی، رسیدن به تصمیمی متقابل، اجرا و نظارت بر آن مشارکت دهید.

از پیامدهای منطقی استفاده کنید: اگر زمان زیادی صرف صحبت کردن با دوستان یا گفت‌وگوی پیامکی می‌شود، یا تکلیف‌های خانه نادیده گرفته می‌شوند، تلفن همراهشان را بگیرید. اگر سی دقیقه دیر آمدند، سی دقیقه زودتر منع رفت‌وآمد تعیین کنید.

رفتار مسئولانه را بپذیرید و تقویت کنید. نوجوانان می‌خواهند بزرگسالان به دستاوردهای آن‌ها توجه و به آن‌ها افتخار کنند.

رفتارهای مخاطره‌آمیز را به شیوه‌ای مستقیم، محکم و منسجم بررسی کنید. لازم است نوجوانان بدانند انتخاب‌های ضعیف آن‌ها به دلیل نآمادگی برای تصمیم‌گیری‌های سنجیده است.

برگ‌هایی از

آبان

❖ ۱۳ آبان و درسی فراموش‌نشده در محضر دین، هویت و وطن

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) چنین آمده است: «هویت واقعی تدریجی، انعطاف‌پذیر و ناتمام است که در عین متأثر شدن از عوامل ماورای طبیعی و طبیعی بیرون از اختیار (علل و زمینه‌های خارج از انتخاب آگاهانه خود فرد) در نهایت با حضور فعال انسان در صحنه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی در طول عمر دنیوی او تگون می‌یابد و متحول می‌شود. پادیاپ و همکاران (۱۳۹۹) نیز در خصوص هویت چنین نوشته‌اند: کسب هویت پاسخ‌نوجوان برای درک خود است که در حین داشتن چیزهای مشترک با دیگران، از آن‌ها متمایز و جدا می‌شود. با تشکیل هویت، زندگی فرد هدفی معنا دار پیدا می‌کند. در هر جامعه، سازمان‌ها و نهادهایی وجود دارند که در پیشبرد جامعه، تارسیدن به موفقیت، نقشی مهم و حیاتی دارند. نظام آموزش و پرورش در هر کشوری یکی از مهم‌ترین ارکان سازنده فرهنگ و هویت آن جامعه است. لذا تقویت فرهنگ و هویت ملی نیازمند تقویت و تحول در نظام آموزش و پرورش است. برای تحقق این اهداف باید برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدتی داشت و همکاری همه‌جانبه‌ای صورت داد. تحقق چنین هویتی، کمک می‌کند دانش‌آموزان متناسب و هماهنگ با هنجارهای حاکم بر جامعه تربیت شوند.

❖ هویت و ۱۳ آبان

گرامی‌باد روز دانش‌آموز

دانش‌آموزان افتخار آفرینان عرصه‌های علم و عمل، شهامت و مبارزه، پاک‌ی و عفاف و ایثار و فداکاری هستند. دانش‌آموزان در ۱۳ آبان همان‌هایی بودند که دست‌زدند بر دانش بدون دین، تمدن بدون اخلاق و رفاه بدون معنویت. ۱۳ آبان روزی است که استعمارگران را مأیوس کرد و درسی به آنان آموخت که هیچ مکتبی نمی‌توانست بیاموزد. ۱۳ آبان ۱۳۵۷ روز شکست اقتدار کاذب استعمار بود.

دکتر لیلیا میرزائی
دانش‌آموخته فلسفه تعلیم و تربیت

۲ آبان

ولادت امام حسن عسکری (ع)

۴ آبان

وفات حضرت معصومه (س)

۸ آبان

شهادت محمد حسین فهمیده، روز نوجوان؛ بسیج دانش‌آموزی؛ روز پدافند غیرعامل

۱۲ آبان

تسخیر لانه جاسوسی آمریکا؛ روز دانش‌آموز؛ روز ملی مبارزه با استکبار جهانی

۱۸ آبان

روز کیفیت

۱۹ آبان

روز جهانی علم در خدمت صلح و توسعه

۲۴ آبان

روز کتاب و کتاب‌خوانی؛ روز بزرگداشت علامه سید محمد حسین طباطبایی

۲۶ آبان

سال روز آزادسازی سوسنگرد

۲۸ آبان

ولادت حضرت زینب (س)

۳۰ آبان

روز حکمت و فلسفه و بزرگداشت ابونصر فارابی



یک روز «با دانش آموزان اردوی علمی فرهنگی یا تفریحی طراحی و برنامه ریزی می کنیم. این اردوی هدفمند می تواند قدمی در تقویت استقلال و خودباوری و آموزش مهارت های زندگی به متریان باشد.

فعال سازی سرودهای گروهی و حماسی دانش آموزی را از دیگر برنامه های پیشنهادی این روز در نظر می گیریم.

برگزاری مسابقات متنوع کتاب خوانی، علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی را از برنامه های دیگر این روز قرار دهیم.

اهدای هدیه و یادبود به دانش آموزان را به پاس ارزشمندی وجودشان فراموش نکنیم.

جمع آوری دل نوشته های دانش آموزان برای دانش آموزان حاضر در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ و ارسال دل نوشته ها در فضای مجازی شاد برای دانش آموزان و خانواده ها، می تواند حرکتی جذاب باشد.

برگزاری مسابقه بادبادک بازی در حیاط مدرسه، با حضور یکی از والدین تربیان، می تواند روزی شاد را رقم بزند.

خجسته باد میلاد با سعادت اسوه صبر و استقامت، حضرت زینب (س) و گرامی باد روز پرستار.



دانش آموزان ۱۳ آبان ۱۳۵۷ همان متریان مسلمان و متعهدی بودند که همواره در روند رشد و شکوفایی حرکت اسلامی و انقلابی جامعه مؤثر بوده و هستند و ویژگی ضد استکباری آنها بخشی از هویت ایشان بوده و هست. مراسم روز دانش آموز یکی از مهم ترین برنامه های فرهنگی آموزشی مدرسه ای است. پس لازم است با تدارک برنامه های متنوع، حامل پیام های اصیل این روز گرامی باشیم.

ما معلمان و مربیان هم زمان با ۱۳ آبان و گرامی داشت روز دانش آموز و مبارزه با استکبار جهانی چنین می کنیم:

– در مدرسه های خود جشن خودباوری برگزار می کنیم تا برای گرامی داشت مقام والای دانش اندوزی گام برداریم و نیز یاد شهدای دانش آموز را مانا کنیم.

– برنامه ریزی دیدار با خانواده معزز شهدای دانش آموزی را در فهرست برنامه هایمان قرار خواهیم داد.

– از آنجا که روز روز دانش آموز است و روز صبحه گذاشتن بر ارزشمندی وجود و شخصیت ایشان، به یاد داشته باشیم که در برنامه ریزی برنامه های این روز، با حفظ شئون و مقررات مدرسه، اولویت اصلی با سلیقه و مشارکت حداکثری دانش آموزان باشد.

– با ایجاد آگاهی و اطلاع رسانی قوی و تقویت عزت نفس، خواستار حضور پررنگ تر متریان در عرصه های ملی و جهانی خواهیم شد.

– مراسم تشویقی گسترده ای برای دانش آموزان در نظر می گیریم تا با تقویت اعتماد به نفس ایشان، زمینه های پیشرفت روزافزونشان را فراهم کنیم.

✱ زنده باد نام و یاد شهدای مدافع سلامت

زینب (س) کیست؟

حضرت زینب را تجسم و نماد صبر جمیل نامیده اند. مقاومت در راه پاسداری از حریم دین، کنترل نفس خود در برابر ناملایمات و نشان ندادن ضعف در مقابل دشمن و شکایت نکردن در حضور مردم را از جمله ویژگی های صبر زینب (س) عنوان کرده اند (فیض الاسلام، ۱۳۸۶: ۱۸۵). همچنین، وی در پاسخ ابن زیاد که پرسید کار خدا را با برادر و اهل بیت چگونه دیدی، فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا» چیزی جز زیبایی ندیدم.

مهم ترین ویژگی های زینب کبری (س)

عبادت، صبر و استقامت، علم و سخنوری، تعلیم و تفسیر قرآن، و مقام وصایت و نیابت مهم ترین ویژگی های این بانوی اسوه امید و صبر هستند.

– به بها و بهانه این روز عزیز به دیدار خانواده های معزز شهدای مدافع سلامت خواهیم رفت تا ایثار و فداکاری را ارج نهیم و به وجودشان افتخار کنیم.

– با نمایندگانی از دانش آموزان، با شاخه های گل در بیمارستان ها حضور یابیم و از پرستاران عزیز تقدیر کنیم.

– از والدین پرستار تجلیل کنیم و در شبکه شاد متن های تبریک های دانش آموزی را برایشان ارسال کنیم.

.....✱



منابع

۱. پادیا، عبدالحق؛ عسگری، مهران؛ فروغی، حسین (۱۳۹۹). سومین همایش بین المللی روان شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی.
۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. ۱۳۹۰.
۳. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، «حضرت زینب (س)، نماد صبر جمیل». حوزه نیز.
۴. سید علینقی فیض الاسلام اصفهانی (۱۳۸۶). ترجمه خاتون دوسرا. تهران. نشر فیض الاسلام.

اشاره

قرآن تنها دانش نیست، روش نیز هست. هندسه ویژه سوره‌ها، چینش و سامان ویژه و منحصر به فرد آیات و سوره‌ها، بهره‌گیری از روش‌های متنوع و متکثر برای القای بهتر و ژرف‌تر مفاهیم در گستره قرآن، الگو و چراغ راه «روش» تدریس بهتر، جذاب‌تر و شیرین‌تر می‌تواند باشد. بر اساس این منطق کلی، برخی از دستاوردهای قرآن در مجله رشد معلم تبیین خواهند شد. در این شماره، با اهمیت این منطق آشنا می‌شویم و در هر یک از شماره‌های بعدی، یکی از روش‌های قرآن بررسی و تحلیل خواهد شد تا روشن شود که نه تنها «دانشمندی» قرآن، که «روشمندی» آن نیز می‌تواند و باید مطمح نظر پژوهندگان، آموزندگان و مخاطبان باشد.

دکتر محمد رضا سنگری
دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی

✱ خدا معلم است و قرآن درس‌نامه او

اودر نخستین آیاتی که بر پیامبر نازل کرده است، خود را معلم می‌خواند: «الذی علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم» (سوره علق، آیات ۴ و ۵). و کتاب پروردگار - قرآن - تنها دانش نیست، روش نیز هست. هم باید به «چه گفتن» خدا اندیشید و هم چگونه (روش) گفتن. در هنگام تدبیر در قرآن، قرآنی که به تعبیر علی (ع) ظاهرش «انیق» است و باطنش «عمیق»^۱ (غرالحکم و دررالکلم: ۱۴۰). هم صورت این دریای ژرف را بنگریم و هم درون شگفت و گوهر خیزش را.

راستی چرا خداوند نخستین درس از درس‌های ۱۱۴ گانه‌اش را سوره حمد قرار داده است؟ این هفت دوگانه! (سبع المثانی) چرا در طلیعه قرآن آمده است؟ خوب می‌دانیم که سوره حمد نخستین سوره نازل شده نیست. راز این پیش آوردن چیست و این روش هندسی در قرآن چه معنا و پیامی دارد؟ اگر حمد خلاصه قرآن است، کدام پیام «روشی» - فارغ از دانش و درون مایه حمد - را در بر دارد؟ چرا نظام موجود قرآن وارونه است؟! سوره‌های مکی که در آغاز بعثت نازل شده‌اند، در انتهای قرآن آمده‌اند و سوره‌های مدنی که عمدتاً متعلق به مدینه و سال‌های پس از هجرت‌اند، در ابتدای قرآن قرار گرفته‌اند؟ این چیدمان و سامان خاص چه پیام «روشی» را القای کند؟

از

ب

خدا

چرا بیست و نه سوره قرآن با حروف رمز آغاز می‌شوند؟ سخن بر سر این نیست که معنای این حروف مقطعه (رمز) چیست، سخن بر سر آن است که این گونه شروع در حوزه «روش»، برای ما چه درس و پیامی همراه دارد؟ همین پرسش در باره سوره‌هایی که با «پرسش» آغاز می‌شوند قابل طرح است. آغاز پرسشگرانه سوره‌ها خود «روشی» در آموزش است که در آغاز و متن سوره‌های متعددی در قرآن به کار گرفته شده است. شیوه پرسش و پاسخ قرآنی خود آموزگار روش شناسی در قرآن است. «روش شناسی» در قرآن اگر هم سنگ «دانش شناسی» قرآن نباشد، کمتر از آن نیست. تردیدمان نیست که «روش» قرآن نیز بخشی از «دانش» آن است و شناخت این روش‌ها برای هر آنکه سرآموزش دانش دارد، کارا و یاریگر خواهد بود.

اگر ۱۱۴ درس خدا-فارغ از کوتاه و بلند بودن-را به درنگ و تأمل فراچشم داشته باشیم، در می یابیم که فارغ از محتوا و موضوع و درون مایه، ساختار، چینش و هندسه متن، توالی آیات و سوره ها، شروع و پایان بندی، نسبت سوره ها با هم تا چه اندازه سخته و ساخته و زیبا و روشمندانه پرداخته شده است. آیا همین روش ها و ظرایف و دقایق نمی توانند در مدیریت کلاس و در اخذ «روش های بهتر و برتر» یاریگر ما باشند! آیا کشف و استنباط و فهم «روش های خدا» در طرح مسائل و آموزه ها، بهترین و رواترین روش ها را پیش روی مریبان و معلمان قرار نمی دهد؟ آیا از مصداق های «افلا تدبرون القرآن» (سوره محمد ص، آیه ۲۴؛ سوره نساء، آیه ۸۲)، استخراج روش های طرح مسائل در آن نیست؟

البته تفکیک محتوا و روش یا صورت و معنا به قول صائب ممکن نیست:

لفظ و معنی را به تیغ از یکدگر توان برید
کیست صائب تا کند جانان و جان از هم جدا

با این همه، شناخت صورت و شکل در فهم ژرف تر محتوا یاریگر ما خواهد بود. به دیگر زبان می توان گفت: ساختار و شکل و هندسه و چیدمان متن، بخشی از متن است و «صورت» سوره ها و آیات جزء جدایی ناپذیر «سیرت» قرآن.

آنچه در این مقال و مجال مطرح می شود، درنگی است در حد فهم نگارنده و معلوم است اگر صاحب نظران و پژوهشگران در این قلمرو دقت و درنگ بنمایند، دستاوردهایی نغز تر و شیرین تر و شگفت تر بیابند و منظری شکوهمندتر را فرا روی خوانندگان و خوانندگان بکشایند.

تکیه گاه اصلی تبیین در این مقال، جز نظرگاه های دانشوران و پژوهندگان حوزه قرآن پژوهی، بهره گیری از دانش نشانه شناسی است. دانش

نشانه شناسی که نخستین بار سندررس پیرس و فردینان دوسوسور در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در آثار خود به کار بردند و سپس ژاک دریدا، فیلسوف فرانسوی، دقیق تر و عمیق تر به آن پرداخت^۱، یکی از راه های شناخت عمیق تر است. توجه به همین نشانه های بیرونی و ساختاری است که ما را از «سطح» متن به درون راهبر خواهد بود. متن قرآن شکوه و ژرفا و گیرایی و پابایی و حتی زبایی (هرمنوتیک و تأویل) خویش را از همین بیرون و شکل و نمای ظاهری به خواننده و مخاطب القا می کند و معنا و مفهوم ابتدا از ریختار و ساختار بیرونی آغاز و به درون می رسد. ساختار بیرونی سوره ها و آیات ترجمان «روش» خداوند در بیان مسائل و به دیگر زبان، نحوه تدریس و القای مفاهیم و مضمون هاست و تردیدی نیست مطالعه در این زمینه فصلی تازه در فهم قرآن خواهد گشود. علی (ع) در اشارتی روشن در باب قرآن، ما را به این «نگاه» (فهم بیرون، نما و روش پرداخت مفاهیم در قرآن) فراخوانده و فرموده است: «إن القرآن ظاهره انیق و باطنه عمیق». انیق یعنی شگفت انگیز و زیبا. یعنی ظاهر قرآن هنرمندانه، کشش آفرین، رایانده و جذاب است و «اتفاقاً آن چیزی که در درجه اول دل ها را مثل مغناطیس به سمت اسلام جذب کرد، همین جنبه هنری قرآن بود».

تشبیه قرآن به دریا و داشتن چشم انداز زیبا و ژرفای گوهر خیز گواه آن است که هم باید در «بهره مندی» از ژرفای قرآن کوشش و پویه عالمانه و محققانه داشت و هم در ظاهر این دریا نگر نیست و از تماشای حرکت موج ها و نغمه آرامش بخش و نمای شکوهمند آن «بهره مند» شد و این، جز به مدد «تماشای دقیق و عمیق» ممکن نیست. آنان که در ساحل دریا هستند، بهره ور از دریایند و آنان که شناورند در اعماق نیز به تعبیر خود قرآن «منافع» آن را در می یابند. *

پی نوشت ها

۱. إن القرآن ظاهره انیق و باطنه عمیق لا تفتی عجائبه و لا تفتی عجائبه و لا تنقضي غرابه و لا تكشف الظلمات إلا به.
۲. برای فهم دقیق تر و گسترده تر مباحث نشانه شناسی ر. ک به: کتاب ماه ادبیات و فلسفه، مهر ۱۳۸۴، شماره ۹۶. مقاله دکتر احمد تمیم داری: نشانه شناسی نظریه و عمل، مجموعه مقالات فرزاد سجودی، نشر علم، ۱۳۹۰.
۳. سوره مؤمنون، آیه ۲۱؛ سوره یس، آیه ۷۳؛ سوره نحل، آیه ۵؛ سوره غافر، آیه ۸۰.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. سید هاشم رسولی محلاتی، غرالحکم و درالکلم، ج ۱، ۱۳۹۲.
۳. صائب تبریزی، دیوان اشعار، غزل شماره ۹.



ارزشیابی

(قسمت دوم)

۳۶۰ درجه

تعمیم تجربه‌ای از
مدیریت منابع انسانی در کلاس درس

اشاره

ارزشیابی ۳۶۰ درجه‌ای مفهومی است که بیشتر در حوزه منابع انسانی یا سرمایه انسانی کاربرد دارد. ارزشیابی ۳۶۰ درجه یعنی ارزشیابی عملکرد اعضای سازمان از نقطه نظرهای زاویه‌های مختلف. در این نوع ارزشیابی، کارکنان توسط همکاران و هم‌تیمی‌های خود، مدیرانشان، اعضای گروه یا زیرمجموعه‌شان، ذی‌نفعانی که با آن‌ها تعامل دارند و حتی خودشان، سنجش می‌شوند. به این ترتیب، داده‌هایی معتبر و همه‌جانبه برای شناسایی نقاط قوت و ضعف هریک از اعضای سازمان جمع‌آوری می‌شوند.

جایگاه این مفهوم در ارزشیابی از یادگیری خالی است. به عبارت دیگر، در ارزشیابی معلمان از یادگیری فراگیرندگان یادانش آموزان، به همه جنبه‌های ارزشیابی توجه نمی‌شود. برای داشتن ارزشیابی جامع و ۳۶۰ درجه‌ای می‌توان پنج فعالیت را مدنظر قرارداد که عبارت‌اند از: ثبت عملکرد دانش آموز، آزمون‌های معیار و استاندارد، ارزشیابی‌های مهارتی، خودآبرازی و خودارزشیابی. در شماره قبل درباره ثبت عملکرد دانش آموز و آزمون‌های معیار و استاندارد نکاتی بیان شد. در این شماره آزمون‌های مهارتی و دست‌ورزی، خودآبرازی، خودارزشیابی یا ارزشیابی از طریق والدین بیان می‌شوند.



قسمت اول مقاله را اینجا ببینید.

* آزمون‌های مهارتی و دست‌ورزی

این دسته از آزمون‌ها بیشتر به دنبال ارزیابی استفاده از دانش کسب‌شده، یعنی سنجش مهارت‌ها هستند. ارزیاب با استفاده از ابزارهای گوناگون به سنجش یادگیری اقدام می‌کند. ممکن است در بعضی از سوالات از نوشتن هم استفاده شود، ولی میزان آن خیلی کم است و در حد نوشتن پاسخ نهایی است. مثلاً در درس ریاضی، به جای اینکه تصویر دسته‌های ۱۰۰ تایی و ۱۰ تایی به دانش آموز داده شود، خود آن دسته‌ها در اختیار او قرار می‌گیرند و دانش آموز می‌تواند آن‌ها را لمس کند و اعداد را تشخیص دهد یا با هم مقایسه کند. شکل آزمون عملکردی در هر درسی یادگیری فرق دارد. در علوم می‌تواند یک آزمایش باشد؛ مانند جدا کردن مواد از هم، یا وزن کردن آن‌ها. در ریاضی هم ابزارهای متعددی در دسترس هستند که با آن‌ها می‌توان همه مباحث ریاضی را پوشش داد؛ از اعداد گرفته تا شکل‌های هندسی. در درس فارسی می‌توان مهارت گوش کردن، خواندن و نوشتن دانش آموزان را محک زد. یک سؤال شنیداری، نگارشی و درک مطلب در کنار بقیه سوالات فارسی می‌تواند آزمونی معمولی را به آزمونی مهارتی تبدیل کند.

ایده برای اجرای آزمون‌های مهارتی زیاد است. مثلاً می‌توان اردویی با چالش‌های علمی و کاربردی طراحی کرد. در اجرای این آزمون‌ها دو نکته مطرح است که اجرا را کمی مشکل می‌کنند. اول تهیه محتوا و ابزار برگزاری آزمون مشکل است. البته لازم نیست ابزار به تعداد همه دانش آموزان تهیه شوند. بلکه می‌توان چند عدد تهیه کرد و دانش آموزان به صورت چرخشی از آن‌ها استفاده کنند. دوم، معمولاً برگزاری این آزمون‌ها زمان‌بر است و در مقایسه با آزمون‌های کتبی معمول، به نیروی انسانی زیادی نیاز دارد. ولی در عین حال حسن‌های زیادی نیز دارد؛ شامل:

الف) برای ارزیابی شونده بسیار لذت‌بخش هستند و اصلاً فشار روانی آزمون‌های کتبی متداول را به همراه ندارند.
ب) به مطالب یاد گرفته شده عمق می‌بخشند و می‌توانند یادگیری را به سطح بالاتری ببرند.
پ) بیش از بقیه آزمون‌ها به یادگیری در کنار ارزیابی منجر می‌شوند.
ت) می‌توانند موجب ایجاد انگیزه‌های درونی در یادگیرنده شوند، چرا که یادگیرنده در حین این ارزیابی‌ها کاربرد مطالب فرا گرفته شده را به نوعی می‌بیند.

ث) قابلیت برگزاری گروهی را دارا هستند و در صورتی که گروه‌بندی به درستی و اصولی انجام گیرد، بر مهارت‌های اجتماعی می‌افزایند.

* آزمون‌های خودابرازی

اگر نقش مدرسه، بیش از یادگیری مطالب کتاب‌های درسی، آموزش مهارت‌های اجتماعی در نظر گرفته شود و آموزش مهارت‌های زندگی را هم جزو رسالت‌های مدرسه در نظر بگیریم، آنگاه فعالیت‌های ارزشیابی گفته شده کم و ناقص خواهند بود. در اینجا لازم است از چارچوب ارزیابی مرسوم خارج شد و به جای طراحی فرایندی یا ابزاری که دانش و مهارت‌های فراگیرنده را بسنجد، بستری آماده کرد تا فراگیرنده بتواند توانمندی خود را در آن ابراز کند و نشان دهد.

بسیاری از مهارت‌ها و توانمندی‌های دانش آموزان در بستر ارزیابی‌های مرسوم متبلور نمی‌شوند. مثلاً در عمل برای بررسی اعتماد به نفس

دانش آموزان یا هوش اجتماعی آن‌ها روشی وجود ندارد. پس لازم است با ایجاد بستری برای تبلور آن‌ها، ابزارهای کم خطایی نیز برای ثبتشان در نظر گرفته شوند. دانش آموزانی را تصور کنید که در درس تعلیمات اجتماعی پروژه‌ای برای معرفی استان یا یک کشور دارند. آن‌ها در طول سال می‌توانند به صورت گروهی روی آن تحقیق کنند و یافته خود را با دیگر دوستانشان به اشتراک بگذارند. حال اگر از این فراتر، نمایشگاهی برای ارائه این تحقیقات برپا شود، امکان تبلور توانمندی‌های بیشتری فراهم می‌شود. شکل و محتوای غرفه می‌تواند موضوعی چالش برانگیز برای گروه‌های دانش آموزی باشد و نیازمند هم‌فکری و همکاری بسیار است. ارائه یافته تحقیقات در روز نمایشگاه هم می‌تواند بخش دیگری از توانمندی‌های دانش آموزان را نشان دهد.

اگر یک نمایشگاه ایران‌شناسی (برای مثال) به عنوان ابزار خودابرازی دانش آموزان در نظر گرفته شود، لازم است ابتدا برنامه‌ریزی و پیش‌بینی دقیقی در مورد کل فرایند به عمل آید. اگر منابع مورد نیاز این پروژه طولی، تعیین نقش اولیا و معلمان در مقام مربی، برنامه‌زمانی و... به دقت تدوین شوند، می‌تواند تجربه لذت‌بخشی برای همه ایجاد کند. در ادامه لازم است ابزارهایی سنجشی برای تک‌تک مراحل آن در نظر گرفت. ابزارهایی کیفی که هدف اصلی آن‌ها نشان دادن نیازهای هر بخش از پروژه به مربیان و مربیان، و مقایسه فرد با خودش و سطح معیار حداقلی خواهد بود.

این یک ایده بزرگ و جامع بود؛ یک پروژه بین درسی. ولی می‌توان بسترهای کوچک و کم هزینه‌تری (از نظر زمان، نیروی انسانی و...) هم برای خودابرازی متصور شد. مانند وقتی معلم فارسی دانش آموزان را تشویق می‌کند در مورد آخرین کتابی که خوانده‌اند، صحبت کنند. یا معلم علوم که با محوریت فناوری، که قطعاً مورد علاقه نسل جوان است، تحقیقاتی را سامان دهد و با ارائه آن‌ها در کلاس، امکان این خودابرازی را فراهم می‌کند.

دو نکته مهم در این بین وجود دارند که بی‌توجهی به آن‌ها ممکن است تأثیرات مخرب بلندمدت داشته باشد. اول، اجرای فعالیت‌های خودابرازی می‌تواند موجب ایجاد حسادت، رقابت و مقایسه در دانش آموزان شود. این شرایط ممکن است توسط والدین تشدید شود. لازم است ابتدا خود مربیان نسبت به این مسائل توجه شوند. اینکه در مواجهه با دانش آموزان چگونه عمل کنند تا حسادت و رقابت بروز نکند. سپس آموزش‌هایی برای اولیا در نظر گرفته شوند. هر چند این آموزش‌ها در بلندمدت تأثیر خواهد گذاشت، ولی آگاهی از آن‌ها قطعاً می‌تواند از شدت مشکلات بکاهد.

نکته دوم، این احتمال وجود دارد که دانش آموزان توانمند نقش بیشتری بر عهده گیرند، در عمل دیگران را کنار



بگذارند و خود عهده‌دار همه فعالیت‌ها شوند. توجه اشتباه مربیان و اولیا نیز ممکن است این وضعیت را تشدید کند. در اینجا هم لازم است مربیان و مسئولان در ابتدای کار نقش‌های معین و دقیقی برای هر دانش‌آموز در نظر بگیرند و در طول اجرا هم با دقت در عملکرد همه دانش‌آموزان، امکان مشارکت بیشتر آن‌ها را فراهم کنند.

✱ خودارزیابی یا ارزیابی از طریق والدین

خودارزیابی شکل بلوغ‌یافته ارزیابی است. اینکه خود فرد بتواند عملکرد خود را قضاوت و واکاوی کند، از آن درس بگیرد و با نتایج آن تغییر ایجاد کند، قطعاً بهترین و والاترین شکل ارزیابی است.^۱ در ضمن، خودارزیابی‌ای که قضاوت را به همراه استدلال در خود دارد، در بالاترین سطح تفکر قرار می‌گیرد. البته نباید فراموش کرد، خودارزیابی نیز مانند دیگر انواع قضاوت دچار آسیب‌هایی مانند فراق‌کنی است. این نشان می‌دهد که فرزندانمان به آموزش و تمرین هر چه بیشتر و بهتر این مهارت نیاز دارند. اگر می‌خواهیم ارزیابی جامعی داشته باشیم، لازم است یادگیرنده را نیز در آن درگیر کنیم. دانش‌آموزان باید خود را قسمتی از فرایند ارزیابی ببینند. این وضعیت، ضمن کم کردن فشارهای آزمون، می‌تواند ارزیابی و سنجش را به بخشی از زندگی روزانه و مستمر دانش‌آموزان تبدیل کند.

به شکل‌های متعددی می‌توان دانش‌آموزان را در فرایند ارزیابی درگیر کرد. مثلاً می‌توان از خود دانش‌آموز خواست برگه‌اش را تصحیح کند. یا هر کس برگه دانش‌آموز کناری‌اش را تصحیح کند. می‌توان آزمونی طراحی کرد که دانش‌آموز بعد از پاسخ به هر سؤال، آن را تصحیح کند و سؤال بعدی را پاسخ دهد. (این ایده به شکل کارگروهی تجربه شده و نتایج خوبی داشته است.) قطعاً معلمان در جلسه بارش فکری، که فضایی دوستانه، تعاملی و ایمن دارد، می‌توانند ایده‌های خلاقانه‌ای در این زمینه تولید کنند.

در دوره اول ابتدایی، جایی که سن دانش‌آموزان کم است، والدین می‌توانند نقش پررنگ‌تری داشته باشند. بهتر است در ابتدای سال در جلساتی در این زمینه به اولیا توضیحات لازم داده شود تا آن‌ها در طول سال به عنوان بازوان آموزش معلمان عمل کنند. در این زمینه ایده‌های بسیاری وجود دارند. مثلاً در شکل سنتی، والدین در منزل به دانش‌آموز دیکته می‌گفتند و آن را تصحیح می‌کردند. ولی در شکل خلاقانه آن، این دانش‌آموز است که به والدین دیکته می‌گوید. والد با توضیحات مدرسه به عمد اشتباه‌هایی را در نوشته خود انجام می‌دهد تا دانش‌آموز آن را

بباید. این روش، علاوه بر اینکه یادگیری را با تفریح و سرگرمی همراه می‌کند، بر مهارت‌های خواندن و نوشتن دانش‌آموز نیز می‌افزاید.

در شکل دیگر آن، والدین می‌توانند با توجه به کلید آزمون نسبت به تصحیح آن اقدام کنند، یا به فرزندشان کمک کنند برگه خود را با کلید تصحیح کند. مشارکت والدین در ارزیابی، به درک بهتر توانمندی‌های فرزندشان هم می‌انجامد. البته این خطر وجود دارد که والدین نتوانند هویت خود را از فرزندشان جدا کنند و یا بازخواست، پر خاشگیری یا تنبیه، بخواهند یادگیری فرزندانشان را بهبود بخشند.

بسیار مهم است که دانش‌آموز در فرایند یادگیری منفعل نباشد. می‌توان تا حد امکان او را در فرایند برنامه‌ریزی درگیر کرد. مثلاً برنامه کلاسی را با مشورت آن‌ها تنظیم کرد. می‌توان تدریس را با روش‌های تعاملی دانش‌آموز محور، به جای روش‌های سخنرانی معلم محور، به پیش برد. می‌توان برای تدریس از آموزش معکوس یا روش‌های گروهی مدد جست. در نهایت، در فرایند ارزشیابی نیز می‌توان به انواع شکل‌ها از دانش‌آموزان استفاده کرد. قضاوت آن‌ها در مورد اشتباه عمدی معلم یا جست و جو و کشف مطالب جدید با سعی و خطا، نسبت به زمانی که مطلب راحت در اختیار آن‌ها قرار گیرد، قطعاً یادگیری بهتری را در پی خواهد داشت.

نباید فراموش کرد که مشارکت والدین در مدرسه فراتر از کمکشان در ارزیابی است. لازم است آن‌ها مدرسه را از خود بدانند؛ یعنی خود را در تصمیمات مدرسه دخیل بدانند. در اینجا فقط به بخشی از این مشارکت، که در چارچوب اهداف مقاله بود، پرداخته شد، ولی لازم است در این زمینه بیشتر تأمل شود. یادگیری یاددهی می‌تواند خیلی لذت‌بخش باشد؛ به شرطی که پارا از چارچوب‌های سنتی و منسوخ فراتر بگذاریم و اجازه دهیم خلاقیت‌مان راه جدیدی برای آموزش پیش پیمان بگذارد. ✱

پی‌نوشت

۱. برنامه درسی ملی. ۱۳۹۰. انتشارات شورای عالی آموزش و پرورش.



فرصت

زندگی‌ورزی

در برنامه ویژه مدرسه (بوم)

ام‌لیلا صمدی

اشاره

زهرافاطمی فر، دبیر درس فرهنگ و هنر در متوسطه اول مدرسه شاهد دالکی در ناحیه ۱ شهر شیراز است. وی کارشناسی ارشد را در رشته پژوهش و هنر، کارشناسی را در رشته گرافیک و کاردانی را در رشته هنرهای تجسمی گذرانده است. فاطمی فر که ۲۴ سال سابقه در آموزش و پرورش دارد، به تدریس در دانشگاه فرهنگیان نیز مشغول است. آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصه‌ای است از گفت‌وگوی ما با این معلم هنرمند و خوش ذوق درباره تجربه ارزشمند مهارت آموزی او:

چیزی الهام بخش شما بوده است تا معلم فرهنگ و هنر شوید؟

مادر من هنر مند قابلی بود. شاید علاقه مندی ام از او نشئت گرفت. در دوران تحصیلم برای ورود به هنرستان، با مخالفت خانواده روبه‌رو بودم، اما با سختی زیاد موفق شدم وارد هنرستان شوم. آنجا بود که احساس کردم سرچشمه‌ای از نور را پیدا کرده‌ام. همین‌طور، زمانی که در رشته هنرهای تجسمی تربیت معلم فاطمه الزهرا اصفهان درس می‌خواندم، استادانی مثل دکتر مریم فتحعلی زاده و همین‌طور طاهره امامی، که آن زمان معاون آن مرکز بودند، تأثیرگذاری زیادی روی من داشتند. دکتر فتحعلی زاده، استاد نقاشی، جرئت را به من آموخت تا بدون ترس کار را شروع کنم.

چگونه از فرصت طرح بوم (برنامه ویژه مدرسه) برای مهارت آموزی به دانش آموزان استفاده کردید؟

بوم کمک می‌کند معلم فراتر از کتاب درسی، آزاد باشد تا با توجه به ساحت‌های تعلیم و تربیت و همین‌طور تخصص خود، مهارت‌هایی را به دانش آموزان بیاموزد؛ از پخت شیرینی و کیک گرفته تا پرورش گل و گیاه. قبل از اجرایی شدن طرح بوم، از آنجا که خودم روحیه کارآفرینی داشتم، در حوزه آموزش مهارت فعالیت می‌کردم. از جمله، در زمان دانشجویی با کانون فرهنگی تربیتی همکاری داشتم. بعد از گذراندن دوره تربیت معلم نیز مدیر کانونی فرهنگی تربیتی شدم. آنجا دانش آموز در اوقات فراغت پیش ما می‌آمد و من فرصت خوبی داشتم تا مهارت‌هایی چون طراحی لباس، طراحی دوخت و هنرهای تجسمی را آموزش دهم. در آن زمان دانش آموزانی تربیت شدند که اکنون هر کدام کارآفرین هستند. بعد از اینکه طرح ایران مهارت و طرح بوم آمد و این فرصت فراهم شد، سعی کردم از تجربه‌هایی که داشتم در این زمینه استفاده کنم و این طرح را طبق ساحت‌ها پیش ببرم. هدفم این بود که دانش آموز برای کسب درآمد به سمت وسوی مهارت آموزی حرکت کند. یعنی نه تنها مهارت را یاد بگیرد، بلکه بیاموزد چطور از مهارتش درآمد کسب کند و به اقتصاد خانواده کمک کند.

آموزش در همه جا ارائه می‌شود، اما ما می‌خواهیم دانش آموز به عنوان فروشنده‌ای کوچک خرید و فروش و چانه‌زنی را یاد بگیرد. برای مثال، در برنامه بوم، گروهی دانش آموز را انتخاب کردم و به صورت تخصصی طراحی لباس را به آنان آموزش دادم. اگر به عنوان مشتری وارد

مدرسه ما شوید و ایده لباس‌تان را به آن‌ها بدهید، آنچه را در ذهن شماست، روی کاغذ پیاده می‌کنند و خیاط می‌تواند آن را بدوزد. در یکی از نمایشگاه‌ها تصمیم گرفتیم در یک غرفه بادم‌نوش، سردنوش و انواع عرق گیاهی از مهمانان پذیرایی کنیم. قبل از آن، از بچه‌ها خواستیم در مورد خواص هر یک از آن‌ها، مثلاً خواص بهارنارنج یا گل محمدی، تحقیق کنند. گروهی مسئولیت ارائه تحقیق را بر عهده داشتند، گروهی چاپ و تهیه دفترک (بروشور) را انجام دادند، گروهی با آموزش‌هایی که دیده بودند کیک پختند و مسئولیت پذیرایی و فروش محصولاتی چون شربت بهارنارنج، چای زعفران و چای سبز را بر عهده داشتند که مورد استقبال داوران قرار گرفت.

برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان و مشارکت آن‌ها در یادگیری از چه روش‌هایی استفاده می‌کنید؟

ایجاد انگیزه اولین کاری است که انجام می‌دهم. برای مثال، برای آموزش ساخت زیورآلات دست‌ساز، یک نمونه کار از دستبند را با خودم به کلاس بردم. از بچه‌ها پرسیدم، فکر می‌کنید قیمت این دستبند چند است؟ بعد از گرفتن پاسخ‌های بچه‌ها، به آن‌ها گفتم من این دستبند را خودم درست می‌کنم و برابرم ارزان‌تر در می‌آید. من سال‌هاست این کار را گسترش داده‌ام و اکنون سفارش‌های متعدد و فروش اینترنتی دارم. دلتان می‌خواهد در این زمینه کار کنید؟ به این صورت بچه‌ها سر شوق می‌آیند و بینمان ارتباط خوبی برقرار می‌شود. اگر در سطح شهر نمایشگاهی برگزار شود، با دانش آموزانم در آن حضور پیدا می‌کنیم و اگر غیر حضوری باشد پیوند آن را برای بچه‌ها می‌فرستم. اگر دانش آموزی در ساخت جاشمعی موفق است، نمونه‌های متعدد را در فضای مجازی برای او می‌فرستم.



گاهی خودم به بچه‌ها سفارش کار می‌دهم؛ حتی اگر خودم از آن استفاده نکنم. به این ترتیب، سایر بچه‌ها هم پشت سرم می‌آیند و به آن دانش آموز سفارش کار می‌دهند. در مدرسه ما جو خوبی برقرار است و معلم‌های مدرسه هم به بچه‌ها سفارش کار می‌دهند. از فرصت فضای مجازی هم استفاده می‌کنیم.

برای آموزش دوخت به بچه‌ها، ابتدا آن‌ها را به گروه‌های پنج نفره تقسیم می‌کنم. هر گروه از نزدیک می‌بیند که من چطور با سوزن و نخ کار می‌کنم. در ادامه، در گروه‌های مجازی ام نیز فیلم و عکس‌های دوختم برای بچه‌ها می‌فرستم. بچه‌های هر گروه برای خود نیز گروه مجازی تشکیل می‌دهند. در هر گروه بچه‌ها کامل کننده هم هستند و رقابت سالم دارند. این طور نیست که کارها تکراری باشند و بچه‌ها نگران فروش باشند. مثلاً در زیورآلات، بچه‌ها در بخش‌های رزین، ملزومات حجاب و بند عینک کار کردند. وقتی ایده‌هایشان اجرایی می‌شود، لذت می‌برند. قرار گرفتن دانش آموز هنرمند در کنار سایر بچه‌ها، واگیری هنری به وجود می‌آورد. آن‌ها از هم ایده‌های خوب می‌گیرند و پیشرفت می‌کنند. کلاس‌م در مدرسه ثابت است. بچه‌ها حتی زنگ تفریح هم اجازه نمی‌دهند از کلاس خارج شوم. کارهایشان را می‌آورند که رفع اشکال کنند. وقتی دانش آموزان این طور سر ذوق می‌آیند، خستگی از تنم می‌رود.

مدیریت زمان در کار جمعی از عوامل مهم تأثیرگذار در پیشبرد اهدافم در طرح بوم بود. آموزش باید از یک جایی شروع شود و به نتیجه برسد. حواسمان باشد، دانش آموز وسط راه نماند و علاقه‌اش کم نشود یا برنگردد. یعنی در یک سال تحصیلی بتوانی دانش آموز را طوری هدایت کنی که وسط راه جا نزنند. اینکه به برگزاری نمایشگاه و جشنواره برسد، مهم است.

چگونه آموزش‌هایتان را با نیازهای جامعه متناسب می‌کنید؟

من به عنوان کارآفرین نمایشگاه برگزار می‌کنم. در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها با دانش آموزانم شرکت می‌کنم و در بازار فعالیت می‌کنم. می‌دانم مشتریان چه می‌خواهند. از طرف دیگر، خودم با ۴۰۰ دانش آموز از نسل جدید در ارتباطم و با علاقه‌مندی‌ها و نیازهایشان آشنا هستم. بنابراین، از این تجربه‌ها در نیازسنجی بهره می‌برم و بعد از آن برنامه‌ها را می‌چینم.

فعالیت‌هایی که در راستای مهارت‌آموزی انجام دادید تا چه میزان با ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت در ارتباط هستند؟

مدرسه تمرین وارد جامعه شدن است. مادر این اجتماع کوچک فرصت فراهم می‌کنیم تا بچه‌ها تعامل با همدیگر را تجربه کنند. در راستای ساحت اقتصادی و حرفه‌ای، به درک و فهم اقتصادی برسند. تدبیر امر معاش داشته باشند. بچه‌ها برای تبلیغات و بازاریابی کارت ویزیت طراحی می‌کنند و پوستر می‌سازند. در گروه تبلیغاتی مجازی کارشان را برای فروش ارائه می‌دهند. برای مثال، دانش آموز برای کار بافتنی از دوستانش سفارش می‌گیرد و با قلاب لیف حمام و دستکش بدون انگشت می‌بافد. کار آکرلیک روی چوب و نمابندی (دکو پاژ) روی جعبه‌های چوبی را انجام می‌دهند که در نمایشگاه فروش زیادی دارد. برای خودشان پاپوش نمادی می‌دوزند. بچه‌ها در همه فعالیت‌ها از قدرت تخیل و خلاقیتشان استفاده می‌کنند که با ساحت زیبایی‌شناختی و هنری مرتبط است. با توجه به ساحت علمی و فناوری، هر

**بوم کمک می‌کند
معلم فراتر از
کتاب درسی، آزاد
باشد تا با توجه
به ساحت‌های
تعلیم و تربیت
مهارت‌هایی را
به دانش‌آموزان
بیاموزد**

دانش آموز در مورد هر رشته‌ای که کار می‌کند، پژوهش نیز انجام می‌دهد. در راستای تربیت زیستی، بچه‌ها با فعالیت‌هایی مثل نقاشی روی سنگ‌های رودخانه، به طبیعت علاقه‌مند می‌شوند. برای اینکه از نایلون استفاده نشود، کیسه‌های مخصوص سبزی و نان را با پارچه می‌دوزند. به آموزه‌های اخلاقی هم توجه داریم. بچه‌ها داوطلبانه بخشی از سودشان را به مؤسسه‌های خیریه یا دانش آموزان کم‌توان مالی مدرسه‌ها اختصاص می‌دهند. این کار را در ابتدا خودم انجام می‌دهم و بچه‌ها پشت سرم ادامه می‌دهند.

ساحت تربیت عبادی و اخلاقی را در کارهایم سرلوحه قرار داده‌ام. آفریدن و خلق کردن کار قشنگی است و بچه‌ها از آن لذت می‌برند. ما با بچه‌ها خلق می‌کنیم، اما خالق بزرگ ما خداوند متعال است و ما سرسوزنی از آفریده‌های خداوند را بازآفرینی می‌کنیم. بچه‌ها در بوم، ساخت جانمازهای زیبای تاشوی مسافرتی با پارچه‌های گل دار زیبا و ساخت گیره حجاب را در قسمت زیورآلات دست‌ساز یاد گرفتند. آن‌ها یاد گرفتند با مهره و گل رس تسبیح درست کنند. مهر هم درست کردند که برایشان دوست‌داشتنی بود.

بعد از کرونا، با دانش آموزانی مواجه بودم که حاضر نبودند ماسک را از روی صورتشان بردارند. خودشان را قبول نداشتند و اعتماد به نفس نداشتند. مرتبط با ساحت تربیت اجتماعی، در طرح بوم نمایش درمانی را اجرا کردم. بچه‌های پایه‌های هفتم، هشتم و نهم را به ۱۲۰ گروه سه و پنج نفره تقسیم کردم. هر کدام از بچه‌ها



و غیره در مدرسه برای ما آماده کرد. او هنر را مثل ریاضی می بیند. وقتی اولیا در جشنواره و نمایشگاه کارهای فرزندان شان را می دیدند، سر شوق می آمدند. عده ای همچنان مقاومت داشتند که فرزندان فقط باید درس بخوانند، اما گروه بیشتری همکاری خوبی داشتند و راضی بودند از اینکه فرزندان اعتماد به نفس خوبی پیدا کرده است و می توانند از کارش دفاع کنند.

■ در آخر هر نکته ای را که ذکر آن را لازم می دانید، بفرمایید.

درس فرهنگ و هنر که من آن را تدریس می کنم، آزمون کتبی ندارد و این به من آزادی عمل می دهد. اما معلمان سایر درس ها، چون حجم کتابشان زیاد است، فرصت کمتری برای پرداختن به طرح بوم دارند. طرح بوم دست معلمان و مسئولان مدرسه را برای آموزش انواع مهارت ها به بچه ها باز گذاشته است و کمک می کند بچه ها استعدادهايشان را بشناسند. این شرایط راه را برای هدایت تحصیلی بچه ها باز می کند. اما به ایجاد انگیزه برای معلمان و تخصص آنان نیاز دارد. بوم اختصاص وقت زیادی را می طلبد. آوردن مربی از بیرون مدرسه، مستلزم صرف هزینه است. پس چه بهتر که به معلمان انگیزه و همین طور آموزش دهیم تا مدرسه نخواهد بیشتر هزینه کند. بوم نگاه پررنگ تری را می طلبد تا این طرح برای بچه ها بماند. اگر بوم پشته مدیریتی محکم داشته باشد، منسجم تر خواهد بود. ❁

به فراخور استعدادش، در گروه نقش هایی چون کارگردان، بازیگر، طراح صحنه و راوی را پذیرفت. دانش آموز با اجرای این نمایش، برای نشان دادن زبان بدن، ماسک از روی صورتش برداشت. نظر داد، نقد کرد و داور شد. این کار به دستیابی به اعتماد به نفس از دست رفته آن ها کمک کرد. این کار گروهی حس مسئولیت پذیری را در دانش آموز تقویت کرد، چرا که اگر بد بازی می کرد، کار گروه خراب می شد. این نمایش ها که مضمون های اخلاقی داشتند، در مناسبت های گوناگون در مدرسه اجرا شدند.

■ حین آموزش هایتان با چه چالش هایی روبه رو هستید؟ راهکارتان را در این خصوص بفرمایید؟

مهم ترین چالش ما همکاری نکردن بعضی از خانواده ها است. طرح بوم موفق نمی شود، مگر اینکه اولیا پشته این طرح باشند. اگر مواد اولیه را خانواده برای دانش آموز تهیه نکنند و اجازه کار فراتر از درس را ندهند، من در کارم موفق نمی شوم. یکی از اولیا می گفت شما باعث شدید دخترم به هنرستان علاقه مند شود. او از این بابت ناراضی بود. ولی دیگری هم می گفت دخترم قبلاً از هنر سر در نمی آورد، اما خوش حالم که اکنون کار هنری انجام می دهد. گران بودن ابزار و وسایل کار هم از چالش های خانواده ها برای همکاری است. من تلاش کردم با اولیا تعامل خوبی داشته باشم. مدیر مدرسه ما اولیا را به مدرسه دعوت کرد تا با آن ها جلسه توجیهی داشته باشیم و این کار به ما کمک کرد. اگر مدیر خوبی نداشتم، نمی توانستم در این کار موفق شوم. او دستم را باز گذاشت. ملیحه صحرانورد، مدیر مدرسه مان، یک چرخ خیاطی، اتو، تاون (فر)، کیک پز و یک جعبه پر از رنگ، کاغذ

**طرح بوم دست
معلمان و
مسئولان مدرسه
را برای آموزش
انواع مهارت ها
به بچه ها
باز گذاشته
است و کمک
می کند بچه ها
استعدادهايشان
را بشناسند**

آتش بازی با گرگ‌ها



نوریگی
نفر اول ششمین جشنواره
خاطره‌های معلمی

اوایل خدمتم در روستای کانی سرخ از توابع آموزش و پرورش زیویه در استان کردستان، واقع در منطقه اوباتو، سردترین و مرتفع‌ترین دشت ایران، بودم. غروب روز پنج‌شنبه، اواخر دی‌ماه سال ۱۳۸۰، در راه برگشت به محل خدمتم، من و سه نفر دیگر سوار یک پیکان بودیم. وقتی به ورودی راه روستا رسیدیم، از دور سه گرگ را دیدیم. یکی از آن‌ها کمی کوچک‌تر و توله بود. می‌دانستم گرگ‌ها زمانی که با توله‌های خود هستند، خطرناک‌تر می‌شوند. قلبم به شدت می‌زد و پاهایم روی کف ماشین بند نمی‌شد. آشکارا می‌لرزیدم. یک جور دل‌شوره شدیدی مثل زمانی که نوجوان بودم و گاهی در اواخر شب گروهک‌های ضد انقلاب در پشت کوه مشرف به روستای محل زندگی مان کمین می‌کردند و به پاسگاه انتظامی روستا و بخشداری شلیک می‌کردند به من دست داد. آن شب‌ها برای در امان ماندن از تیرهای احتمالی ناشی از تیراندازی آن گروهک‌ها مجبور بودیم گاهی تا صبح گوش‌هایمان را ببندیم و پشت دیوارها پنهان شویم تا از ترکش‌ها و کمانه تیرها در امان باشیم.

در ورودی جاده مشرف به روستا، راننده ماشین را نگه داشت. گرگ‌ها شروع به فرار کردند و خیلی دور شدند. مرا در همان ورودی که نزدیک دو کیلومتر تا روستا فاصله داشت، پیاده کرد. راننده و دیگر سرنشینان به من گفتند نگران نباشم و ترسی نداشته باشم و مسافت باقی مانده را پیاده بروم.

منطقه سردسیر بود و برف زیادی باریده بود. متأسفانه راهنمایی مسیر دو کیلومتری جاده اصلی تا روستا را برف رویی نکرده بود و سواری پیکان نمی‌توانست به روستا بیاید. آن‌ها راه خود را به طرف روستای گورباغلی در پیش گرفتند و راننده به من اطمینان داد که گرگ‌ها دیگر بر نخواهند گشت. با ترس و لرز پیاده شدم و راه روستای کانی سرخ را در پیش گرفتم. امارتن سواری همان و برگشتن گرگ‌ها همان. دو پا داشتم، دو پای دیگر قرض گرفتم و با تمام سرعت به طرف روستا رفتم تا قبل از رسیدن گرگ‌ها

تصویرگر: نرگس زمانی

به روستا برسم. گرگ‌ها با دیدن فرار من که تنها بودم، از راه میان‌بر شروع کرده بودند به دویدن به طرف من و داشتند نزدیک و نزدیک‌تر می‌شدند.

آن وقت‌ها تلفن همراه و وسایل ارتباطی امروزی نبودند. من از ترس رسیدن گرگ‌ها خسته‌تر و قدم‌هایم کندتر و کوتاه‌تر شده بود. چند صد متری تاروستا مانده بود که احساس کردم گرگ‌ها واقعاً دارند به من می‌رسند. به ناگاه فکری به نظرم رسید. راه خود را به جای رفتن به طرف روستا، به طرف تیرهای سیمانی برق که کابل‌های برق را به روستا انتقال می‌دادند کج کردم. خود را به یک تیر برق رساندم و از پله‌های روی آن که برای بالا رفتن سیمبازان تعبیه شده بود، بالا رفتم. سه پله ۸۰ سانتی متری را با تمام تلاش بالا رفتم. زیر پای خود چند گرگ گرسنه را دیدم که با سر و صدا و پرش سعی می‌کردند از تیر برق بالا بیایند یا حداقل پای مرا گاز بگیرند.

بسیار ترسیده بودم و می‌لرزیدم. دست‌هایم از شدت سرما بی‌حس شده بودند. داشتم از تیر برق می‌افتادم. شهادتین را خواندم و خود را به خدا سپردم. چند ترقه و کپسول کوچک انفجاری داشتم که صدای مهیبی دارد. برای تعطیلات نوروز در کیف خود نگه داشته بودم. با هر زحمتی بود، آن‌ها را با فندکی که در جیب داشتم آتش زدم. بادست چپ خود را به تیر برق چسبانده بودم. یک ترقه و یک کپسول را آتش زدم و پایین انداختم. منفجر شدند. گرگ‌ها کمی عقب رفتند و ترسیدند، ولی چند متر دورتر از تیر برق منتظر ماندند. آنجا را ترک نمی‌کردند.

مردم روستا با شنیدن صدای انفجار ترقه و کپسول انفجاری متوجه من و حمله گرگ‌ها شده بودند و با تمام سرعت با سنگ‌ها و چوب‌های خود به طرف من آمده بودند. گرگ‌ها با دیدن و شنیدن سر و صدای مردم و سگ‌های آنان پایه فرار گذاشتند و از آنجا دور شدند. چند ثانیه بعد از فرار گرگ‌ها، از شدت سرما و بی‌حسی دست‌هایم، بی‌اختیار و بی‌هوش از تیر برق روی برف‌ها پایین افتادم. مردم روستا به سرعت خود را به من رساندند و با کمک و لطف الهی مرا از مرگ حتمی نجات دادند. ❁



و نقش نظام تعلیم و تربیت در مواجهه با آن

سازمان اسرار

دکتر اعظم گودرزی
دکترای تخصصی آموزش
بهداشت و ارتقای سلامت



سالمندی جمعیت یکی از بزرگ‌ترین موفقیت‌های بشری است که مرهون پیشرفت و رشد فناوری، گسترش مراقبت‌های بهداشتی اولیه، پیدایش فناوری‌های جدید در پیشگیری، تشخیص و درمان بیماری‌ها، بهبود شرایط اقتصادی اجتماعی و به دنبال آن کاهش مرگ و میر، افزایش زاد و ولد و امید به زندگی است. این در حالی است که این موفقیت بزرگ، بدون برنامه‌ریزی، آمادگی و سیاست‌گذاری صحیح ممکن است به یکی از چالش‌های بزرگ کشورها مبدل شود. آخرین پیش‌بینی‌های جمعیتی جهان نشان می‌دهد، «امید به زندگی» در بدو تولد از ۶۴/۲ در سال ۱۹۹۰ به ۷۲/۶ در سال ۲۰۱۹ رسیده است و انتظار می‌رود این رقم در سال ۲۰۵۰ از مرز ۷۷/۱ سال بگذرد. سرشماری انجام‌شده در جمهوری اسلامی ایران نیز همین روند رو به رشد جمعیت سالمند است. جمعیت سالمندی در ایران طی حدود ۴۲ سال از ۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۰ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است (دو برابر شدن جمعیت سالمندی) و مجدداً طی حدود ۲۱ سال، در سال ۱۴۲۰ به ۲۰ درصد خواهد رسید (دو برابر شدن مجدد جمعیت سالمندی). این در حالی است که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته جهان، دو برابر شدن جمعیت سالمندی در طول بیش از صد سال اتفاق افتاده است. کشور ما از جمله کشورهای واجد بالاترین شیب و شتاب افزایش جمعیت سالمندی در جهان است.

افزایش سریع جمعیت سالمندان کشور واقعیتی انکارناپذیر است و تأثیر قابل توجهی بر افراد سالمند، خانواده آن‌ها و جامعه دارد. در صورت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های صحیح، این افزایش جمعیت می‌تواند فرصت مناسبی برای همه باشد؛ در غیر این صورت، مشکلات جدی برای سالمندان، خانواده‌ها و جامعه به همراه خواهد داشت.

از سوی دیگر، بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، نزدیک به ۷۰ درصد از کل جمعیت کشور در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ ساله قرار دارد و این بدان معناست که ایران در فرصت طلایی «پنجره جمعیتی» قرار دارد و جمعیت در سن کار و فعالیت اقتصادی در آن در حداکثر میزان خود است. تجربه بسیاری از کشورها نشان از جهش اقتصادی در دوران پنجره جمعیتی دارد. بنابراین، لازم است مدیران از ظرفیت و منابع سرمایه‌ای حاصل از این فرصت برای توسعه همه‌جانبه و تضمین دوران بعد از گذار جمعیتی، یعنی سالمندی جمعیت، به نحو مطلوب استفاده و رشد اقتصادی مناسبی را برای کشور فراهم کنند. در این راستا، استفاده از تجربه‌ها و خردمندی سالمندان بسیار سودمند است. از طرف دیگر، برنامه‌ریزی برای داشتن سالمندان توانمند، فعال و سالم در فاز جمعیتی آینده، می‌تواند سالمندی جمعیت را به فرصتی مناسب برای سالمندان و جامعه تبدیل کند و از بسیاری مشکلات اجتماعی و اقتصادی که ممکن است با سالمندی جمعیت ایجاد شوند، جلوگیری کند. آگاهی یافتن معلمان از تغییرات سنی جمعیت و برنامه‌ریزی مبتنی بر آن می‌تواند در موفقیت برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها بسیار اهمیت داشته باشد.

اگرچه در سال‌های اخیر نظام سلامت توانسته است با استفاده از راهبرد مراقبت‌های بهداشتی اولیه به پیشرفت‌های چشمگیری در سطح کلی سلامت و رفاه مردم و بالارفتن شاخص‌های مربوط به آن برسد، اما همچنان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران، برقراری عدالت در تأمین سلامت و رفاه اجتماعی حوزه سالمندان است. مطابق آمار، جمعیت سالمند ایرانی با سرعتی بیشتر از سرعت رشد آسیا و دنیا در حال افزایش است.

اگرچه افزایش جمعیت سالمندان فرصت بسیار مناسبی برای جامعه ماست، زیرا جامعه افراد باتجربه و خردمند بیشتری خواهد داشت، که دستاوردی مثبت برای کشور است، ولی از سوی دیگر، با وجود اینکه فرایند سالمندی به‌طور مستقیم به بیماری منجر نمی‌شود، در افراد سالمند معمولاً در اثر گذشت زمان و سبک زندگی نادرست در این دوران، خطر ابتلا به انواع بیماری‌ها و مرگ و میر افزایش می‌یابد. لذا لازم است با برنامه‌ریزی مناسب برای مشارکت، سلامت، استقلال و توانمندسازی سالمندان در سال‌های باقی‌مانده عمر،

برای ایجاد فرصت برابر با سایر گروه‌های سنی تلاش کنیم؛ در غیر این صورت سالخورده‌گی جمعیت به تهدیدی جدی برای کشور تبدیل خواهد شد.

به همین منظور، سند ملی سالمندان کشور با هدف پاسخ هماهنگ به چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از سالخورده‌گی جمعیت ایران، برای رسیدن به بهترین نتیجه به‌عنوان چارچوبی برای هدایت سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های آینده در امور سالمندان کشور، با شش هدف اصلی طراحی شده است:

۱. ارتقای سطح آگاهی فرهنگی جامعه در خصوص پدیده سالمندی؛
۲. توانمندسازی سالمندان؛
۳. حفظ و ارتقای سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی سالمندان؛
۴. تقویت حمایت‌های اجتماعی برای ارتقای سرمایه اجتماعی؛
۵. توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز در امور سالمندی؛
۶. تأمین منابع مالی پایدار برای نظام حمایتی از سالمندان.

از آنجا که تکریم و احترام سالمند بخشی از فرهنگ ایرانی اسلامی کشور ماست، بنابراین با توجه به تغییرات فرهنگی اجتماعی جامعه لازم است ارتقای سطح فرهنگی جامعه در خصوص پدیده سالمندی در اولویت قرار گیرد. در همین راستا می‌توان با استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ها در راستای احیا و ارتقای منزلت سالمندان و بهره‌مندی از توان دستگاه‌های اجرایی و ظرفیت‌های بخش خصوصی و تعاونی و سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای احیا و ارتقای منزلت سالمندان، شاهد وجود دیدگاه مثبت‌تری به سالمندی در جامعه بود.

همچنین، معلمان، مربیان و نظام تعلیم و تربیت کشور می‌توانند از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی، با آموزش کودکان و نوجوانان در زمینه ترویج فرهنگ تکریم سالمندان گام مؤثری بردارند.

هدف توانمندسازی سالمندان از طریق تأکید بر آموزش و یادگیری مادام‌العمر مهارت‌آموزی فرد و مراقبان سالمندان، ایجاد و توسعه محیط‌های توانمندساز و توسعه مشارکت اجتماعی سالمندان قابل دستیابی است. ترویج فناوری‌های جدید برای آموزش سالمندان، تلاش به‌منظور سوادآموزی سالمندان و آگاه‌سازی آن‌ها از حقوق خود، می‌تواند در توانمندسازی سالمندان ایرانی نقش مهمی داشته باشد.

بی‌سواد بودن تعداد زیادی از سالمندان کشور در حال حاضر و آشنایی ناکافی ایشان با فناوری‌های جدید می‌تواند به جدایی سالمند از جامعه و انزوای وی منجر شود. ایجاد و توسعه محیط‌های توانمندسازی از طریق ترویج و حمایت از سیاست‌های محیط‌دوستاندار سالمند

و افزایش دسترسی سالمندان به خدمات مورد نیاز، به‌ویژه در بخش سلامت و رفاه، می‌تواند در توانمندسازی سالمندان نقش مهمی داشته باشد.

در راستای توسعه مشارکت اجتماعی سالمندان، می‌توان از طریق مشارکت سالمندان در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به سالمندان در امور خودشان، حمایت از تشکلهای سالمندی، تبیین برنامه‌های آمادگی بازنشستگی، بازنگری سن بازنشستگی، آمایش فضای کسب‌وکار و فعالیت‌های داوطلبانه، تعیین ظرفیت‌های بالقوه سالمندان برای اشتغال، ایجاد دسترسی به مشاوره اشتغال سالمندان، بستر سازی برای ایجاد فضای کسب‌وکار مبتنی بر مهارت بدون توجه به سن، تأکید بر مهارت‌آموزی سالمندان، ایجاد هماهنگی و تعادل بین نسلی در محیط‌های کار، دسترسی به تسهیلات مالی، حمایت از فضای ارائه خدمات و محصولات تولیدی سالمندان و ایمنی و امنیت محیط کار اقدام کرد.

نتیجه‌گیری

در راستای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه سلامت و سیاست‌های کلی «جمعیت» در چشم‌انداز آینده، مابعدنبال جامعه‌ای با نگاه مثبت و بر اساس اهمیت دادن، برابری، استقلال، مشارکت، حمایت، امنیت و سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی سالمندان و در واقع سالمندی سالم و فعال توأم با معضلات همیشگی برای سالمندان هستیم. برای رسیدن به این اهداف لازم است با مشارکت خود سالمندان، خانواده‌ها، مراقبان، داوطلبان، سمن‌ها، خیرین و همکاری‌های بین‌بخشی، ضمن تقویت امکانات موجود و تأکید بر فرهنگ ایرانی اسلامی که همیشه احترام و توجه به سالمندان از ارزش‌های والای آن بوده است، جامعه‌ای امن، متناسب و پاسخ‌گو برای نیازهای متفاوت و متنوع سالمندان فراهم کنیم؛ به‌طوری که آنان با داشتن حق انتخاب، به‌زندگی با حداکثر کیفیت و استقلال ادامه دهند.

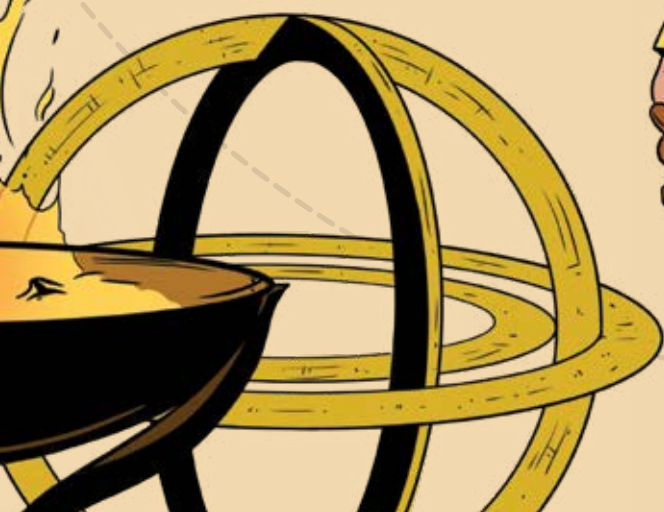
منابع

۱. حمید پوراصغری و همکاران (۱۳۹۹). سند ملی سالمندان کشور. سازمان برنامه و بودجه کشور.
2. Luhmann M, Hawkey LC. Age differences in loneliness from late adolescence to oldest old age. *Developmental psychology*. 2016 Jun;52(6):943.

درس و

مدرسک در
سبک هندی

فاطمه حسینی فرد
دانشجوی دکترای ادبیات فارسی و معلم



تصویر: فراتر بنارزادگان

یکی از جذابیت‌های شعر سبک هندی در مضمون‌های خلافت‌های نهفته است که شاعران این سبک در اشعار خود به کار برده‌اند. در شعر سبک هندی شاعر سعی می‌کند هیچ حد و مرزی برای خیال خود تعیین نکند. به این ترتیب از تمام عناصر دنیای پیرامون برای سرایش شعر بهره می‌گیرد. یکی از مضمون‌هایی که در شعر این سبک مورد توجه شاعرانی چون صائب قرار گرفته است، مضمون معلم و مکتب‌خانه است. صائب به عنوان یکی از سرآمدان شعر سبک هندی، از زوایای متفاوتی به موضوع معلم و شاگرد و مدرسه نگاه کرده و توانسته است ابیات ناب و جالبی خلق کند.

در این مقاله می‌خواهیم نمونه‌هایی از این دست مضمون‌سازی‌ها و هنرنمایی‌های صائب و دیگر شاعران سبک هندی را به نمایش بگذاریم.



یامی گوید:

فکر شنبه تلخ دارد جمعه اطفال و تو

پیرگشتی و همان در فکر فردا نیستی

البته این حس محدود به کودکان نبوده

است و صائب به معلمی هم که از دست

دانش آموزان و بازیگوشی آن‌ها به تنگ آمده

اشاره کرده است. می گوید: معلم آن قدر

از دست دانش آموزانش ذله شده است که

می خواهد مدرسه و معلمی را رها کند:

به تنگ آمد معلم آن چنان از شوخی طفلان که

هر ساعت به تقریبی ز مکتب خانه برخیزد

تقریب یعنی بهانه. پس مصراع دوم یعنی معلم از

تدریس خسته شده است و هر لحظه با بهانه جدیدی

از مکتب خانه بیرون می زند! این حال را هم شاید ما

معلم ها گاهی تجربه کرده باشیم!

در جایی دیگر صائب می گوید:

طفل باز یگوش آرام از معلم می برد

تلخ دارد زندگی بر ما دل خود کام ما

یعنی همان طور که کودک باز یگوش آرامش معلم را به هم

می ریزد، دل خود کام ما هم زندگی را برای ما تلخ می کند.

در بیت دیگری، با حواس پرتی دانش آموزان در کلاس

مضمونی ساخته است و این مضمون را به مفهوم کلی تر

محو دنیا شدن و از یاد بردن مرگ ربط داده است:

محو دنیا را به گرد دل نگردد یاد مرگ

از معلم طفل هنگام تماشا غافل است

سرایش با این دست مضمون ها به صائب محدود نیست

و در شعر دیگر شاعران سبک هندی هم نمودی از آن دیده

می شود. برای مثال، سلیم تهرانی در بیت زیر تشبیهی

میان گریه زاهد از ترس روز قیامت و ترس کودک از

مدرسه ساخته است:

ز فکر حشر عبث نیست گریه زاهد

که خوف طفل ز مکتب دلیل بی ادبی است

در جای دیگر، سلیم تهرانی با اشاره به تشبیه «فلک» که

در مدرسه های آن روزگار رایج بوده است، ایهام جالبی

ساخته است با همین لفظ در معنای چرخ و آسمان:

زمانه مکتب اطفال گشته پنداری

که هر که هست در او شکوه از فلک دارد

در این بیت، «شکوه از فلک داشتن» در دو معنی به کار

رفته است: یکی گلايه دانش آموزان از تشبیه فلک و دیگری

گلايه مردم از آسمان و چرخ فلک و سرنوشت. به این

وسيله زمانه و روزگار را به مکتب خانه تشبیه کرده است

که در آن همه از فلک شکوه دارند.

ایهام دیگری بخوانیم از طغرایی مشهدی که او هم شاعر

سبک هندی بوده است:

گر به گرد روی او گردیده ام عیسم مکن

طفل مکتب خانه ام دور گلستان کرده ام

در این بیت، شاعر از «گلستان» دو معنی را در نظر

داشته است: یکی گلستان سعدی که اطفال در مکتب

می خوانده اند و آن را دوره می کرده اند و یکی هم معنای

خود گلستان و باغ که برای تشبیه روی معشوق انتخاب

شده است.

یکی از حس و حال هایی که ما معلمان تجربه کرده ایم،

حس اندوه حاصل از دیدن مدرسه خالی است. بیدل

دهلوی این حس را در ستایه شعر قرار داده و در باره آن

مضمون سازی کرده است. او مکتب خانه بدون اطفال

را به «خمیازه خشک» تشبیه کرده است:

جدا از اشک شد چشم سراب دشت حیرانی

همان خمیازه خشکی است بی اطفال، مکتب ها

یعنی چشمی که از حیرت باز مانده، مانند سرابی است

که خشک است و حتی قطره اشکی هم در آن نیست.

همان طور که مکتب خانه ها در نبود کودکان دانش آموز

شبیه به دهان خشک در حال خمیازه اند.

یکی از صحنه هایی که در مکتب خانه ها دیده می شده،

تکان خوردن و عقب و جلو رفتن بیا به تعبیر دیگر سر

تکان دادن دانش آموزان هنگام روخوانی بوده است که

قدسی مشهدی با اشاره به این صحنه مضمون جالبی

را در رباعی خود ساخته است:

در شعر شوی گرانسوری را ثانی

تحسین تو کس نمی کند تادانی

آن به که جو اطفال به مکتب خانه

خود خوانی و بر خویش سری جنبانی

یعنی در این روزگار کسی در تأیید شعر تو یا لذت بردن از

آن سر تکان نمی دهد. بهتر است مانند اطفالی که موقع

روخوانی سرشان را تکان می دهند، خودت شعر بخوانی

و سر خود را به نشانه تأیید شعر خودت تکان بدهی!

وحید قزوینی در مثنوی های خود، جایی خودش را

به چوب معلم تشبیه می کند و می گوید: همه در پی

شکستن من اند:

باشد ز وطن بریده را حال چون چوب ادیب نزد اطفال

در مکتب عشق تا که هستم هستند همه پی شکستم

و اما بیت دیگری که ذکر می کنیم، بیتی معروف است

سروده نظیری نیشابوری، شاعر سبک هندی، که

احتمالاً همه آن را از بریم:

درس ادیب اگر بود زمزمه محبتی

جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

که در این بیت نیز «ادیب» در معنای معلم مکتب خانه

به کار رفته است و امروزه هم غالباً وقتی این بیت را مثال

می زنند، به جای «ادیب»، «معلم» به کار می برند (درس

معلم را بود زمزمه محبتی).

نمونه هایی که آوردیم تنها مثنوی از خروار بودند.

مضمون سازی شاعران سبک هندی یا مکتب و طفل

و معلم ابیات خاص و جالبی را پدید آورده است که

در این یادداشت کوشیدیم بخشی از آن ها را به نمایش

بگذاریم. ❀

یکی از موضوعات مورد توجه صائب،

فراری بودن دانش آموزان از درس و

مدرسه است. صائب در چند بیت از

زایه های متفاوت در باره این موضوع شعر

سروده است. شاید همه ما روزگاری اندوه

غروب جمعه و غم رسیدن شنبه را درک کرده

باشیم! صائب همین موضوع را در ستایه شعر

قرار می دهد و می گوید:

فکر شنبه تلخ دارد جمعه اطفال را

عشرت امروزی اندیشه فردا خوش است

یا جای دیگر می گوید:

از شب آدینه روز عشرت ما شد سیاه

صبح شنبه هیچ طفلی این چنین بدروز نیست

یامی گوید:

ز فکر صبح شنبه طفل در آدینه می لرزد

که از اندیشه انجام غافل می تواند شد؟

حضرت علی (ع) می فرمایند: «الْعَدْلُ يَصْنَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»: اگر هر امر و هر چیزی را سر جای خود قرار دهیم، از آن عدالت بر می خیزد (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).

عدالت اقتصادی به معنای توزیع عادلانه فرصت های اقتصادی و درآمد در جامعه است. اما در سال های اخیر، معنایی جدید و کاربردی از عدالت اقتصادی شکل گرفته است. در مفهوم جدید، عدالت اقتصادی در کنار توسعه اقتصادی، برای کاهش تفاوت های اقتصادی بین لایه های گوناگون جامعه و ایجاد فرصت های برابر اقتصادی می کوشد. در این راستا، سیاست هایی مانند توسعه بخش های فقیرتر جامعه، افزایش توانمندی های اقتصادی و آموزشی افراد، ارتقای سطح زندگی و حقوق اجتماعی و اقتصادی، و توزیع منابع به شکل عادلانه، به عنوان بخشی از عدالت اقتصادی جدید مطرح می شوند. اهتمام به بسط عدالت اقتصادی به معنای تلاش برای حفظ توازن در توزیع ثروت و فرصت های اقتصادی در جامعه است. بنابراین، باید بر اصلاح و بهبود سیاست های اقتصادی تمرکز کرد تا بتوان به توزیع عادلانه تری از ثروت و منابع اقتصادی در جامعه دست یافت. برای مثال، سیاست هایی مانند اصلاح نظام مالیاتی، تنظیم حداقل حقوق و تسهیلات بهداشتی و درمانی می توانند در رسیدن به اهداف بسط عدالت اقتصادی مؤثر باشند (Schneider, Kallis & Martinez-Alier, 2010: 511-518). ایجاد فرصت های شغلی برای کارآفرینان و استقرار صنایع جدید می تواند به ایجاد فرصت های شغلی برای افراد کم درآمد کمک کنند و تفاوت درآمدی در جامعه بکاهند. توسعه و ارتقای فناوری های نوین و نظام های اطلاعاتی و ارتباطی نیز در راستای بسط عدالت اقتصادی مهم است (Guo, Huang, Liu & Xiang, 2018: 2389-2406). این روزها با پیشرفت فناوری، فرصت های جدیدی برای کسب و کارها و کارآفرینان به وجود آمده اند که می توانند شرایط اقتصادی جامعه را بهبود بخشند. در این راستا، باید سیاست هایی را اجرا کنیم که فناوری های نوین را توسعه دهند و زیرساخت های فنی و ارتباطی را ارتقا بخشند.



عکاس: سعید رضا مقصودی

از جمله مثال های کاربردی برای بسط عدالت اقتصادی می توان به این راهکارها اشاره کرد:

۱. ارائه تسهیلات مالی برای ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط: این اقدام می تواند به ایجاد فرصت های شغلی در مناطق گوناگون و برای افراد با درآمد کم کمک کند.
۲. پیاده سازی سیاست های دولتی برای تنظیم بازار کار: این سیاست ها می توانند شامل ایجاد پوشش های آموزشی برای کسب مهارت های لازم، تنظیم شرایط کاری مناسب و ایجاد مزایای سازمانی برای مشاغل باشند.
۳. تحقق توزیع منصفانه ثروت: برای توزیع منصفانه ثروت، سیاست های مالی مانند تعدیل درآمدی و مالیات برای افراد با درآمد بالا، تحقیق در بخش های اقتصادی و توسعه سرمایه های اجتماعی مثل بهداشت، آموزش و امنیت پایدار انجام پذیرند.
۴. ایجاد فرصت های برابر برای دسترسی به خدمات اساسی: برای بسط عدالت اقتصادی باید فرصت های برابر برای دسترسی به خدمات اساسی مانند آب، برق، بهداشت و آموزش برای همه اعضای جامعه فراهم شود. این راهکارها نیازمند همکاری و تلاش های مشترک بین دولت، بخش خصوصی و جامعه هستند تا بتوان

توپ



عدالت

فائزه سادات ابراهیمی
دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی

اقتصادی

در زمین

آموزش و پرورش



بهبود قابل توجهی را در وضعیت اقتصادی طبقات جامعه شاهد بود.

اما نقش آموزش و پرورش در بسط عدالت اقتصادی چیست؟

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بسط عدالت اقتصادی به عنوان یکی از اهداف اصلی آموزش و پرورش ذکر شده است. برای رسیدن به این هدف، این سند بر اهمیت توسعه مهارت های عملی و تخصصی دانش آموزان، آموزش های حرفه ای، ایجاد فرصت های شغلی، ارتقای سطح آموزشی کشور و توسعه فرهنگ کار و کارآفرینی تأکید دارد. همچنین، بر این نکته تأکید می کند که توسعه فناوری های نوین و ارتقای سطح تحصیلات، به شیوه ای که برای همه افراد مقدور باشد، یکی از راهکارهای بسط عدالت اقتصادی در آموزش و پرورش است.

این سند به اهمیت ارتقای سطح آموزشی معلمان و ایجاد فرصت های آموزشی برای آن ها توجه دارد، چرا که توانایی معلمان را از ملزومات افزایش کیفیت آموزشی می داند.

در حوزه آموزش و پرورش برای بسط عدالت اقتصادی می توان به این مثال ها اشاره کرد:

۱. ایجاد فرصت های برابر آموزشی و توزیع منصفانه آن: برای بسط عدالت اقتصادی باید این امکان را فراهم کرد که آموزش برای همه افراد، بدون تبعیض، ارائه شود. برای مثال، ایجاد مدرسه در مناطق محروم و تأمین تجهیزات و فناوری های آموزشی برای افراد کم درآمد، می تواند در وضعیت آموزشی آن ها بهبود قابل توجهی ایجاد کند. در حوزه توزیع منصفانه، برای مثال باید اطمینان حاصل شود که دختران و پسران در تمام سطح های آموزشی به طور برابر حضور داشته باشند و برای هر دو جنس تسهیلات و امکانات آموزشی در دسترس باشند. در بسیاری از کشورها، دختران به دلیل محدودیت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، از فرصت های آموزشی کافی برخوردار نیستند. در نتیجه از فرصت های اقتصادی و شغلی هم عقب می افتند (Malhotra & Mather, 1997:599-630). با توجه به این واقعیت، بسط عدالت اقتصادی باید به منظور تأمین فرصت های آموزشی برابر برای همه جنسیت ها رعایت شود.

۲. توسعه مهارت های عملی و شغلی: باید برنامه های آموزشی و پرورشی مناسبی طراحی و توسعه داده شوند تا بتوان مهارت های عملی و شغلی مورد نیاز بازار کار را به افراد کم درآمد آموزش داد.

توزیع منصفانه فرصت های آموزشی یکی از مهم ترین راهکارها برای بسط عدالت اقتصادی است، زیرا به معنای رفع تفاوت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

در دسترسی به فرصت های آموزشی، بهبود شرایط اقتصادی و بهبود سطح زندگی جامعه است. برای کودکانی با شرایط متفاوت، مانند کودکان خانواده های محروم و فقیر یا دچار ناتوانی، کودکان ساکن مناطق محروم و مرزی و دیگر کودکان دارای شرایط خاص، باید فرصت های برابر آموزشی ایجاد کرد. برای تحقق این مهم می توانیم از دوره های آموزشی خاصی برای این کودکان استفاده کنیم تا شرایط ادامه تحصیل آن ها فراهم شود. همچنین، تدارک برنامه هایی برای کمک به این خانواده ها، به منظور پرداخت هزینه های تحصیلی کودکانشان و ایجاد فرصت های آموزشی برای آن ها نیز می تواند به تحقق بسط عدالت اقتصادی کمک کند.

نقش معلمان در بسط عدالت اقتصادی چگونه است؟

معلمان می توانند با ارائه آموزش و پرورش کیفی و مناسب، افراد را به دانش و مهارت های لازم برای شرکت در بازار کار و بالاتر از آن، زیست شهروندی، مجهز کنند (Sahlberg, 2006). و با این کار به تعادل در توزیع درآمد کمک کنند. همچنین، از طریق برنامه های آموزشی خود، به دانش آموزان بیاموزند که در جامعه باید از افراد با تفکر انعطاف پذیر و هوشمند حمایت کرد و به جای محروم کردنشان، به آن ها فرصت های برابر داد. این دیدگاه به ایجاد فرهنگی در جامعه کمک می کند که برای تحقق بسط عدالت اقتصادی بسیار اهمیت دارد. به علاوه، معلمان می توانند با برگزاری کارگاه های آموزشی درباره توانمندی های کارآفرینی و مدیریت مالی، به دانش آموزان آموزش دهند که چگونه می توانند در بازار کار موفق شوند و به تعادل در توزیع درآمد کمک کنند (Brunello & Schlotter, 2011). بسط عدالت اقتصادی در آموزش و پرورش کشورهای دیگر نیز به عنوان یکی از مهم ترین موضوعات در حوزه آموزش و پرورش مطرح است. در کشورهایی پیشرفته مثل فنلاند، کانادا و سوئد، بسط عدالت اقتصادی به عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست های آموزشی شناخته شده است. در فنلاند، به طور مثال، تمرکز بر آموزش عمومی و تربیت شهروندانی است که مسئولیت های اجتماعی خود را به خوبی می دانند و به ایجاد فرهنگی از تقسیم بندی منابع عادلانه کمک می کنند (Sahlberg, 2007:259-287). علاوه بر این، در آموزش و پرورش فنلاند، به تربیت نیروی کار با مهارت های تخصصی و انعطاف پذیری بالا توجه می کند.

در کانادا آموزش و پرورش به عنوان یکی از ابزارهایی شناخته شده است که می تواند به تعادل در توزیع درآمد کمک کند (Gay, 2013:48-70). در آموزش و پرورش کانادا، به تربیت نیروی کار با مهارت های تخصصی و فرهنگ کارآفرینی توجه می شود.

سوئد در توجه به آموزش و پرورش، از طریق مدرسه، آموزشگاه های حرفه ای و دانشگاه ها، نیروی کار با مهارت های تخصصی بالا تربیت می کند و می کوشد افراد با توجه به نیازهای بازار کار، در رشته های مورد نظر تحصیل کنند. به این منظور، در سطح دبیرستان، دانش آموزان به صورت رایگان در دوره های حرفه ای و مهارتی، از جمله کارآموزی در صنایع و مشاغل گوناگون، شرکت می کنند. همچنین، در این کشور معیارهایی مانند شایستگی های اجتماعی و تنوع فرهنگی در فرایند آموزش و پرورش مورد توجه قرار می گیرند (پیشین). این رویکرد سوئد در آموزش و پرورش باعث شده است این کشور در سطح جهانی به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در زمینه بسط عدالت اقتصادی شناخته شود.

اکنون و پس از مطالعه این مقاله چه تعریفی از بسط عدالت اقتصادی در آموزش و پرورش در ذهن دارید؟

منابع

۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

2. Schneider, F., Kallis, G., & Martinez-Alier, J. (2010). Crisis or opportunity? Economic degrowth for social equity and ecological sustainability. Introduction to this special issue. Journal of cleaner production, 18(6).

3. Wu, J., Guo, S., Huang, H., Liu, W., & Xiang, Y. (2018). Information and communications technologies for sustainable development goals: state-of-the-art, needs and perspectives. IEEE Communications Surveys & Tutorials, 20(3), 2389-2406.

4. Malhotra, A., & Mather, M. (1997, December). Doschooling and work empower women in developing countries? Gender and domestic decisions in Sri Lanka. In Sociological forum (Vol. 12). Kluwer Academic Publishers-Plenum Publishers.

5. Sahlberg, P. (2006). Education reform for raising economic competitiveness. Journal of Educational change, 7(4).

6. Brunello, G., & Schlotter, M. (2011). Non-cognitive skills and personality traits: Labour market relevance and their development in education & training systems

7. Sahlberg, P. (2007). Education policies for raising student learning: The Finnish approach. Journal of education policy, 22(2), 147-171.

8. Gay, G. (2013). Teaching to and through cultural diversity. Curriculum inquiry, 43(1).



اطلاعات جعلی
دانش آموزان در برابر
رسانه‌ای و مصون سازی
تأملی در اهمیت سواد

دو دود و یک سیگار

* آموزش تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای

در دنیای امروز اطلاعات نادرست غیر عمدی^۳ و اخبار جعلی^۴ به میزانی نامحدود منتشر می‌شوند. به این سبب، امروزه آموزش تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای^۵ به دانش آموزان بسیار مهم است. لذا در ادامه نوشتار به راه‌هایی اشاره می‌شود که معلمان از آن طرق می‌توانند سواد رسانه‌ای را به دانش آموزان آموزش دهند تا آن‌ها امکان شناختن اخبار جعلی را پیدا کنند.

* ارزیابی منابع

دانش آموزان را ترغیب کنید نسبت به منابعی که برای انجام تکالیف و پروژه‌های درسی استفاده می‌کنند و یکردي انتقادی پیشه کنند. به آن‌ها چگونگی یافتن منابع معتبر را بیاموزید و اینکه چگونه می‌توان میزان اعتماد به مطالبی را که احتمال جانب‌دارانه بودن در آن‌ها وجود دارد سنجید. برای دانش آموزان، اندیشیدن به سبک «من می‌توانم استدلال را درباره اخبار جعلی بنویسم»^۶ دشوار به نظر نمی‌رسد. بدین سیاق آموخته‌های سواد رسانه‌ای خود را به منصه ظهور می‌رسانند. چنین تقریراتی درباره اخبار جعلی می‌تواند نمایانگر و وصف‌کننده انواع اخبار جعلی و آن دیگری در سوء برداشت از وضعیت و به تبع آن ارتکاب فعل ناصواب، تعیین‌کننده محسوب شود.

* تشکیک در پیش‌دانشته‌ها

به دانش آموزان بیاموزید اندیشه ورزی کنند و همواره روش‌های گوناگون را برای فهم موضوعات مدنظر قرار دهند. همچنین، آن‌ها را به تأمل در امور تشویق کنید و اهمیت در نظر گرفتن پیامدهای مصرف اطلاعات رسانه‌ای را برایشان روشن کنید.

ترجمه سید غلامرضا فلسفی

پژوهشگر حوزه سواد‌های رسانه‌ای و خبری

در ابتدای این نوشتار از باب اهمیت موضوع لازم به تأکید است که داشتن مهارت‌های تفکر انتقادی^۱ برای موفقیت در تمامی شئون زندگی، از حل مشکلات شغلی تا تصمیم‌گیری‌های مهم در امور شخصی، ضروری است. مایه توانم تفکر انتقادی را توانایی شناسایی مفروضات، تحلیل اطلاعات، ارزیابی شواهد و نتیجه‌گیری منطقی توصیف کنیم. مهارت‌های تفکر انتقادی به ماکمک می‌کنند مشکلات را تعریف و شناسایی کنیم و راه‌حل‌های بالقوه را تحلیل و سپس تصمیم‌سازی کنیم؛ مضاف بر اینکه موجدات اخذ تصمیمات بهتر را نیز فراهم می‌کنند. در عین حال، داشتن این مهارت‌ها موجب می‌شود با ارزیابی امکان‌های متفاوت، به انتخاب‌های آگاهانه دست بزنیم. این کنشگری ثمراتی مبارک در پی دارد. هنگام تحلیل اطلاعات، برقراری ارتباط را نیز به نوعی تمرین می‌کنیم. لذا چنین مهارت‌هایی به ماکمک می‌کنند بتوانیم ارتباط مؤثر برقرار کنیم. با تفکر انتقادی می‌توانیم رویکردهای گوناگون را در نظر بگیریم، ایده‌های جدید را شناسایی کنیم و واگرا بیندیشیم. همه این موارد به بهبود و افزایش خلاقیتان می‌انجامند. همه استدلال‌های مهم مذکور از اوان تحصیل قابلیت آموختن و به کارگیری دارند. لذا مراکز آموزشی باید به آموزش متربیان در زمینه سواد‌های رسانه‌ای و دیجیتال، توجهی ویژه معطوف کنند.

* درست‌سنجی

به دانش‌آموزان بیاموزید، پیش از هم‌رسانی (شیر) هرگونه اطلاعات، آن‌ها را به دقت بررسی کنند. همچنین، به آنان آموزش دهید صحت اطلاعات را با مراجعه به چندین منبع معتبر معلوم کنند. دانش‌آموزان را راهنمایی کنید در مراجعه به منابع معتبر، به دنبال شواهدی مغایر یا مقوم محتوای موردنظر بگردند.

* نگرش انتقادی به پیام‌های رسانه‌ای

به دانش‌آموزان یاد دهید، هنگام مواجهه با پیام‌های رسانه‌ای، منتقدانه بیندیشند. شیوه‌های مورد استفاده رسانه‌ها برای اثرگذاری بر باورهای مخاطبان شبکه‌ای را آموزش و شیوه اعتبارسنجی منابع را شرح دهید.



در مبارزه با اخبار جعلی، آموزش تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان، ضرورتی کتمان‌ناپذیر است.

* راهبردهای پیشبرد سواد رسانه‌ای

پدیدآورندگان رسانه‌ای

به دانش‌آموزان آموزش دهید در مرز سازندگان محتوای رسانه‌ای قرار گیرند و برای ترغیبشان به تحقق این مهم، از ظرفیت تمامی سائق‌های انگیزشی استفاده کنید. آن‌ها را به چالش تولید محتوا مانند تولید وب‌آ (پادکست)، فرستاده‌های وبلاگ یا تولید فیلم دعوت کنید. این قبیل فعالیت‌ها آن‌ها را به مصرف‌کنندگان منتقد رسانه‌های جمعی بدل می‌کند.

مصرف‌کنندگان متفکر

بدان‌ها بیاموزید که تشکیک و تحقیق درباره منابع خبری امری به‌غایت صواب است. در زیست‌بوم رسانه‌ای امروز، حداقل دوبار راستی‌آزمایی محتوای رسانه‌ها باید معمول و محتوم شمرده شود.

تحلیل‌گران آگاه

دانش‌آموزان و دانشجویانی که تحصیلاتشان پایان می‌یابد، خاصه محصلان دارای دیپلم روزنامه‌نگاری یا دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری، باید بتوانند همه چیز را تحلیل کنند. تحلیل پیام‌های رسانه‌ای و روش‌هایی که رسانه‌ها برای اثرگذاری بر دیدگاه‌های مخاطبان شبکه‌ای و اقناع آن‌ها به کار می‌گیرند، باید به مبنای تفکر آن‌ها طی زندگی روزمره‌شان بدل شود.

فرهنگ بحث آزاد

فرهنگ بحث عمومی را تقویت کنید. دانش‌آموزان را به بحث آزاد درباره

رسانه‌ها برانگیزید. این فعالیت در عین حال که به مربیان می‌آموزد برای دیدگاه‌های مختلف ارزش قائل شوند، به تولید و تکثیر گفت‌و شنود سازنده نیز می‌انجامد.

* دسترسی به رسانه‌های گوناگون

امکان دسترسی دانش‌آموزان به طیفی گسترده از منابع رسانه‌ای را فراهم کنید؛ آن منابعی که دیدگاه‌ها و سلیقه‌های متکثر را بیان می‌کنند و جنبه‌های فکری متنوعی را بازتاب می‌دهند.

* اهمیت سواد دیجیتال

پی‌نوشت‌ها

1. Critical Thinking
2. Misinformation
3. Fake News
4. Media Literacy
5. <https://eduzaurus.com/free-essay-samples/fake-news-and-its-impact-on-our-lives>
6. Network Audience
7. www.forbes.com/sites/meimeifox/2022/12/05/4-tools-for-developing-critical-media-literacy-skills-from-namle/?sh=270a7a5267ae

منبع

این نوشتار ترجمه آزاد مطلبی از جرمی نیومن است با عنوان
Teaching Students Critical Thinking and Media Literacy for Combat Fake News
که ۲۴ مارس ۲۰۲۳ در وبگاه The Scioto Post بارگذاری شد.

امروزه فناوری در قریب به اتفاق جنبه‌های زندگی ما نقشی بسزا ایفا می‌کند. به همین سبب درک اهمیت و ضرورت سواد دیجیتال موضوعی به‌غایت خردمندانه است. بهره‌مندی از این سواد، عاملی برای بهبود شرایط اجتماعی و افزایش مشارکت اجتماعی است. سواد دیجیتال با ایجاد توانمندی در افراد به منظور دسترسی به منابع و اطلاعاتی که مجال استفاده از آن در نبود این سواد برای مخاطبان شبکه‌ای میسر نبود، می‌تواند در پرکردن شکاف دیجیتال نقش محوری ایفا کند. آشنایی با این سواد، قابلیت‌های افراد را در حوزه اشتغال افزایش می‌دهد. لذا برای ورود به بازار کار مهم تلقی می‌شود؛ کما اینکه امروزه در این بازار، افراد دارای مهارت‌های بالای دیجیتال، از امکان رقابت و احتمال موفقیتی بیشتر برخوردارند. سواد دیجیتال افراد را قادر می‌کند از فناوری برای دسترسی به اطلاعات، حل مضائقه‌ها و برقراری ارتباط استفاده کنند. همچنین، مهارت‌های سواد دیجیتال برای افرادی که در گذر سال‌های عمر به یادگیری مؤمن‌اند، بسیار تعیین‌کننده‌اند. لذا این سواد، پشتیبان و تقویت‌کننده یادگیری مستمر نیز محسوب می‌شود. در نهایت، سواد دیجیتال افراد را قادر می‌سازد در نورددیدن بعدزمان و مکان با دیگران ارتباط برقرار کنند.

در مبارزه با اخبار جعلی، آموزش تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان ضرورتی کتمان‌ناپذیر است. امروزه در عصر دیجیتال، دسترسی و انتشار اطلاعات سهل و سریع است. بدین سبب، آموزش سنجش روایی و پایایی اطلاعات به دانش‌آموزان برای شناسایی اخبار جعلی و توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی اهمیت فراوان دارد. دانش‌آموزان می‌توانند شیوه‌شناسایی جهت‌گیری رسانه‌ها و دست‌کاری اطلاعات توسط رسانه‌ها را بیاموزند. آن‌ها قادر می‌شوند اعتبار منابع را ارزیابی کنند و بین واقعیت و عقیده تمیز قائل شوند. این توانمندی نه‌تنها در پیگیری امور تحصیلی، بلکه در زندگی شخصی‌شان نیز سودمند است، چراکه می‌توانند بر اساس اطلاعات دقیق تصمیماتی آگاهانه بگیرند.*

منشور

بررسی روش‌ها و راهبردها

هدف‌گذاری

دکتر مرتضی فاضل

دکترای مشاوره و مدرس استعداد و خلاقیت

❁ روش اول: هدف‌گذاری اسمارت^۱

یکی از اولین و معروف‌ترین روش‌های هدف‌گذاری، هدف‌گذاری «اسمارت» است. توضیح اینکه این کلمه سرواژه است. واژه اسمارت از حرف‌های اول پنج کلمه لاتین^۲ به دست آمده است. این اصطلاح رانخستین بار جورج دوران در سال ۱۹۸۱ مطرح کرد. جورج دوران هدف‌گذاری اسمارت را برای «سازمان‌ها» و نه برای زندگی فردی، تعریف می‌کند. او توضیح می‌دهد که اسمارت پنج ویژگی دارد: - اختصاصی^۳؛ یعنی محدوده و موضوع آن کاملاً روشن، شفاف و معین باشد؛ - قابل اندازه‌گیری^۴؛ یعنی بتوان اهداف را به شکل کمی و عددی موردسنجش قرار داد و اندازه‌گیری کرد؛ - قابل تعیین^۵؛ یعنی اهداف باید تخصیص‌یافتنی و واگذاری باشند و مشخص باشد چه کسی مسئول آن است. - واقعی^۶؛ یعنی اهداف واقع‌بینانه باشند و با توجه به منابع در دسترس، دست‌یافتنی باشند؛ - مرتبط با زمان^۷؛ یعنی زمان برآورده شدن هدف مشخص شده باشد. اما نویسندگان و استادان اسمارت را بارها و برای مباحث فردی، آموزشی، مدیریتی، امور مالی، سلامت و روان‌شناسی تجدیدنظر کرده‌اند. بلانچارد که به مباحث انگیزش علاقه ویژه‌ای داشت، از واژه «انگیزه»^۸ به جای واژه «قابل اندازه‌گیری» استفاده کرد و برای آنکه مفهوم اندازه‌گیری در اسمارت حذف نشود، به جای اصطلاح «مرتبط با زمان»، از اصطلاح «قابل ردیابی»^۹ استفاده کرد تا هم اندازه‌گیری و عدد را در نظر گرفته باشد و هم مفهوم زمان دار بودن را برساند. آنتونی رابینز به جای «قابل تعیین» از «قابل دستیابی»^{۱۰} استفاده کرد و برای آنکه با واژه «واقعی» تداخل صورت نگیرد، به جای این واژه از «مرتبط» یا «مربوط»^{۱۱} استفاده کرد. برایان تریسی هم به جای دو اصطلاح «قابل تعیین و واقعی» از دو اصطلاح «اقدام کردن»^{۱۲} و «مربوط»^{۱۳} استفاده کرد. در ادامه مطرح شد که هدف باید SMARTER (هوشمندتر) باشد. اگر چه بر سر E و R آخر هم اختلاف نظر وجود داشت، اما می‌توان گفت، دیدگاه غالب E را حرف اول کلمه لاتین «ارزیابی شده»^{۱۴} و R را حرف اول لاتین «بازنگری شده»^{۱۵} در نظر گرفت.

نمایی از کوه دماوند

اشاره

هدف‌گذاری یعنی مشخص کردن و تعریف اهداف واضح و روشن و سپس تلاش مداوم برای رسیدن به آن‌ها. این اهداف مشخص باید مواردی باشند که فرد می‌خواهد در آینده معینی به آن‌ها دست یابد. هدف‌گذاری روش‌های متعددی دارد که پنج روش در این شماره و شش روش دیگر در شماره بعدی تبیین می‌شوند.

(قسمت اول)

* روش چهارم:

مدل اگرکت^{۲۷} یا همان دقیق

این روش را اولین بار توسط ویلسون (۲۰۰۷) مطرح کرد و شامل این موارد است:

صراحت^{۲۷}: یک هدف کارآمد مشخص و بدون ابهام و پیچیدگی است.

چارچوب مثبت و الهام بخش^{۲۸}: یک هدف کارآمد برای فرد انگیزه‌های مثبت و امید بخشی را فراهم می‌آورد **قابل ارزیابی^{۲۹}:** یک هدف کارآمد به گونه‌ای است که فرد می‌داند چه زمانی به آن دست می‌یابد و می‌تواند به راحتی میزان دسترسی به آن را اندازه بگیرد.

چالش برانگیز^{۳۰}: منظور آن است که اهداف به گونه‌ای باشند که به آسانی حاصل نشوند و فرد را به تلاش و کوشش زیاد وادارند.

زمان بر بودن^{۳۱}: منظور آن است که نقاط عطف رسیدن به هدف و زمان رسیدن به هدف کاملاً مشخص باشد. تعیین شود هدف کوتاه مدت، میان مدت یا بلند مدت است.

پی‌نوشت‌ها

1. smart
2. Smart, Specific, Measurable, Assignable, Realistic, Time-related
3. Specific
4. Measurable
5. Assignable
6. Realistic
7. Time-related
8. Motivating
9. Trackable
10. Achievable
11. Relevant
12. Action oriented
13. Relevant
14. Evaluated
15. Reviewed
16. Hard
17. Heartfelt
18. Animated
19. Required
20. Difficult
21. WOOP
22. Wish
23. Outcome
24. Obstacle
25. Plan
26. EXACT
27. Explicit
28. Xciting
29. Assesable
30. Challenging
31. Time framed
32. GROW
33. Goal
34. Reality
35. Obstacle
36. Options
37. Way Forward
38. When
39. Whom
40. Will to do
41. intention or commitment

* روش دوم: هدف گذاری سخت^{۳۲}

روش هدف گذاری سخت شامل این موارد است:

از صمیم قلب^{۳۳}: به این معنی است که فرد باید برای هدفش انگیزه درونی داشته باشد؛ یعنی باید قلبی و به طور عمیق هدفش را از درون بخواهد. هدف قلبی چیزی است که شما به آن اهمیت می‌دهید، زیرا وقتی به چیزی اهمیت می‌دهید، به احتمال زیاد می‌توانید آن را محقق کنید.

متحرک^{۳۴}: این عنصر یعنی فرد از هدف و مسیرش چشم انداز مناسبی داشته باشد و اهداف را در ذهنش زنده کند. در واقع فرد باید بتواند تصویری منظم و منسجم از هدف و مسیر برای خود مشخص کند، زیرا اگر بتواند تصویری زنده در ذهن خود ایجاد کند، احتمال موفقیت شما بیشتر است. خیال پردازی در مورد وضعیت آینده و تصویرسازی از رسیدن به اهداف در آینده، چشم انداز و مسیر راه را مشخص تر می‌کند.

ضروری^{۳۵}: این اصطلاح به معنی آن است که فرد باید آنچه را نیاز است برای هدفش انجام دهد، فراهم کند. و از خود پرسد که امروز برای رسیدن به هدفم باید چه کاری انجام دهم؟ هفته آینده چطور؟ ماه آینده چه؟ شش ماه بعد چطور؟ به صورت کلی، فرد باید از تعهدات و کارهایی که باید انجام دهد آگاه باشد. وقتی کسی احساس می‌کند رسیدن به هدف یک نیاز است، امکان موفقیتش بیشتر می‌شود.

دشوار^{۳۶}: دشوار به این معنی است که هدف فرد باید هدف سختی باشد و به راحتی به دست نیاید. در واقع، هدف باید بتواند به اندازه کافی فرد را به چالش بکشد و او را به سمت رشد خود حرکت دهد. دگرگونی واقعی زندگی با دستیابی به اهداف دشوار آغاز می‌شود.

* روش سوم: هدف گذاری - ووپ^{۳۷}

این مدل هدف گذاری که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، شامل این موارد است:

خواستن^{۳۸}: به این معنی است که فرد باید قصد و میلی درونی برای هدفش داشته باشد. در واقع، فرد باید هدفش را بخواهد و انگیزه‌های درونی و بیرونی خود را برای آن مشخص کند.

نتیجه^{۳۹}: به این معنی است که در واقع فرد باید نسبت به نتیجه‌ای که انتظارش را دارد آگاه باشد و سپس جزئیات نتیجه و کارهای لازم برای رسیدن به آن را نیز مشخص کند.

مانع^{۴۰}: منظور این است که فرد در ابتدای مسیر باید بعضی از موانع و سختی‌هایی را که پیش رویش خواهند بود مشخص کند.

برنامه^{۴۱}: منظور آن است که در مرحله آخر فرد باید برای مسیر خود برنامه‌ای بچیند و برنامه ریزی کند.

تدریس زیباتر

ذره‌بین

دکتر محمد رضا سرکار آرائی
استاد دانشگاه ناگویای ژاپن

نکته‌هایی درباره درس کاوی موفق

اشاره

سوم فروردین ۱۴۰۲ اولین نشست درس کاوان شهرستان قم به میزبانی اداره کل آموزش و پرورش استان در خانه فرهنگیان برگزار شد. در بخش اول این نشست، معلمان آموزه‌ها و چالش‌های واکاوی تدریس خود و بازاندیشی در عمل را ارائه کردند. در بخش دوم، محمدرضا سرکار آرانی، استاد پداگوژی دانشگاه ناگویای ژاپن، سخن گفت. رشد معلم با انتشار متن این بخش از نشست، خوانندگان را به گفت‌وگو درباره پرسش‌ها و بحث‌های مطرح شده درباره یادگیری معلمان در فرایند واکاوی تدریس دعوت می‌کند. باتشکر از خانم طاهره خادمی، معاون مدرسه ابتدایی شهید جعفرقلی ناحیه یک قم، که در تهیه و تنظیم این گزارش ما را یاری کردند.

* چگونه تدریس‌هایمان را واکاوی کنیم؟

ما بر اساس متن پیاده‌شده تدریس و شماره گفت‌وگوها قبل از تجزیه و تحلیل درس، ساختار یا سازه‌های اصلی یا به اصطلاح «کالبدشناسی (آناتومی) تدریس» را در می‌آوریم.

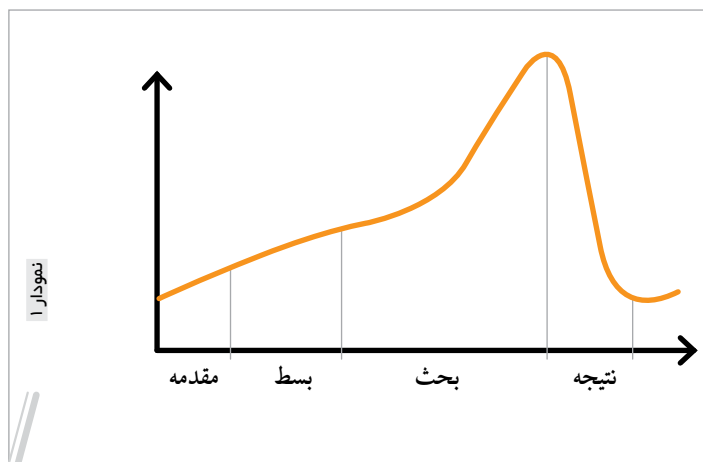
مثلاً اینکه جعفر در شروع طرح مسئله ریاضی می‌گوید: «یا خدا!» یعنی چه؟ از معلم پرسیم منظورش چیست؟ آیا این تکیه کلام معلم است که دانش آموزی با طنز تکرار می‌کند؟ آیا بچه‌های دیگر هم از این عبارت در این کلاس ریاضی استفاده کرده‌اند؟ جعفر چگونه بچه‌ای و چطور دانش آموزی است؟ این یا خدا را از کجا آورده است؟ خانه، سایر کلاس‌ها، از خود معلم یا سایر دانش آموزان و...؟ آموزگار ممکن است بپرسد در کلاس شما چه نمونه‌هایی از این دست رخ می‌دهند، یا اگر شما جای من بودید، درس را چطور شروع می‌کردید؟ یکی می‌گوید این گفت‌وگوها به نظرم اضافی هستند. اگر با سکوت برگزار می‌شد، بهتر بود. معلمی ممکن است درباره دشواری سکوت و دلهره آوردن آن و مدیری برعکس از حشمت و شکوه آن سخن بگوید. بالاخره این تفسیرها کجا و بر اساس چه معیاری محک می‌خورند و چگونه دست‌کم اجماع پدید می‌آید و منطق تدریس اثر بخش در منطقه‌ای مانند زاویه قم را تعریف و سپس بهسازی می‌کند؟ برای مثال، من از کاشان تا اینجا با خودم می‌گفتم این جعفر چه بچه‌ای است؟ کجا نشسته است؟ با کدام بچه‌ها دوست است؟ از این عبارت چه منظوری دارد؟ معلم سربه‌سرش می‌گذارد، یا او در تمنای این سربه‌سری پیش قدم می‌شود؟ چند بار دیگر یا خدا در این متن تدریس هست و... توجه کنید، اینکه بپرسید جعفر چگونه بچه‌ای است، با اینکه بپرسید چطور دانش آموزی است، متفاوت است. به این شکل هر گفت‌وگو را در ارتباط با سایر گفت‌وگوهای معلم و بچه‌ها و اارسی می‌کنیم. مثلاً وقتی من روی اولین

واکنش جعفر دقت می‌کنم، شروع می‌کنم توی اکسل جست‌وجو کنم تا ببینم جعفر در کجاها باز حضور داشته است و جایش در کدام بخش از امضاها معلم پررنگ است؟ یا مثلاً پرسش‌های چی؟ چرا؟ و چگونه معلم را جست‌جو می‌کنم، یا اگر در گفت‌وگویی کلمه چاهست، معنی ضمنی آن را در ذهن معلم و دانش آموزان و اارسی می‌کنم که معنایش چرایی است یا چگونگی. بار معنایی پرسش معلم یا بچه‌ها را و اارسی و تفسیر می‌کنم.

* کالبدشناسی تدریس

برای نمونه، بر اساس متن پیاده‌شده تدریس با موضوع معرفی واحد سطح ریاضی سوم ابتدایی، معلم و دانش آموزان در ۴۵ دقیقه ۷۳۵ گفت‌وگو دارند. اولین کاری که می‌کنید، از معلم تا هر جا که «مقدمه»^۱ است را هاشور می‌زنید. سپس قسمت «بسط»^۲ مسئله یا توسعه^۳ مفاهیم پایه تدریس را تعیین می‌کنید. آنگاه بخش «بحث و بررسی»^۴ یا پرسش تازه و جان کلام تدریس، یعنی تعامل و عمق بخشیدن به مفاهیم و در نهایت بخش «نتیجه‌گیری» یا جمع‌بندی و مرور پیام اصلی تدریس^۵.

در فرهنگ ژاپنی، قسمت مقدمه تدریس خیلی کوتاه است. گاهی اوقات معلم اصلاً حرف نمی‌زند. مثلاً یک تصویر روی تخته کلاس می‌چسباند و بچه‌ها شروع می‌کنند به انجام دادن فعالیت پیش‌بینی شده روی تخته که این تکلیف و وظیفه^۵ امروز ماست. قسمت بسط از مقدمه خیلی بیشتر است، ولی نه به اندازه ایران. و قسمت بحث هست که یک دفعه می‌پرد^۶ به پرسش و اندیشه‌ای تازه. در واقع اینجا بچه‌ها هستند که صحنه‌گردانی می‌کنند. در آخر نتیجه‌گیری هم کوتاه است و حتی گاهی اوقات معلم کلاس را بدون نتیجه‌گیری تمام می‌کند. ولی ما اصرار داریم بگویم بچه‌ها امروز چه یاد گرفتیم و نتایج را رسم و ارائه دهیم (به نمودار ۱ نگاه کنید).



پس اولین کاری که می‌کنیم، امضای درس را در می‌آوریم. حالا امکان دارد یک مدرسه امضای درس را به این شکل خط کش در بیاورند و هر قسمت را رنگ کنند و با هم مقایسه کنند، نه به شکل نمودار.

مقدمه	بسط	بحث	نتیجه
-------	-----	-----	-------

ساختار تدریس



معلم این ساختار را به معلمان دیگر نشان می‌دهد. می‌گوید شما هم فیلم کلاس خودتان را ببینید و ساختار آن را نقاشی کنید. کنار هم می‌نشینند. ۱۵ معلم ۱۵ امضا از درس خودشان دارند. می‌پرسند، آقای رجبی در تدریس شما قسمت بحث چطور این قدر پرو پیمان و مفصل است؟ یا اینکه چطور قسمت بسط را کم و مختصر کردی؟ یا چکار می‌کنی که قسمت نتیجه کوتاه است؟ می‌گوید، من گاهی وقت‌ها از اینکه درس نتیجه نداشته باشد نمی‌ترسم. تازنگ خورد می‌گویم بچه‌ها بروید. بچه‌ها می‌گویند جمع بندی نمی‌کنید؟ معلم می‌گوید نه. بچه‌ها خوش حال می‌شوند و می‌روند. حالا کافی است وقت بازی بچه‌ها را بگیرید و بگویید می‌خواهید جمع بندی کنید. بچه‌ها اصلاً گوش نمی‌دهند. جایی نمی‌نویسند. برای خودت جمع بندی می‌کنی. دقت کنید، دل خوشی ما با بچه‌ها متفاوت است. اگر احترام گذاشتید و گفتید فردا هم هست، فردا که به کلاس می‌آیید، همه با هم می‌گویند جمع بندی! جمع بندی یعنی یادشان هست که دیروز یک کاری را انجام ندادیم، تنها به خاطر بچه‌ها، و باید اول آن را انجام دهیم. خود این باعث می‌شود کلاس هم شروع بهتری داشته باشد.

البته همین عمل (بازاندیشی از جنس واقعه در رخدادها) نه بزرگ و تغییر جهت مناسکی امور یا ترتیب زمان و خط‌کشی‌های متن برای بازسازی یا روتوش ساختار آن؛ آن چنان که ما می‌خواهیم باشند، آن هم پس از عمل. وگرنه بحث زمان، شکلی است تا محتوایی. خرد تدریس به یادگیری گره می‌خورد نه به شکل و شمایل ظاهری تدریس یا حتی رفتار معلم.

البته تفسیر رویدادها بحث دیگری است. مثلاً آقای معلم می‌گوید من مسئله را گفتم و بچه‌ها بحثی را شروع کردند. بحث بچه‌ها به قسمت بحث مربوط است، ولی حالا در بخش بسط در ساختار تدریس آمده است. البته من این اشاره معلم را می‌فهمم، ولی آیا بقیه همکاران از ایشان می‌پذیرند و آیا استدلال ایشان برای رواسازی منطق تدریسشان در قالب پداگوژی ایرانی پذیرفته می‌شود؟ این نکته حکیمانه‌ای است که من از اشاره ایشان آموختم. درس پژوهی و درس کاوی کوششی مردم‌سالارانه (دموکراتیک) برای بهسازی آموزش است. اگر همکاران جابه‌جایی مورد اشاره آقا معلم را پذیرفتند، آنگاه یک پانویس در متن تدریس بنویسید و بگذارید دیگران این جابه‌جایی بعد از عمل را تفسیر کنند و درباره آن اندیشه کنند. شاید معلم در تعاملی که بر اساس تفسیرها به عمل خواهد آمد، به این نتیجه برسد که ای کاش این تکه اصلاً اینجا نبود و اصلاً لازم نیست این بخش را به جای قسمت بحث بپذیرید! شاید بگوید کاش گفت وگویی شماره فلان تا فلان را نداشته‌ام یا دست‌کم از این به بعد در تدریس‌هایم نباشد. در این صورت، سناریوی (فرانامه) تدریس امروز اصلاح می‌شود و جان تازه‌ای می‌گیرد. به اینجارسیدن تحکمی نیست، خیلی مردم‌سالارانه است و این صحنه پردازی برای یادگیری اثر بخش‌تر معلمان و در نهایت بچه‌ها یاری دهنده‌تر است. همه حکمت عمل و علم عمل درس کاوی در این فرایند اغنای مردم‌سالارانه و فراهم آوردن دست‌کم اجماع برای بهسازی فرانامه‌های (سناریوهای) آموزش است؛ اصلاح دنا (دی‌ان‌ای) یا ژن‌شناسی (ژنتیک) تدریس و پیش فرض‌های ذهنی معلم. بحث و تفسیرها هم ممکن است از این پرسش حکیمانه آغاز شوند که ای کاش این بخش‌ها نبود! کاش جابه‌جایی می‌شد یا آیا می‌شود بعد از عمل، آن را در ساختار تازه‌ای پذیرفت و درباره درس گفت وگو کرد یا چانه‌زنی در این باره را به کلی مردود دانست؟



در درس کاوی ما با یادگیرنده و کیفیت یادگیری کار داریم. یا به سراغ سؤال می‌رویم. یا سراغ هدف یا سراغ امضای درس

* بهسازی ساختار تدریس

معلم این تدریس ریاضی که درباره آن بحث می‌کنیم، در میانه گفت‌وگو سر ذوق آمد و پرسش حکیمانه‌ای مطرح کرد. از خوداندیشی جهش کرد و به بازاندیشی انتقادی و حکیمانه با دیگران رسید. می‌پرسد، بر اساس این تقسیم بندی، آیا من می‌توانم بگویم چند مکالمه در بسط بوده که به قسمت بحث متعلق است و پس از تدریس جایشان را تغییر دهم؟ من وسط قسمت بسط، نتیجه‌گیری کردم. حالا بیایم در نشست واکاوی آمار را بالا و پایین ببرم؟ و بگویم این قسمت را لطفاً به بحث و بررسی اضافه کنید؟

اینجا یک بحث، تفاوت طراحی و عمل است. شما ممکن است در طرح درس برای قسمت مقدمه سه دقیقه در نظر گرفته باشید، ولی در عمل هشت دقیقه بشود. شما نمی‌توانید برای اینکه این بسط را کم کنید، آن را بچسبانید پایین به قسمت بحث، تا مثلاً از شر انتقادهای همکاران رها شوید، که این بخش‌ها به بسط ربطی ندارند یا چرا اضافه شده‌اند! ممکن است شما خیلی چابک باشید و مطابق طرح درس عمل کنید، ولی خیلی از معلم‌ها نمی‌توانند مثل طرح درس عمل کنند. چون طرح درس ممکن است مشارکتی باشد، یا بچه‌ها چالشی را در متن عمل ایجاد کنند که عنان کار از دست معلم در برود، چه رسد به اینکه بخواهد بر اساس طرح درس عمل کند! اینجا نکته حکیمانه آموزگار تلاش برای «اندیشه پس از عمل» است (بازبینی پیش فرض‌های ذهنی) و

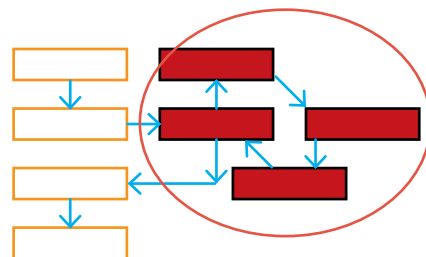
معلمان معمولاً در اینجا به نکته ظریفی اشاره می کنند که مثلاً مادر در مرحله دوم (بسط) هستیم، ولی برای رسیدن به مرحله سوم (بحث)، بچه ها باید پیش نیازهایی داشته باشند و چون فکر می کنیم بچه ها این پیش نیازها را ندارند، ما را مجبور می کنند توضیح اضافه بدهیم. پس گاهی این انحراف را خود معلم ایجاد می کند و گاهی پیش دانسته هایی که مافکر می کنیم بچه ها ندارند. این طور نیست؟ در فرایند درس کاوی این نکته ظریف را موضوع گفت و گو می کنیم و با هم می آموزیم. به نظر من خیلی وقت ها این دشواری های ناخواسته را معلم ایجاد می کند و ما با مهارت آن را به گردن بچه ها می اندازیم و آن ها نیز قبول می کنند. گاهی این پیش فرض های ذهنی معلم نیازمند وارسی هستند. اینکه مافکر می کنیم برای بچه ها لازم است، بچه ها هم باید فکر کنند لازم است یا نه....! صاحب خانه آن ها هستند.

* سخن پایانی

گفت و گوری فرامه (سناریو) های تدریس و نتایج اجرای آن، ما را سبک تر می کند، شیدا می شویم و شوق یادگیری در ما زنده می شود. سیر بودیم از دانایی و غره بودیم به تدریس و شهادت خودمان برای نقد معلم، ولی در فرایند این تجزیه و تحلیل، دلهره می گیریم و تشنه و گرسنه یادگیری می شویم. خالی می شویم از غرور و تواضع می کنیم برای یادگیری و هم آموزی و خود و دگرارزایی برای بهسازی. زیر پیمان خالی می شود از ناتوانی حرفه ای و سر تعظیم پیش مدرس فرود می آوریم. آمده بودیم چیزی یاد بدهیم، حالا تهی از غرور، یادگیرنده ای فعال می شویم. این است معجزه واکاوی تدریس! در درس کاوی ما با یادگیرنده و کیفیت یادگیری کار داریم. یا به سراغ سؤال می رویم، یا سراغ هدف یا سراغ امضای درس. مثلاً مقدمه را خوب شروع کردیم، ولی اینجا برای ظهور ایده و پرسشی تازه، باید بیشتر به بچه ها مهلت می دادیم. شاید معلم بگوید من دیدم وقت ندارم، سرعت دادم. این تغییرهای آنی جهت تدریس به خاطر بودجه بندی یا زمان تدریس یا نقص طراحی آموزشی برای ما چالش برانگیز است. در درس کاوی خیلی آرام بین واژه ها حرکت می کنیم. به اندونزیایی به اصطلاح به آن «جَلَنگ جَلَنگ» می گویند. یعنی آهسته راه می رویم، در متن تدریس بالا و پایین می شویم و شبکه معنایی تدریس معلم را می سازیم. واکاوی می کنیم، ام آرای آن را می گیریم و روند مفهوم سازی او را سامان می دهیم و به تصویر می کشیم. مثل صحنه نمایش، جای بازیگران را مشخص و در نوسازی فرامه به آن ها یاری می رسانیم. در یک مسیر دوستانه، سعی می کنیم هدف را گم نکنیم. معلمان امروز از پاس رونالدینیوی گفتند. ما هم مثل بازی فوتبال، تدریس، پاس های معلم و بچه ها و میزان زمانی را که او توپ داشته و باز می گوید وقت نداشتیم، به وقت وارسی می کنیم. یا پاس های بچه ها را زیر ذره بین واکاوی می کنیم. با توجه به گفت و گوهای تدریس استدلال می کنیم، از رفتار خود دفاع می کنیم، شاهد می آوریم، بازاندیشی می کنیم و جایی سخن یا نظر مان عوض می شود یا بار معنایی آنچه گفته یا شنیده ایم اوج می گیرد و توسعه ای در دل دیده مان شکل می گیرد. پرسشی نو و با کیفیتی تازه مطرح می شود و شبکه معنایی تازه ای شکل می گیرد.

این کار به تمرین نیاز دارد. در حین این تمرین ها کتاب درس کاوی هم دم دستتان باشد. یک فصل کتاب یا درس را بردارید و با هم بخوانید و جلو بروید. ساختار تدریستان را پیدا کنید. شما بر اساس منطق درس خودتان، کالبدشناسی تدریستان را در بیاورید. از خوداندیشی و خودآموزی و خود آگاهی شروع می کنیم. سپس گروهی از هم تایان برای هم آموزی و هم اندیشی و برای باز آفرینی دانش حرفه ای دعوت می کنیم (دگراندیشی خوردروانه). آن ها احتمالاً انگشت اشاره را جای دیگری می گذارند و به گفت و گوهای دیگری در متن تدریس اشاره می کنند که شاید ما توجه نکرده بودیم؛ چون آن ها تجربه های دیگری دارند و با عادی تازهای نگاه می کنند. گاهی اوقات این بررسی را با یک گروه دانشگاهی انجام می دهیم یا به یک کشور دیگر می بریم و با گروه و فرهنگی دیگر وارسی می کنیم. در این سطح، ما به «بحث های انتقادی» می رسیم و از بحث های «دانش آموزش یا اصلاحات فن» عبور می کنیم و بسیار عمیق تر به تدریس و منطق آن می پردازیم. هر چه زبانمان در مرحله خوداندیشی فنی است، در مرحله بعد و شمنند و حرفه ای است و در مرحله سوم انتقادی و حکیمانه است. به خاطر داشته باشید ما با هم می آموزیم!*

این یعنی هم اندیشی و هم آموزی برای بهسازی سناریوهای آموزش. درس کاوی فرصت تغییر نقشه زن شناختی تدریسمان را فراهم می آورد. به شکل نگاه کنید. قسمت مستطیل قرمز را معلم می گوید کاش نبود! مثلاً معلم می گوید این گفت و گوی من کار را خراب کرد.



یک وقت ما خوش شانسیم و این بیراهه رفتن یک مورد است. اما بعضی وقت ها سردرگم می شویم، یا بچه ها ما را بازی می دهند و وقت بسیاری را از دست می دهیم و در عین حال داغ وقت کم بر سینه داریم! و ما تا بچه ها را به راه اصلی برگردانیم، گاهی ممکن است ۱۰ دقیقه طول بکشد.

تجزیه و تحلیل که انجام شد، در مرحله بعد، قیچی برمی داریم و می گوئیم اینجا بحث شروع شد. من چرا این گفت و گو را داشتم؟ با این گفت و گو بچه ها منحرف شدند و اگر این تکه را برداریم، چقدر جهت تدریس برای بچه ها روشن تر می شود؟

وقتی ما این مراحل واکاوی را طی می کنیم و جسارت می کنیم قیچی برداریم و بخش های اضافه را برش بزنیم و فرایند آموزش و یادگیری را چابک تر کنیم، به این کار می گویند «تغییر منطق درس». اینکه چطور زودتر برسیم؟ راحت تر برسیم؟ فرایندهای عمل تدریس زیباتر شود؟

پی نوشت ها

1. introduction
2. development
3. discussion
4. conclusion
5. task
6. jump

معلمان ارتقای حرفه‌ای در باره نکته



نویسنده: جک سی. ریچاردز
مترجم: دکتر علی درخشان، دکتر فرزانه شکی،
دکتر کثوم غلامی اندراتی
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹
ناشر: تهران، بوی کاغذ

کتاب «۵۰ نکته درباره ارتقای حرفه‌ای معلمان» در ۵۰ فصل گام‌های مؤثر و شیوه مناسب طراحی آموزشی را تبیین و تشریح کرده است. این کتاب به منزله یکی از منابع مورد رجوع برای آموزش این سرفصل‌ها در درس‌هایی همچون مهارت‌های تدریس، راهبردهای تدریس و طراحی واحد یادگیری پیشنهاد می‌شود. بخش‌هایی از کتاب را با هم می‌خوانیم.

به باور بسیاری از معلمان، ارتقا و توسعه حرفه‌ای دقیقاً مانند وضعیت آب‌وهوایی مطلوب و ایدئال است؛ یعنی وقوع آن از کنترل و اراده شما خارج است و اگر خوش‌شانس باشید، در منطقه‌ای نزدیک به شما رخ می‌دهد.

بیشتر معلمان توان و قدرت کافی برای تصمیم‌گیری درباره رشد و ارتقای حرفه‌ای‌شان را ندارند، یا گاهی صرفاً احساس می‌کنند توان و حق کافی را برای تنظیم فرایند رشد و ارتقای خود در اختیار ندارند. دلیل پیدایش این وضع آن است که در بسیاری مواقع و شرایط، تدریس به شغلی فنی تبدیل می‌شود که در آن نقش معلم فقط انتقال محتوای مندرج در برنامه‌های آموزشی به دانشجویان و پیروی از اهداف از پیش تعیین شده است. در نتیجه، حق «عاملیت» یا کنشگری از معلم سلب می‌شود.

اما اگر با معلمان مجرب‌تر و با سابقه‌تر صحبت کنید، خواهید دید که اغلب آن‌ها گام‌های بسیار سنجیده و حساب‌شده‌ای برای مهندسی‌سازی مسیر ارتقا و رشد خود برداشته‌اند (به‌شخصه، هرگاه متوجه می‌شوم باید یک واحد درسی را در دوره کارشناسی ارشد تدریس کنم، کاملاً مردود می‌شوم!). اما راز موفقیت آن معلم‌ها در چیست؟ اعمال کنترل بر روند ارتقای حرفه‌ای از طریق تنظیم اهداف و ترسیم طرح برنامه‌ها و گام‌هایی که باید برای دستیابی به آن اهداف اتخاذ کرد.

الف) چرخه ارتقای معلم: اول، حتماً باید به این نکته اشاره کنیم که زندگی حرفه‌ای یا شغلی معلم‌ها در طول مراحل و گام‌های متعدد طی می‌شود و هدف‌هایی که در ابتدا برای مسیر ارتقای خود تعیین کرده‌اند، در گذر زمان و با توجه به مرحله‌ای که در آن واقع می‌شوند، تغییر پیدا می‌کند.

ب) ترسیم وجهه و چهره «معلم ایدئال درون»: یکی از جنبه‌های مهم تنظیم هدف، ترسیم تصویری صریح و شفاف از خود آینده‌تان است. اگر بخواهیم به زبان حرفه‌ای صحبت کنیم، منظور آن است که باید تصویر و چهره خودتان در آینده‌ای نه چندان دور را ترسیم کنید. یکی از نظریه‌های انگیزش که در این تحقیق نیز از آن بسیار بهره‌برده‌ایم، نظریه نظام خودانگیزشی است. به بیان ساده، در این نظریه چنین آمده است که ما زمانی که ایده‌ای صریح و روشن از خود و وضعیت آینده‌مان (یعنی خود ایدئال‌مان) داشته باشیم و خود ایدئال‌مان را بشناسیم، به انگیزه دست خواهیم یافت. اگر تصویر خود ایدئال‌تان را به درستی و صراحت ترسیم کنید، قطعاً به بهترین نتایج خواهید رسید.

ج) تدوین و ترسیم نقشه‌ای از مسیر ارتقاد حرفه: در این زمان، برای دستیابی به اهدافتان چه گام‌ها و اقداماتی را باید اتخاذ کنید؟ به کدام ابزارها و نیروهای پشتیبان احتیاج خواهید داشت؟ چارچوب یا قالب زمانی مورد نظران چیست؟

قلمرو تربیت اجتماعی

سیاسی

(مبانی نظری سند تحول، ص ۳۰۲)

ارتباط مناسب با دیگران
(اعضای خانواده،
خویشاوندان، دوستان،
همسایگان و همکاران)

رعایت قانون،
مسئولیت پذیری،
مشارکت جویی و پاسداشت
ارزش های اجتماعی

کسب دانش و
اخلاق اجتماعی
و مهارت های
ارتباطی



۲۴ آبان ماه
روز کتاب و کتاب خوانی

هر روز کتاب بخوانیم.